

جلد چهارم

پرسش‌های انقلاب اسلامی

دکتر محمدجواد یاری



پرسن انقلا اسلامی

دکتر محمدجواد یاری



Islamic Revolution Questions
By : Mohammad Javad Yari

کتاب پرسن انقلا اسلامی در برگردنده ۵۴ پرسش و پاسخ پیرامون تحولات و اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران است که به مسائلی چون تاریخ معاصر، مباحث نظری انقلاب، جنگ‌های ایران و روسیه، وضعیت سیاسی و اجتماعی دربار و استبداد و انکار مذهب توسط قاجار، مآجرای قتل، شکست مشروطیت، نقش انگلیس در دربار قاجار و روی کار آوردن و عزل رضاخان، عملکرد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پهلوی، تحولات دهه ۱۳۲۰، عملکرد آیت الله کاشانی و مصدق در ریختن علی شادین صمدت قتل، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، انقلاب سفید و اصلاحات ارضی، تحولات دهه ۱۳۴۰-۵۰، مانند لایحه الحسین‌های بالایی و ولایتی، حادثه خمینیه، قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۴، کابینه لاسجونی، نقش باز سیاسی و نقش وزیری هوییدا، دکتر شریعتی، گفت‌وگو انس گوانو، پید رهنبری و مشربیت امام خمینی (ره) و مسلم معظم رهبری (مدظله العالی)، تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب، عملکرد دوران موقت و بنی صدر، کودتای طبری و نژده و نقش آیت الله شریعتی، آیت الله مصلتی، جنگ تحمیلی، رابطه دین و سیاست، بررسی امکان بزرگ و ولایت فقیه، رابطه اسلامیت و اراستیت، مصلحت نظام و خویش، بررسی اجزای و جزئیات سیاسی، انتخابات مردم سالاری دینی، آزادی، غرب شناسی، محدودیت‌ها و چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی، جنگ نرم و تازوی فرهنگی، رمز موفقیت و پیروزی، حال عقب ماندگی جهان سوم و توسعه مادی غیرمادی، ویژگی‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، دانش هسته‌ای، استراتژی‌های آمریکا و رژیم میجرینیتی، نظام حقوقی دربار خور، آینده انقلاب اسلامی و ... سی پرواز.



۱- رابطه اسلامیت و ایرانیّت؛ خدمات متقابل آنها و هدف دشمن از رودررو قرار دادن اسلامیت و ایرانیّت

ظهور زرتشت به بیش از ۲۶۰۰ سال پیش می‌رسد که آریایی‌ها را به یکتا پرستی، پرهیز از خرافه‌گرایی و قربانی کردن حیوان برای خدایان ساختگی فرا می‌خواند و به اخلاق، گفتار و کردار نیک دعوت می‌کرد و از گناه بر حذر می‌داشت.^۱ با گذشت زمان آیین زرتشت تحریف شد به نحوی که اعتقاد به توحید به شرک و مجسمه پرستی تبدیل شد و خرافات زیادی به آن افزوده شد. اولین کتاب اوستا ۹۵۰ سال بعد از زرتشت نوشته شد!! ایرانیان همواره به حق پرستی، انسان دوستی، ظلم ستیزی مشهور بوده‌اند، لذا با آغوش باز از اسلام استقبال نمودند. اسلام و ایران خدمات زیادی به یکدیگر داشتند، رشد و گسترش اسلام توسط ایرانیان صورت گرفت. وحدت دینی، حفظ استقلال، حق پرستی، استعمار و استبداد زدایی نیز متأثر از تعالیم اسلامی می‌باشد. نقش تعالیم اسلامی در مبارزه با استعمار و استبداد در نهضت تنباکو، لغو قرارداد استعماری ۱۹۱۹، امتیاز رویترز، توتون تنباکو، مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی کاملاً ملموس است، به تعبیر «دیگار»: «درخشندگی بین‌المللی شیعه در درون جهان اسلام یک نیروی امدادی انکار نکردنی در اختیار ایران می‌گذارد».^۲ دشمن نیز با پی‌بردن به پتانسیل‌های اسلامی سعی در حذف و تحریف اندیشه و تفکر اسلامی از این سرزمین می‌نمود. مأموریت خاندان پهلوی در اسلام زدایی، نفوذ و حمایت از عناصر سکولار، ایجاد و حمایت از فرق ضالّه‌ای چون وهابیت، بهائیت، صوفی‌گری، تشیع لندنی شیرازی‌ها و دیگر فرق در راستای تحریف و مبارزه با اسلام ناب محمدی ارزیابی می‌شود.

دامن زدن به تفکر ناسیونالیسم و فکر ملیت پرستی نیز از راهبردهای آنها بدین منظور می‌باشد، فکر ملیت پرستی، نژاد پرستی در واقع ملت‌ها را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد، تا اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» انگلیسی‌ها عملی شود؛ زیرا با سرگرم کردن ملت‌ها به افتخارات موهوم، اهداف خود را بهتر تعقیب می‌کنند. سلطنت طلبان و سکولارهای لیبرال این تفکر را ترویج می‌کنند که، اعراب اسلام را بر ایران تحمیل کرده‌اند؛ تا پیوندهای اصیل اسلام با ایران را بگسلند، ولی این پیوندها بسیار عمیق است و بخش عمده‌ای از فرهنگ ما را تشکیل می‌دهد لذا این تفکر در جامعه ایرانی جایی پیدا نکرد. تجزیه امپراطوری اسلامی عثمانی با شعارهای ناسیونالیستی پان ترکیسم و پان عربیسم به ۱۵ کشور کوچک باعث از بین رفتن اقتدار آن در برابر غرب گردید و امروز غرب براحتی آنها را استعمار می‌کند. غرب حالی شعار ناسیونالیسم را سر می‌دهد که برای خود نسخه اتحادیه و ایالات متحده می‌پیچد. بی‌تردید کسی جای امام علی (ع) و حسین (ع) را در بین ایرانیان نخواهد گرفت؛ لذا بی‌جهت نیست که «میشل فوکو» راه حل تسلط بر ایران را لائتیس (دین‌زدایی) کردن و تأکید بر ملی‌گرایی می‌داند، «ریچارد رورتی و فوکویاما» از پدران انقلاب مخملی نیز معتقد است؛ ملی‌گرایی تنها پادزهر در مقابل اسلام‌گرایی است.

احساسات ملی تا آنجا که جنبه مثبت داشته باشند و نتیجه‌اش خدمت به هموطنان باشد قابل توجه است ولی آنجا که جنبه منفی به خود می‌گیرد و موجب تبعیض در قضاوت، دیدن و ندیدن خوبی‌ها و بدی‌ها، در جانب‌داری‌ها شود ضداخلاق و ضدانسانیت است. اسلام قرن‌هاست که وحدتی براساس فکر و عقیده به وجود آورده که در مبارزات ضد استعماری مسلمانان نقش قاطعی داشته است و از سوی دیگر دستاوردهای علمی، فلسفی و دینی را هرگز به دلیل این که وطنی نیست نمی‌توان نادیده گرفت، حقایق علمی به همه جهان تعلق دارد. لذا دانشمندان و پیامبران به همه جهانیان تعلق دارند. از طرفی اساساً در دنیا ملتی که از نظر خون و نژاد از سایر ملل جدا باشد وجود ندارد، مثلاً ما ایرانی‌ها از نظر نژاد و خون، آمیخته‌ای از عرب، ترک، مغول، آریایی‌ها و دیگران هستیم و اگر براساس نژاد قضاوت کنیم بسیاری از مفاخر خود را از دست می‌دهیم و بر ملیت ایرانی ضربه می‌زنیم. در دین اسلام، به همه ملت‌ها و اقوام با یک چشم نگاه می‌شود و از همه دعوت می‌کند. در سوره سبا آیه ۲۸ چنین می‌فرماید: «و ما تو را جز برای این که عموم بشر را بشارت دهی و از عذابش بترسانی نفرستادیم». در

۱- محمد تقی سردی و ناصر پوریان، شاه‌کشی: دانشنامه شکنجه و کشتار شاهان و نخبگان و قدرتمندان ایران، (تهران: سرمدی، ۱۳۸۰)، ج اول،

ص ۵۲.

۲- ژان پیر دیگار، ایران در قرن بیستم، (تهران: البرز، ۱۳۷۸)، ص ۴۵۹.

قرآن خطابی به صورت ایها العرب یا ایها القریشون وجود ندارد در برخی آیات قرآن آمده که اسلام نیازی به شما اعراب ندارد، فرضاً شما اسلام را نپذیرید اقوام دیگری در جهان هستند که از دل و جان اسلام را خواهند پذیرفت (انعام/۸۹- مائده/۵۴-نساء/۱۳۳- محمد/۳۸) بلکه از مجموع این آیات استنباط می‌شود که قرآن کریم روحیه آن اقوام را نسبت به اعراب برای اسلام آماده‌تر می‌داند. امام باقر(ع) در ذیل آیه ۳۸ سوره محمد(ص) می‌فرماید: «منظور از قوم دیگر، ایرانیان هستند». همه ادیان بزرگ و مسلک‌های بزرگ جهان آن اندازه که در سرزمین‌های دیگر مورد استقبال قرار گرفته‌اند در سرزمین اصلی که از آنجا ظهور کرده‌اند مورد استقبال قرار نگرفته‌اند، مثلاً حضرت مسیح (ع) در فلسطین به دنیا آمد ولی اکثر مردم اروپا و آمریکا که از لحاظ منطقه‌ای با حضرت مسیح(ع) جدا هستند، مسیحی‌اند. آیا مردم آمریکا و اروپا نسبت به دین مسیح احساس بیگانگی می‌کنند. «کارل مارکس» و «انگلس» در آلمان و بعد انگلیس پایه‌های کمونیسم را ریختند، ولی مردم در انگلیس و آلمان آن را نپذیرفتند و مردم شوروی و چین آن را پذیرفتند. ایرانیان به لحاظ نظامی، قدرت‌مندترین کشور جهان هنگام جنگ اعراب مسلمان بود، مهمترین عامل شکست حکومت ساسانی در ناراضی بودن ایرانیان از وضع دولت و آیین و رسوم اجحاف آمیز آن زمان بود. اجتماع آن روز ایران یک اجتماع طبقاتی بود تا آنجا که حتی آتشکده‌های طبقات مختلف مردم با هم فرق داشت هیچ کس حق نداشت از طبقه‌ای وارد طبقه دیگر بشود، حتی طبقات فرودست حق تحصیل نداشتند!

مسیحیان در فاجعه اندلس و قتل عام مسلمانان هشتاد هزار کتاب را به آتش کشیدند، ترکان در مصر، سلطان محمود غزنوی در ری، مغول و اسکندر در ایران آتش‌سوزی گسترده‌ای را ایجاد کردند، کتاب خانه اسکندریه چندین بار قبل از آن که اسکندریه به دست مسلمانان فتح شود مورد تاراج و حریق واقع شد و مسلمین وقتی اسکندریه را فتح کردند، این آتش‌سوزی توسط مسیحیان صلیبی شایعه شد تا کار زشت خود را در سوزاندن کتب از بین ببرند. تا حدود ششصد سال بعد از فتح ایران و مصر، در هیچ مدرک اسلامی و غیر اسلامی سخن از کتاب سوزی مسلمین نیست و برای اولین بار در قرن هفتم این مسئله مطرح می‌شود، آن هم بدون ارایه مدرک و به صورت شایعه، عرب جاهلی به دینی روی آورده بود که پیامبرش فدیه برخی اسیران را، خواندن و نوشتن قرار می‌داد، و کتابش (قرآن) به قلم و نوشتن سوگند یاد کرده است و کتاب‌های ایرانی در آن زمان به عربی ترجمه می‌شد، اسلام هم خدمات علمی زیادی هم به ایران ارایه نمود. اساساً استعمار زمانی موفق می‌شود که در استعمار فرهنگی موفق شود و مردم را به فرهنگ و مذهب خود بی‌اعتنا کند.

از دیگر خدماتی که اسلام به ایران نمود این بود که تشنه افکار و عقاید مذهبی را از بین برد و وحدت عقیده با وجود شش قومیت در ایران ایجاد کرد و احساس برادری و برابری ایجاد نمود. اگر اسلام در ایران گسترش نمی‌یافت به دلیل فضای ایجاد شده برای پذیرش دین جدید که ناشی از فساد عقیده و دینی آن زمان بود، مسیحیت در ایران گسترش می‌یافت آن هم مسیحیتی که در قرون وسطی در آن مقطع حاکم بود و با علم و عقلگرایی مبارزه می‌کرد و امثال گالیله را بخاطر نظریات علمی به اعدام محکوم می‌کرد! از سویی بسیار از بزرگان ایرانی افتخار پیشوایی دینی مردم نقاط دیگر از حجاز، عراق، یمن، شام و مصر را پیدا کردند، در کدام دوران این افتخار را داشتیم؟ مسلمانان بعد از فتح ایران، هیچ وقت ایرانیان را مجبور به ترک دین و مذهب و عقاید پیشین خود نکرده‌اند، بلکه اجازه می‌دادند آنها آتشکده‌های خود را نگه دارند، لذا تا چهارصد سال بعد از فتح ایران این آتشکده‌ها وجود داشتند، و مسلمانان خود را ملزم به حفظ معابد ایرانی‌ها می‌دانستند و امکان نداشت که گروه قلیلی از اعراب ملتی چند میلیونی را مجبور به ترک دین و آیین خود نمایند، آن هم ایرانیانی را که از هر جهت امکانات بیشتر و بهتری داشتند. علت رشد تشیع در ایران این بود که ایرانیان روح خود را با اسلام سازگار دیدند، سابقه فرهنگ و تمدن ایرانی باعث توجه آنها به خاندان رسالت شد، چرا که روح اسلام را در آنها یافت. عدل و مساوات اسلامی برای ایرانی‌ها که قرن‌ها از آن محروم بودند، آنها را به خاندان اهل بیت(ع) علاقمند کرد. رفتار مساوات طلبانه حضرت علی(ع) و عدم تبعیض او بین عرب و عجم، دفاع از ایرانیان به خصوص در برابر برخی اعراب که قایل به تفاوت میان عرب و غیر عرب بودند، دلیل این توجه است. ابوحنیفه ایرانی به واسطه آشنایی این مردم با مکتب اهل بیت طرفدار زیادی در ایران پیدا نمی‌کند و مردمی که با این مکتب مقدس آشنا نیستند به او گرویدند.

از سوی اسلام استعداد‌های مردم را در مسیر بهتری قرار داد و فضای ظهور برای عالمان و دانشمندان ایجاد کرد؛ دانشمندانی نظیر ابوریحان، بوعلی، خواجه نصیر الدین طوسی محصول این فضا بودند. همان‌طور که گذشت فساد عقیدتی و مذهبی در ایران یکی از علل گرایش ایرانیان به اسلام بود، اجحاف موبدان زرتشتی باعث انشعابات زیادی در آن شد مثل مانوی، مزدکی و ده‌ها فرقه دیگر که همه این‌ها از ایران رخت بستند. احدی از مورخان و محققان تردید ندارند که جنبه‌های زیبا و عالی تعلیمات زرتشت تبدیل به افکاری زشت، پست و مملو از خرافه شده بود. خدایی که زرتشت در ۲۶۰۰ سال پیش می‌گفت جسم نیست و لذا احتیاج به قربانی و غذا ندارد، در دوره ساسانی دارای شکل و شمایل و ریش و عصا می‌شود و مجسمه او را در همه جا نصب می‌کنند و پرستش آتش بزرگ‌ترین شعار زرتشتی‌گری می‌شود و آتشکده‌ها ساختند و ثنویت را در آن وارد کردند، ازدواج محارم در بین زرتشتیان امر رایجی بود. به بهانه حفظ خون و نژاد آتوسا دختر کوروش با برادرانش کمبوجیه و بردیا ازدواج کرد. داریوش اول با خواهرش آرتیستون ازدواج کرد، که البته مردم این کارها را زشت می‌شمردند! دین زرتشت به دست موبدها فاسد شده بود و ملت ایران نمی‌توانست از صمیم قلب به آن عقیده داشته باشد. سیاست نژاد پرستانه امویان نسبت به غیر اعراب از دیگر دلایل توجه ایرانیان به اهل بیت (ع) بود. قرآن کریم در سوره شعرا آیه ۱۹۸ می‌فرماید: «اگر قرآن را بر فردی از عجم فرو می‌فرستادیم اینان (اعراب) هرگز ایمان نمی‌آوردند». امام صادق (ع) در سفینه البحار در این رابطه می‌فرماید: «آری اگر قرآن بر عجم نازل شده بود، عرب به آن ایمان نمی‌آورد ولی برعرب نازل گشت و عجم ایمان آورد، و این فضیلت عجم است»^۳.

اسلامی که به ایران آمد متأثر از دو قرائت بود: ۱- قرائت فاتحان، که قرائت اهل تسنن بود؛ ۲- قرائت علوی و اهل بیت (ع)؛ روایت اهل تسنن از اسلام عمدتاً متأثر از قوم‌گرایی عربی بود، لذا در طول حاکمیت سیاسی اهل تسنن بر ایران واکنش‌هایی را موجب شد. اما تشیع به دلیل گوهر عقلانی خود مشخصه‌های اصیل ایرانی را به رسمیت شناخت و به آن محتوا و جهت داد. تاریخ نشان می‌دهد هر چه استقلال سیاسی ایرانیان بیشتر شد، اقبال آنها به معنویات و واقعیات اسلام فزونی یافته است و هیچ‌گاه دنبال احیای «اوستا» نیفتادند. مردم طبرستان و شمال ایران تا سیزده سال پس از هجرت هنوز دین جدید را نشناخته بودند، لذا ایرانیان اسلام را تدریجاً پذیرفتند، و این آیا جز جاذبه اسلام و سازگاری آن با روح ایرانی بوده است؟ پیامبر (ص) می‌فرماید: «به خدا قسم من روزی را می‌بینم که همین ایرانیان که شما برای اسلام با آنان می‌جنگید، با شما بچنگند تا شما را مسلمان کنند»^۴. لذا در خراسان ششصد هزار مسلمان با شعار «الرضا من آل رسول» به طرفداری از اهل بیت (ع) پرداختند و امپراطوری بنی‌امیه را درهم کوبیدند و قدرت را به بنی‌عباس که در ابتدا خود را حامی تشیع جلوه می‌دادند انتقال دادند، زیرا در آن مقطع امام صادق (ع) بر حسب مصالح و حکمت‌هایی دعوت آنها را قبول نکرده بود. ایرانیان همواره مورد توجه خاندان اهل بیت (ع) بوده‌اند، چنانچه در حدیثی امام علی (ع) از قول پیامبر (ص) خطاب به اعراب فرمودند: «به خدا قسم همچنان که در آغاز، شما رژیم حاکم بر ایران را ساقط خواهید کرد، در آینده تاریخ، ایرانیان نیز رژیم حاکم بر شما را ساقط خواهند کرد»^۵. بی‌تردید رشد و شکوفایی فرهنگ ایران به خاطر تعامل فرهنگی با ملل دیگر بدون تعصبات کورکورانه بود. به شهادت تاریخ ایرانی‌ها هرگاه از حکام جور خود به تنگ آمده‌اند، آنها را در مقابل حملات خارجی و سایر مصایب تنها گذاشته‌اند و موجبات سقوط آنها را فراهم کرده‌اند، شرایطی که ساسانیان به دلیل فساد و تباهی و دیکتاتوری که توسط موبدان زرتشتی حمایت می‌شد ایجاد کرده بودند، از جمله دلایل این واقعیت است. اسلام ظرفیت‌های ایران و توانایی‌های فکری و نبوغ علمی ما را فعال کرد، برای اولین بار ایرانی‌ها پیشوا و مرجع دینی غیرایرانی‌ها شدند، «لیث

۳- مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، (تهران: صدرا، ۱۳۸۱)، چ سی‌ام، ص ۳۱۵-۳۹.

۴- محمودرضا افتخاری، اسلام و ایران، (تهران: رسالت قلم، ۱۳۷۷)، صص ۱۲۰-۱۱۶.

۵- مرتضی مطهری، پیشین، صص ۹۹-۹۴.

۶- نهج السعاده، ج دوم، ص ۷۰۳ و کنز العمال، حدیث ۱۱۷۵۲.

سعد» ایرانی رهبر فقهی مصر شد و «ابوحنیفه» ایرانی، مذهب حنفی را ایجاد و طرفداران زیادی به دست آورد. صاحبان کتب اربعه شیعه، یعنی دو کتاب «تهذیب و استبصار» توسط محمدبن حسن بن علی شیخ طوسی تألیف شد و کتاب «اصول کافی» توسط کلینی و کتاب «من لایحضره الفقیه» توسط ابن بابویه قمی تألیف شد. کتب «صحاح سته» اهل سنت که مرجع اصلی حدیث و استنباط احکام و عقاید تمام مکاتب فقهی اهل سنت است، توسط دانشمندان ایرانی چون «ترمذی» و «بخاری» تألیف شدند. بنیان‌گذار عرفان اسلامی «غزالی و حلّاج» نیز ایرانی بودند. حتی در تعیین مبداء تاریخ اسلام پیشنهاد هرمزان فرماندار اهواز پذیرفته شد. ایرانیان با همراهی مختار نقش اصلی را در انتقام از حادثه عاشورا را ایفا کردند و مردم سیستان بعد از عاشورا حاکم آنجا که برادر ابن‌زبید بود را اخراج و در راه محبت امام علی(ع) سختی‌های بسیاری را متحمل شدند. ایرانی‌ها در عین استقبال از اسلام به لحاظ سیاسی فرهنگی مقهور اعراب نشدند. سلسله صفاریان، علویان طبرستان و سامانیان و آل‌بویه که شیعه بودند نیز در مخالفت با حاکمان جور بنی‌عباس شکل گرفتند. نفوذ عمیق اسلام در میان گروه‌های اجتماعی ایران به عنوان ارزش مسلط تنها عامل وحدت ملی ایرانیان بوده است، لذا هر حرکت و جنبشی بدون معیارهای مذهبی نمی‌تواند موفق باشد.^۷ اسلام همواره عامل اصلی ساماندهی سیاسی و اجتماعی و باعث ثبات هویت ملی ایران بوده است که ضمن دفع تهدیدات، شکوه و اقتدار فرهنگی ایران را رقم زده است.

علاوه بر اینها، علت طرح مسایل انحرافی مانند ملی‌گرایی کاذب وحشت کفار از ایفا و شکل‌گیری تدریجی نقش ایرانیان در آخرالزمان است. برخی از آیات قرآن به نقش ایرانیان در تحولات آخرالزمان اشاره دارد؛ خداوند در سوره مائده آیه ۵۴ می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از دین خدا مرتد شود بدانید دین خدا بی‌یاور نمی‌ماند، زیرا دیری نمی‌گذرد که خداوند مردمی را می‌آورد که خداوند آنها را دوست می‌دارد و آنها نیز خدا را دوست می‌دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن و به آنها محبت می‌ورزند ولی در برابر کافران عزت‌مدار و سرافرازند، در راه خدا پیکار می‌کنند و در کارها از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای بیم ندارند، این فضل خداست که به هر کس بخواهد عطا می‌کند، جز این نیست که عهده‌دار امور و ولایت امر شما مؤمنان، خدا و پیامبر و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند... آن ملت پیروزند چرا که حزب الله هستند». بعد از نزول این آیات مسلمانان از پیامبر سؤال کردند، این ملت که خداوند وعده داده است چه کسانی هستند؟ پیامبر (ص) فرمودند: ای سلمان، آنها قوم تو (ایرانی‌ها) هستند، اگر علم و دانش در ثریا باشد مردمی از سرزمین پارس بدان دست می‌یابند. در تفاسیر بزرگ اهل سنت مانند (کشف الاسرار ج ۳، ص ۱۴۷، تفسیر الکشاف جلد اول، ص ۶۴۴، تفسیر الکبیر ج ۱۲، ص ۱۹ و مجمع البیان ج ۳، ص ۳۲۱) منظور از آن ملت را ایرانی‌ها دانسته‌اند. در ذیل آیه ۱۳۳ سوره نساء که خداوند می‌فرماید: «ای مردم اگر او بخواهد شما را از میان می‌برد و افراد دیگری را به جای شما می‌آورد و خدا بر این کار تواناست»، مفسرین شیعه در تفاسیر تبیین ج ۳، ص ۳۵۲ و مجمع البیان ج ۳، ص ۱۸۷ و تفاسیر سنّی ماوردی ج اول ص ۵۳۴ و کشف الاسرار ج ۲، ص ۷۲ منظور از افراد دیگر را ایرانیان دانسته‌اند. در ذیل آیه ۳۹ سوره توبه که خداوند می‌فرماید: «اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید شما را مجازات دردناکی می‌کند و گروه دیگری غیر از شما را به جایتان قرار می‌دهد»؛ (تفاسیر الکشاف ج ۲، ص ۲۷۱، مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۷، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۹۱)؛ ایرانیان را منظور خداوند دانسته‌اند. در ذیل آیه ۳۸ سوره محمد (ص) (تفاسیر جامع البیان ج ۱۳ و ۹ صص ۳۲۱ و ۸۶ و تفسیر الکشاف ج ۴، ص ۲۳۱) منظور از گروه دیگر را ایرانیان دانسته‌اند و در ذیل آیه ۸۹ سوره انعام نیز تفاسیر (جامع البیان ج ۱۴ ص ۲۸، کشف الاسرار ج ۱۰ ص ۹۶ و صحیح مسلم ج ۷، ص ۱۹۲) منظور از نگاهبانان دین خدا را ایرانیان دانسته‌اند.

همچنین در تفسیر (الدر المنثور ج ۸، ص ۱۵۲) در تفسیر آیه ۳ سوره جمعه: «و همچنین محمد(ص) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند و این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌بخشد»؛ از قول پیامبر(ص) گروه دیگر را ایرانیان دانسته است. پیامبر (ص) می‌فرماید: بزرگ‌ترین سهم را در اسلام، مردم ایران دارند، اطمینان من به عجم‌ها

۷- منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، (تهران: نشر معارف، ۱۳۸۴)، چ چهارم، صص ۸۸-۹۱.

بیشتر از برخی شما اعراب است.^۸ تلفیق اسلام و ناسیونالیسم ایرانی همواره منافع ملی را تأمین کرد، به عنوان نمونه پیروزی در جنگ تحمیلی، جنگ با داعش، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و اقتدار کشور؛ ولی هرگاه دشمنان و عوامل آن بر طبل تفکیک اسلامیت و ایرانیت به ویژه قبل از انقلاب کوبیدند چه چیز حاصل شد جز؛ تحمیل کاپیتولاسیون، حق توحش، شکست در دو جنگ جهانی و کشته شدن ۱۰ میلیون از مردم (یعنی ۵۰ درصد مردم)، جدا شدن بحرین و ۳ میلیون ۶۰۰ هزار کیلومتر از خاک کشور در دوره قاجار و پهلوی، ایجاد دو کودتا و تحقیر ملت ایران توسط استعمار. بی شک درگیری هویت ملی و دینی باخت قطعی به هویت غربی خواهد بود و دشمن اساساً نقطه قوت ما را نشانه رفته است. مردم ایران در دهه‌های اخیر با بذل جان و مال خود در راه مبارزه با طاغوت و حمایت از امام خمینی (ره) این واقعیات را به اثبات رساندند. ملت ایران به ویژه از سال ۱۳۴۲ در واکنش به بازداشت امام قیام خونین ۱۵ خرداد را با ۱۵ هزار زخمی و شهید رقم زدند و در سال‌های بعد نیز این روند ادامه داشت و در جنگ تحمیلی و تمامی توطئه‌های دشمن، حمایت خود را از اسلام به اثبات رسانیدند در حالی که روز عاشورا مردم آن زمان امام معصوم (ع) و فرزند پیامبر خود را به مسلخ بردند. لذا بی جهت نبود که امام خمینی (ره) فرمودند: انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت ارواحنا فدا است.^۹ امام خمینی (ره) از سال ۴۲ به بعد مأموریت خود را از بین بردن نظام سلطنتی، ایجاد جمهوری اسلامی و سپردن پرچم به دست حضرت حجت (عج) تعریف می‌نمودند، امروز پرچم دین‌مداری و معنویت بر دوش کدام ملت است؟ امروز حوادثی که در سراسر جهان و منطقه رقم می‌خورد حاکی از این واقعیت است که جهان در آستانه تحولات جدی متاثر از انقلاب اسلامی قرار گرفته است.

۲- مهم‌ترین تحولات دوران قاجار و نقش استعمار در اخذ امتیازات در آن دوره، و نقش روحانیت در لغو آنها

در سال ۱۱۸۸ طی عهد نامه گلستان و ۱۲۰۷ عهد نامه ترکمنچای بعد از شکست ایران از روسیه، با بی کفایتی قاجار ۱۸ شهر از ایران جدا شد و با وجود پیمان مجمل با انگلیسی‌ها که باید به ایران در زمان تجاوز بیگانه کمک می‌کردند، نه تنها این کار را نکردند بلکه با گرفتن تضمین از روسها برای مستعمره مهم خود یعنی هند، ایران را تحت فشار قراردادند تا عهد نامه گلستان و ترکمنچای را امضاء نماید. تزار روس مذاکراتی را با فتحعلیشاه قاجار برای حمله به هند انجام داد که انگلیس با تحریک پسر تزار به کودتا و قتل پدرش، زمینه را برای حمله روسها به ایران و اشغال بخش‌هایی از ایران را فراهم کردند تا هند مستعمره اصلی آنها در امان بماند. ۱۲۵۱ش به موجب امتیاز رویترز استخراج و بهره برداری از تمام معادن، گمرک، جنگلها، تلگراف و... برای ۷۰ سال به رویترز انگلیسی واگذار گردید که توسط ملا علی‌کنی لغو گردید. لرد کرزن سفیر کبیر انگلیس در رابطه با امتیاز رویترز می گوید: رویترز خارق العاده ترین شکل تسلیم یک قلمرو به خارجی‌هاست که در کل تاریخ در خواب کسی نیامده است. هرات افغانستان نیز در همین دوره توسط انگلیس براحتی از ایران جدا شد. در ۱۲۶۹ ش امتیاز خرید و فروش توتون و تنباکو را برای ۵۰ سال به شرکت انگلیسی رژی دادند که سهم ایران از سود تقریبی سالانه ۵۰۰ هزار لیره‌ای ۱۵ هزار لیره تعیین شد؛ که با فتوای میرزا حسن شیرازی و اعتراضات گسترده لغو گردید. در بی کفایتی ناصر الدین شاه قاجار همین بس که می گوید: «مرده شور این مملکت را ببرد که شاه حق سفر آزادانه در آن را ندارد و وقتی که به شمال می خواهم بروم سفیر انگلیس اعتراض می کند و وقتی به جنوب می روم سفیر روسیه اعتراض می کند» و زمانی که از دست اندازی روسها به خزر به او گزارش می‌دهند می گوید آب حوض قصر کفاف آب قلیان ما را می دهد به خزر احتیاجی

^۸ - محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، (قم، دار الحدیث، ۱۳۷۷)، ویرایش سوم، چ چهارم، صص ۴۵۷۳ - ۴۵۷۰.

^۹ - [امام] روح الله موسوی خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۲۹.

نیست! با قتل ناصر الدین شاه در ۱۲۷۵ ش مظفرالدین شاه به قدرت رسید. وی برای دو سفر آب درمانی به اروپا بیست و دو میلیون روبل روسی و یک میلیون لیره وام گرفت که وثیقه آن درآمد کلیه گمرکات به جز خلیج فارس برای پنجاه سال و عواید جاده‌های شمال و امتیاز راه شوسه جلفا به تبریز و تهران بدون مالیات برای نود سال به روس‌ها بود.^{۱۰}

در سال ۱۲۸۰ ش بین ایران و «ویلیام داری» انگلیسی جهت استخراج و بهره برداری نفت و قیر ایران به مدت شصت سال قراردادی منعقد شد. داری نیز متعهد شد که معادل ۲۰ هزار لیره از سهام شرکت بعلاوه ۱۶ درصد از سود سالیانه را به ایران بپردازد از آن پس شرکت نفت ایران و انگلیس در ۱۲۹۲ ش تشکیل گردید که ۵۶ درصد سهام آن متعلق به انگلیس شد.^{۱۱} طی ۱۰ سال اول قرارداد از ۱۲۹۲ به بعد منافع استعمار انگلیسی‌ها بالغ بر ۲۸/۵ میلیون لیره بود که در آمد ایران ۲/۹ میلیون لیره می‌شد.^{۱۲} که در زمان رضا شاه در ۱۳۱۲ قرارداد داری با شرایط بهتری به نفع انگلستان تمدید گردید. در سال ۱۲۸۶ ش (۱۹۰۷) انگلیس و روسیه طی اقدامی ایران را بین خود تقسیم کردند که شمال تحت تسلط روسیه، جنوب تحت اختیار انگلیس؛ و فی الواقع تمامیت ارضی کشور را از بین می‌بردند. آنها این تصمیم خود را بعد از چندین ماه به ایران اطلاع دادند. هدف اصلی این طرح نابودی انقلاب مشروطیت بود که علیه استبداد و استعمار شکل گرفته بود. این قرارداد با واکنش جدی علما، مردم و مجلس روبرو شد و در نهایت لغو گردید. طی جنگ جهانی اول ۱۲۹۳ ش (۱۹۱۴) روس و انگلیس نیروهای خود را وارد ایران کردند و دست به جنایات زیادی زدند، آنها با نادیده گرفتن بی‌طرفی ایران استقلال کشور را نقض کردند که در همین زمان شهید مدرس در قم کمیته دفاع ملی تشکیل داد و با اشغالگران مبارزه می‌کرد و دامنه مبارزه را به اصفهان و کرمان نیز برد.^{۱۳} مبارزین تنگستانی و دشتستانی نیز مقاومت تاریخی از خود نشان دادند. گفته می‌شود طی سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۱۷ بر اثر سیاست‌های مالی انگلیس و قحطی‌های عمدی و بیماری‌ها بیش از ۹ میلیون نفر از ۲۰ میلیون نفر مردم ایران از بین رفته‌اند.^{۱۴} بعد از جنگ جهانی اول در ۱۲۹۸ ش (۱۹۱۹) کنفرانس ورسای در فرانسه برای محاکمه و تعیین خسارت ایجاد شد که انگلستان اعلام کرد به دلیل بی‌طرفی ایران در جنگ، هیئت ایرانی حق حضور در کنفرانس را ندارد. در همین زمان که حقوق ملت در ورسای نادیده گرفته می‌شد، نخست وزیر ایران وثوق الدوله در حال انعقاد قرارداد (۱۹۱۹ م) با انگلیسی‌ها بود که به موجب آن همه وزارتخانه‌ها و ادارات ایران و همچنین ارتش ایران توسط مستشاران انگلیسی می‌بایست اداره شود، که با پیگیری و ایستادگی مدرس و مجلس تصویب نشد. در نتیجه ضعف و ناکارآمدی و ظلم حکومت قاجار، نفوذ گسترده بیگانگان و کسب امتیازات گسترده، افزایش آگاهی‌های مردمی در نهایت منجر به نهضت مشروطیت شد که توسط انگلیس به انحراف کشیده شد. با وجود امتیازات گسترده قاجار به انگلیسی‌ها، در نهایت آنها با خیانت انگلیسی‌ها فرو پاشیدند. لذا ۱۳۶ سال، کشور با وجود چنین پادشاهانی و استعمار انگلیس و روس گذران نمود که آثار آن نیز هنوز وجود دارد آنهم در زمانی که غرب در حال پیشرفت بود.

۱۰- علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجاریه، (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۳)، صص ۳۱۷ و ۳۱۴.

۱۱- عبد الرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۹)، ص ۱۷۵.

۱۲- جلال الدین مدنی، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، (قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹)، ص ۱۰۴.

۱۳- جلال الدین مدنی، پیشین، ج دوم، ص ۲۹۸.

۱۴- روزنامه آفتاب یزد، شماره ۲۷۵۶، ۲۸ مهر ۸۸، به نقل از مرکز پژوهش‌های مجلس.

۳- ساختار و عملکرد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پهلوی

برای ارزیابی عملکرد حکومت‌ها در جهان شاخص‌هایی جهان‌شمول به نام ارزش‌های بنیادین وجود دارد؛ که برای همه ملت‌ها مهم و باارزش می‌باشند و مردم به بودن نبود آنها حساس می‌باشند؛ که عبارتند از: استقلال و حفظ تمامیت ارضی - دموکراسی، آزادی و عدالت - اقتدار، امنیت پایدار و اعتبار - پیشرفت علمی، تکنولوژیک و اقتصادی - ارتقاء فرهنگی؛ و حکومتها باید در حد قابل قبولی شاخص‌های فوق را برآورده نمایند. حکومت‌های دیکتاتور ماهیتاً با این ارزشها در پارادوکس و ضدیت می‌باشند و امکان تأمین آنها را ندارند؛ زیرا به دلیل نداشتن مشروعیت مردمی و دموکراسی به ناچار به قدرت‌ها تکیه می‌کنند و هر حرکتی را باید با اجازه قدرت‌ها و در راستای منافع آنها انجام دهند و لذا نمی‌توانند استقلال و اقتدار داشته باشند و اگر بخواهند آزادی و دموکراسی ایجاد کنند باعث حذف آنها توسط مردم از قدرت می‌شود از طرفی به دلیل نبود انتخابات انگیزه‌ای هم برای خدمت به مردم ندارند. در حکومت‌های دیکتاتوری به دلیل نبودن گردش‌نخبگان و عدم استفاده از ظرفیت آنها و نیاز نداشتن به رأی و نظر مردم و نخبگان امکان پیشرفت وجود ندارد. لذا حکومت‌های دیکتاتور در جهان نیز کشورهای عقب مانده، ضعیف و فاقد حمایت مردمی می‌باشند که در ازای حفظ خود توسط قدرت‌ها از استقلال و اقتدار و اعتبار خود دست شسته‌اند.

ساختار و عملکرد سیاسی: مطابق اسناد تاریخی رضاخان با برنامه‌ریزی انگلیسی‌ها جهت تأمین اهداف آنها به ویژه سیاست اسلام زدایی انتخاب شد، لذا برای این که خود را ضد بیگانه معرفی کند اقدام به لغو کاپیتولاسیون که عملاً بعد از انقلاب روسیه لغو شده بود، نمود لکن به سفارتخانه‌ها اعلام کرد که امتیازات سابق را خواهند داشت از جمله «روبرت هانری» انگلیسی را نسبت به برخورداری از تمام امتیازات مطمئن کرد. انگلیس برای تأمین بیشتر منافع خود با تهدید نظامی در نهایت قرارداد جدیدی را منعقد کرد که سود شرکت نفت ۲۰ درصد افزایش یافت، و توانست قرارداد را تا ۶۰ سال دیگر تمدید کند.^{۱۵} در قرارداد جدید که شکستی مفتضحانه بود تمامی مناطق کشور مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت.^{۱۶} از طرفی طبق قرارداد قبلی (داری) کلیه اموال شرکت متعلق به ایران بود که در قرارداد جدید همه دارایی‌ها در اختیار شرکت خواهد بود. رضاخان هیچ‌گاه به قانون اساسی مشروطیت پایبند نبود و گفته می‌شود «در زندان قصر بیش از ۲۴ هزار نفر در زمان او به قتل رسیده‌اند»^{۱۷}. به دلیل فشار انگلیس در سال ۱۳۱۰ ش فعالیت‌های کمونیستی در ایران ممنوع شد و ۵۳ تن از اعضای یک شبکه کمونیستی بازداشت شدند که به تیرگی روابط ایران و شوروی انجامید.

در ۱۳۱۶ انگلستان برای تحکیم موقعیت و حفظ منافع خود، ایران را مجبور به انعقاد پیمان سعدآباد با همسایگانش با مفاد حمایت متقابل به یکدیگر، عدم تعرض و دخالت در امور داخلی و محترم شمردن مرزهای یک دیگر، نمود که به لحاظ مادی و معنوی ایران بازنده آن بود.^{۱۸} تا به منزله سدّی در برابر نفوذ شوروی به سوی خلیج فارس و چاه‌های نفت جنوب ایران باشد. با دخالت انگلیسی‌ها برای رضایت همسایگان به امضای این پیمان؛ ایران قسمتی از اراضی مجاور آرات را که دارای موقعیت سوق الجیشی بود را به ترک‌ها واگذار کرد. و اداره شط العرب را کاملاً به عراق واگذار کرد. با واگذاری قسمت‌هایی از سیستان و بلوچستان به افغانستان اختلافات مرزی با افغانستان نیز حل و فصل شد دشت نامید با ۳ هزار کیلومتر نیز از ایران جدا شد و تمام سرچشمه‌های هیرمند را از دست دادیم. آرات، سیرو، سرتیک، جوزر، قوری گل، بولاغ باشی، فیروزه، چکاک، خانقین و بحرین از سرزمین‌هایی بود که توسط پهلوی اولین بار در تاریخ ایران بدون جنگ از ایران جدا شد. پهلوی دو ویژگی متمایز با سایر سلاطین داشت: اول اینکه نخستین حکومتی بود که توسط استعمارگران طی دو کودتای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ در متن دو نهضت دموکراتیک مشروطه و نفت شکل گرفت؛ دوم اینکه اولین بار مناطقی را بدون جنگ از دست داد. همزمان با آغاز جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۱۸ ش ایران اعلام بی‌طرفی کرد. هم‌زمان با پیروزی‌های چشمگیر آلمان و

۱۵- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۹)، ص ۳۶.

۱۶- محمد علی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی، (تهران: پاپیروس، ۱۳۶۶)، ص ۱۶۶.

۱۷- جلال الدین مدنی، پیشین، ص ۲۷۷.

۱۸- منوچهر محمدی، مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، (تهران: دادگستر «میزان»، ۱۳۷۷)، ص ۶۲.

تهدید چاه‌های نفت، ایران اهمیت بیشتری برای متفقین جهت کمک به شوروی به خاطر راه آهن در برابر آلمان یافت. حسین فردست در این رابطه می‌گوید رضاخان با هیتلر و بلند پروازی‌های او همدلی داشت و متفقین مطمئن بودند که رضاخان در صورت پیشرفت هیتلر صددرصد در اختیار آلمان‌ها قرار خواهد گرفت و خاورمیانه و هندوستان تحت کنترل آلمان درخواهد آمد. لذا خواهان اخراج آلمانی‌ها از ایران ظرف ۴۸ ساعت شدند، که رضاخان ظرف ۲۴ ساعت این کار را انجام داد و تصور می‌کرد که خطر عزل او توسط متفقین منتفی است، تمام نیروی نظامی او ظرف یک روز نابود شد. و کشور توسط روس، انگلیس و آمریکا طی ۳۱ روز اشغال شد.^{۱۹} رضاخان در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ استعفا داد و به جزیره موریس و بعد آفریقای جنوبی تبعید و در ۱۳۲۳ ش در همان‌جا به علت مصرف بیش از حد مشروب و تریاک مرد.^{۲۰} دیگر معتقد است: «رضا شاه که بسیار منزوی و خود کامه شده بود به دست متفقین برکنار شد زیرا در ورود به جنگ دوش به دوش آنان تردید کرده بود»^{۲۱}. همچنین انگلیسی‌ها بایستی فضای سیاسی ایران را در راستای منافع خود تغییر می‌دادند و تاریخ مصرف دیکتاتور هم به پایان رسیده بود، مردم هم از هر نوع تغییر به خاطر جو اختناق و ناامنی استقبال می‌کردند. حسین فردوست^{۲۲} در کتاب ظهور و سقوط می‌گوید: «رضاخان یک عامل انگلیس بود و در این تردیدی نیست، کودتای ۱۲۹۹ طبق اسنادی که دیده‌ام، در ملاقات ژنرال آیرونساید انگلیسی با رضا، برنامه‌ریزی شد». در کنفرانس تهران چرچیل (نخست‌وزیر انگلیس) و روزولت (رئیس جمهور آمریکا) درباره‌ی رضاخان گفتند: «We brought him we took him» خودمان او را آورده‌ایم و خودمان او را برداشتیم»^{۲۳}. اردشیر ریبورتر مسؤل تشکیلات فراماسونری انگلیس در ایران می‌گوید: در ۱۹۱۷ با قزاقی به نام رضا آشنا شدم او را آموزش و تربیت کردم و در ۱۲/۴/۱۲۹۹ برای کودتا به ادموند آیرونساید معرفی کردم. رضاخان تا پیش از آن مسؤل اسطبل سفارت هلند در تهران بود! و «چارلز هارت» وزیر مختار آمریکا می‌گوید: رضاخان چند قدم بیشتر با توحش فاصله ندارد!

من (فردوست) نقش رابط و لیبهد با مقامات اطلاعاتی انگلیس را برعهده داشتم، به ملاقات «ترات» رئیس اطلاعات انگلیس در ایران رفتم و او گفت: اطلاعات دقیق از درون کاخ داریم که محمدرضا طرفدار شدید آلمان‌هاست و با سنجاق پیشرفت آلمان را روی نقشه مشخص می‌کند، که در دیدار بعد پیغام دادم که محمدرضا گفته نقشه را پاره می‌کنم و رادیوی بیگانه هم بدون اجازه شما گوش نمی‌کنم. سرانجام ۲۴ شهریور ۱۳۲۰ «ترات» با عجله به من گفت امشب ترتیب کار را بده و بگو محمد رضا به مجلس برود و سوگند بخورد.

در فقدان استقلال و اقتدار کشور اعترافات شاه بیانگر واقعیات تلخی است. محمد رضا شاه می‌گوید: بزرگترین اشتباه من این بود که بجای اینکه خودم در مورد مسایل داخلی کشور تصمیم بگیرم، به مشورت با آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها می‌پرداختم و به توصیه‌های غلط و متضاد آنها گوش می‌کردم (اعترافات شاه مخلوع، جوردن هامیلتون، ص ۱۲۹) شاه در جایی دیگر می‌گوید: من عروسک خیمه شب بازی بودم که نخهای آن را آمریکایی‌ها می‌کشیدند (دوویلیه رزآر، سیمای پهلوی، ص ۲۲۲). محمد رضا شاه: طبق قرار داد نفتی بین پدرم و شرکت نفت انگلیس سهم ایران در هر بشکه نفت ۲۳ درصد تعیین شده بود (دربار به روایت دربار، ریحانه درودی) محمد رضا شاه به مادرش می‌گوید مادر جان مرده شور این سلطنت را ببرد که من شاه و فرمانده کل قوا هستم ولی بدون اطلاع من هواپیماها را بردند ویتنام! (خاطرات ملکه پهلوی، ص ۳۸۷). کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا

۱۹- حسین فرد دوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، (تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۵)، ج اول، چ بیستم، صص ۸۷-۹۱.

۲۰- منوچهر محمدی، پیشین، ص ۷۷.

۲۱- ژان پیر دیگرارو برنار هورکاردیان ریشار، ایران در قرن بیستم، (تهران: البرز: ۱۳۷۸)، چ دوم، ص ۲۱۵.

۲۲- حسین فردوست از برجسته‌ترین و مؤثرترین چهره‌های سیاسی- اطلاعاتی پهلوی است که از کودکی وارد دبستان نظام شد و وارد کلاس مخصوص محمدرضا شد، رضاخان او را بخاطر درس خوانی مورد توجه قرار داد و از کودکی نزدیک‌ترین دوست و محرم اسرار محمد رضا شد و هنگام تحصیل در سوئیس با او اعزام شد. با صعود محمد رضا فرد دوست همچنان در کنار او بود. دوستی او و پادشاه بدان حد بود که فقط او می‌توانست با شاه و ملکه بر سر یک میز غذا بخورد و به عنوان چشم و گوش محمدرضا عمل می‌کرد و در رأس دفتر ویژه اطلاعات قرار داشت که بر کل سیستم اطلاعاتی و سیاسی کشور نظارت داشت و عصاره‌ی هزاران برگ پرونده را در چند سطر به شاه می‌داد (ظهور و سقوط پهلوی، پیشین، ج اول، صص ۶۷۰ و ۶۳۰). به موجب اسناد لانه جاسوسی ج اول، سازمان سیا اعلام داشته بود فردوست فردی آرام، دقیق، ثروتمند و به صداقت و امانت مشهور می‌باشد.

۲۳- احمد فاروقی و ژان لوروریه، ایران بر ضد شاه، ترجمه مهدی نراقی، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۸)، ص ۲۸.

در کتاب ۴۴۴ روز می‌گوید شاه تسلیم خواسته‌های ما بود. محمدرضا شاه در جایی می‌گوید: رئیس ساواک و مدیرانش با آمریکایی‌ها مرتبطند و برای ظاهر از من اجازه می‌گیرند و قبلاً با آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها هماهنگ می‌شوند و عزل آنها بی‌فایده است؛ بگذارید خیالشان راحت باشد! لذا «سولیوان و پارسونز» هر هفته یک صبحانه کاری با شاه داشتند جهت عزل و نصبها. شاه در کتاب انقلاب سفید نیز اعتراف می‌کند که بعد از عزل پدرم کارها به ظاهر بدست ایرانی‌ها و در عمل انگلیسی‌ها و روسها امور را در دست داشتند و دادن مناصب با آنها بود. فی الواقع سفارت خانه های بیگانه با یک تشر نخست وزیر را عوض می کردند! هویدا نخست وزیر رژیم می گوید: هیچ امری بدون اطلاع و صلاحدید لندن صورت نمی گیرد (ملکه پهلوی؛ خاطرات تاج الملوک، ملیحه خسرو داد و تورج انصاری، ص ۴۰۷). ارتشبد طوفانیان در مورد وابستگی شاه می گوید: شاه ما را داخل آدم نمی دانست ولی هر خارجی هر حرفی می زد قبول می کرد «خاطرات ارتشبد حسن طوفانیان، ضیاء صدیقی، ص ۱۱۷» فرح در کتاب «فرح پهلوی؛ دختر یتیم، ص ۸۷۲» می گوید: شاه به راکفلر معاون رئیس جمهور آمریکا گفت برای اینکه ۷۰ هزار نظامی آمریکایی بازگشته از جنگ ویتنام بیکار نشوند در نیروی هوایی ایران استخدام شوند. پاسپورت ایرانی تا آنجا معتبر بود که شاه بعد از فرار از ایران نتوانست در جایی اقامت بگیرد. پذیرش کاپیتولاسیون در ۱۳۴۳، پذیرش حق توحش به این عنوان که چون آمریکایی‌ها در بین ایرانی‌های وحشی زندگی می کنند باید از این حق برخوردار شوند؛ از دست دادن استان چهاردهم کشور یعنی؛ بحرین با ۳۰ جزیره استراتژیک و سایر مناطق بدون شلیک یک گلوله، نصب تابلوی «ورود ایرانی و سگ ممنوع» بر سردر باشگاه‌های انگلیسی در ایران و... یعنی نقض کامل استقلال، اقتدار و اعتبار ایران در دوران پهلوی! هویدا در پاسخ به اعتراض دانشجویان مبنی بر چرایی جدایی بحرین گفت: بحرین دختری بوده است که شوهرش داده ایم. رژیم پهلوی اساساً ذیل قدرتها و در نظام تقسیم کار جهانی و بعنوان بازیگری دست‌نشانده تعریف می‌شد که تنها وظیفه‌اش خام فروشی نفت و اجرای دستورات آنها بود، مثل سرکوب جبهه آزادی بخش ظفار عمان بدستور آمریکا، که ۲۱۱ ایرانی در آن کشته شدند.

اینکه شاه و پدرش با کودتا استعمارگران به صورت مادام العمر سر کار بیاید و نخست وزیر و نمایندگان مجلس را هم انتخاب کند و بگوید مردم ایران چیزی نمی فهمند و مانند گوسفند هستند و لذا نباید در تصمیمات من دخالت کنند و من حرف اول و آخر را می زنم! «فریده دیبا، دخترم فرح، ص ۳۳۸» یعنی؛ پایان دموکراسی و آزادی در کشور! رضا خان می گوید: گرچه انگلیسی‌ها مرا سرکار آوردند ولی نمی‌دانستند با کی طرف هستند! همانطور که محمدرضا شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد به روزولت گفت: تاج و تختم را مدیون آمریکا هستم. اساساً سلطنت بر اساس ادعای اصالت خون بنا می‌شود و فرزندان خود را وارث و سزوار حکومت می‌داند و معتقد است که خون و نژاد و خانواده‌ام از همه برتر است. در نظام سلطنت یک نفر مظهر اراده مردم و همه تصمیمات و حق تعیین سرنوشت همگانی را حق خود می‌داند. طبعاً با ایدئولوژی سلطنتی ایران هیچ‌گاه نقشی در منطقه و جهان بیشتر از آنچه که عربستان کنونی است؛ نمی‌داشت و کدام عزتمندی می‌پذیرد اقتدار و خاک که ناموس یک ملت تلقی می‌شود اینگونه پایمال شود؟

ساختار و عملکرد اقتصادی: ایران در دنیای دو قطبی آزمان بعنوان مستعمره غیر مستقیم سرشار از منابع زیر زمینی با دولتی کودتایی باید وارد نظام جهانی و تبدیل به یک اقتصاد تک محصولی خام فروش و مصرف کننده می شد که این خود باعث تحکیم وابستگی می‌گردید فی الواقع ایران نمی‌بایست از نفت محصولات دیگری تولید می‌کرد؛ زیرا تقسیم کار جهانی بهم می‌خورد و ما فقط باید صادر کننده مواد خام می‌بودیم و این رویکرد نسبتی با عقلانیت و قواعد ثابت توسعه نداشت زیرا مبتنی بر اصول و تفکرات راهبردی و علمی نبود و فقط در چارچوب منافع نظام سلطه و تقسیم کار جهانی بود. «رضاخان در طول سلطنتش تمام املاک شمال و غرب را به زور سرنیزه به نام خود کرد و در سال ۱۳۱۹ ش صورت حساب عایدی خالص سالیانه املاک پهلوی ۶۲ میلیون تومان بود که همه اینها را به محمد رضا منتقل کرد»^{۲۴}. «فوت»، نماینده مجلس انگلستان پس از مسافرت به ایران و مطالعه احوال ایرانیان نوشته بود: «رضا شاه دزدان و راهزنان را از سر راهای ایران برداشت و به افراد ملت خود همانند که منبع در سرتاسر ایران فقط یک راهزن باید وجود داشته باشد»^{۲۵} رضاخان طی ۱۶

۲۴- حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، (تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۵)، ج اول و دوم، چ بیستم، ص ۱۱۲.

۲۵- استیفن کینزر، همه‌ی مردان شاه، ترجمه شهریار خواجهیان، (تهران: اختران، ۱۳۸۴)، چ سوم، ص ۷۶.

سال سلطنت ۲۴۰۰ روستا را به تصرف خود درآورده بود و به یک فتودال نوظهور تبدیل شده بود، در دوره پهلوی دوم نیز املاک سلطنتی شامل شش هزار قریه و قصبه بود، تعداد ۳۰ نفر از ملاکین خصوصی نیز هر کدام تا چهل پارچه ملک خصوصی داشتند.^{۲۶} در دوران رضاخان موقعیت زمین داران بزرگ تقویت شده و سطح زندگی روستایی سقوط کرد. سلطه طبقات بالا بر سازمان‌های دولتی باعث سلب مالکیت کشاورزان بر زمین‌هایی می‌شد که روی آن کار می‌کردند، در این دوران حدود ۹۵ تا ۹۸ درصد کشاورزان بدون زمین بودند. صنعت دامداری کشور به دلیل اسکان اجباری عشایر رو به نابودی بود و آن‌ها به یکی از فقیرترین اقشار جامعه تبدیل شدند. رضاخان تعدادی از کارخانه‌ها و مقادیر وسیعی از زمین‌های با ارزش را برای خود ضبط، و حدود ۴۴ هزار سند مالکیت به نام خود صادر کرد. گسترش شبکه حمل و نقل به فروش محصولات خارجی کمک می‌کرد و از سویی زمینه اعمال کنترل سیاسی و اقتصادی و نظامی دولت را فراهم می‌ساخت.^{۲۷} رژیم غذایی در یک خانواده معمولی دهقانی به این شرح بود: صبحانه: نان و چای؛ ناهار: نان و ماست؛ شام: نان و ماست و چای. سازمان ملل اعلام کرد در ایران هر بزرگ سال روزانه کمتر از ۱۸۰۰ کالری دریافت می‌کند که از تمامی مناطق فقیرنشین خاورمیانه کمتر و پایین‌تر بود. از سویی در زمینه بهداشت؛ نرخ مرگ و میر کودکان ۵۰ درصد و امید به زندگی در روستا ۲۷ درصد بود.^{۲۸} محمد رضاشاه در کتاب «پاسخ به تاریخ» می‌گوید: پدرم کوشش‌هایی را در جهت بهبود وضع کشاورزان به کار گرفت، اما در این راه توفیقی به دست نیاورد.^{۲۹} راه آهن سراسری که با تکنولوژی و حمایت انگلیس ساخته شد، بندرشاه را در خلیج فارس از طریق تهران و غرب و جنوب غربی به اهواز وصل می‌کرد از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۷ طول کشید، چرا از شمال مرکزی به جنوب غربی؟ برای این که دستیابی به مناطق سکنی اقوام و عشایر معترض به انگلیس و رژیم را برای سرکوب بسیار آسانتر می‌کرد. از سویی مسیر شمالی تهران به مازندران زادگاه رضا شاه یعنی، جایی که او املاک وسیعی به دست آورده بود و در پی مصادره بسیاری دیگر بود را متصل می‌کرد.^{۳۰} و از شهرهای اصلی عبور نمی‌کرد. بعدها این راه آهن بهترین مسیر برای متفقین بود تا تجهیزات لازم را به روسیه از طریق خلیج فارس برسانند. از نظر اقتصادی نیز این طرح فاجعه بود؛ زیرا چندین برابر قیمت واقعی تمام شد. از سویی میزان کل سرمایه‌گذاری دولت رضاخان در صنایع، با میزان سرمایه‌گذاری در راه آهن، برابر بود.^{۳۱} هدف مهم دیگر احداث راه آهن سراسری توسط انگلیسی‌ها در وهله اول برای تقابل با روسیه بود، که بعدها با اتحاد آنها با روس‌ها این سیاست تغییر یافت. این راه آهن از شهرهای مهم و صنعتی کشور عبور نمی‌کرد، لذا توجیه اقتصادی نداشت و اولویت کشور در آن زمان راه آهن نبود و یکی از دلایل اصلی متفقین برای اشغال ایران وجود راه آهن بود. این راه آهن یک خط آهن نظامی برای انگلیس بود که در مستعمرات آفریقای هم می‌ساخت و یک خط تجاری و مسافرتی نبود. لذا روزنامه‌های اروپایی نوشتند راه آهنی که از هیچ کجا به هیچ کجا می‌رود! و در ضمن ۴۰۰ کیلومتر آن در دوره قاجار ساخته شده بود. ممکن است کسی در مقامی مانند صدام صدها کار عمرانی هم انجام دهد ولی آیا صدام منجی عراق بود و در زمینه‌های دیگر هم عراق را ارتقاء داد، و مردم او را قبول داشتند؟ طبق برخی دیگر از گزارشات، وجوه نقد رضا شاه در بانک‌های خارج حدود ششصد میلیون مارک بوده است.^{۳۲} طبق نطق یکی از نمایندگان مجلس سیزدهم که چند روز بعد از فرار رضاخان در مجلس ایراد شد؛ رضاخان دارای ۴۴ هزار آبادی و روستا، ۳۶۰ میلیون دلار سپرده در بانک‌های خارجی، ۵۸ میلیون لیره در بانک‌های انگلستان، ۶۸ میلیون در بانک ملی ایران بوده و ده‌ها کارخانه و ویلا و هتل داشته است^{۳۳} و این در حالی بود که حقوق یک کارگر ساده روزانه ۳ ریال بود برخی نیز ثروت او در ایران را ۷ میلیارد دانسته‌اند.

۲۶- علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران: ۱۳۵۷-۱۳۲۰، (تهران: سمت ۱۳۸۳)، چ دوم، ص ۱۵۴.

۲۷- جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی ایران، (قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵)، چ سی و یکم، ویراست چهارم ص ۵۴.

۲۸- جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، (تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۵)، چ ششم، ص ۳۴۷.

۲۹- محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، (تهران: زریاب، ۱۳۸۵)، چ دهم، ص ۸۳.

۳۰- محمد علی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی، (تهران: پاپیروس)، ص ۱۶۳.

۳۱- جان فوران، پیشین، ص ۳۰۸.

۳۲- جلال الدین مدنی، پیشین، ص ۲۷۵.

۳۳- محمد حسن رجبی، زندگی نامه سیاسی امام خمینی(ره)، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹)، ص ۸۸.

نفوذ استعمارگران، جنگ‌های ایران با روس‌ها و انگلیس، قراردادهای و امتیازات واگذار شده به بیگانگان، ناکارایی سیستم سیاسی و عدم وجود استقلال سیاسی، استبداد و فقدان مشارکت و مشروعیت مردمی و فساد دولت مرکزی ساختار اقتصادی را از زمان قاجار به بعد به سوی اقتصادی وابسته و ناکارآمد جهت می‌داد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تحکیم مجدد استبداد و دیکتاتوری و گسترش نفوذ بیگانگان، در سال ۱۳۳۳ بر اساس قرارداد نفتی جدید، تنها اسمی از ملی شدن صنعت نفت باقی ماند زیرا کنسرسیومی به نام شرکت نفت انگلیس و ایران تشکیل شد که بابت هر تن نفت صادراتی از ایران ۱۲/۵۶ دلار سود می‌برد در حالی که سود ایران از هر تن نفت تنها ۱/۵ دلار بود^{۳۴}.

در آن دوره در برابر هر ۱۰۰ دلار واردات فقط ۴ دلار صادرات داشتیم. صادرات غیر نفتی سال ۱۳۴۴ حدود ۲۰ درصد بود که در سال ۱۳۵۵ به حدود ۴ درصد کاهش می‌یابد^{۳۵}. «از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴ درآمد نفت مرتباً افزایش پیدا می‌کرد و از ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۱ به ۱۸/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۴ رسید»^{۳۶} (افزایش قیمت نفت به دلیل جنگ اعراب و اسرائیل بود) وابستگی دولت به نفت در سال ۵۷ تا ۸۴ درصد می‌رسید. تولید شش میلیون بشکه نفت که متوسط قیمت آن نیز در چند سال آخر ۳۶ دلار قیمت رسمی اپک و ۴۰ دلار به صورت غیر رسمی و خارج از سهمیه اپک فروخته می‌شد سالیانه حدود ۸۰ میلیارد دلار درآمد نفتی کشور را رقم می‌زد که حدود ۶۵ میلیارد آن را شرکت‌های خارجی می‌بردند و بقیه سهم ایران بود. چرا که کنسرسیوم نفتی ۵۱ درصد سهام داشت و ایران ۴۹ درصد سهام را در اختیار داشت و این در حالی است که قیمت نفت تا سال ۱۳۸۰ کمتر از ۲۰ دلار بوده است^{۳۷}. اتکای بیش از حد دولت بر بخش نفت و عدم رشد صادرات غیر نفتی به خوبی بیانگر ضعف صنعت کشور بود به طوری که در سال ۱۳۴۲ تقریباً ۴/۷ درصد کل تولید بخش صنعت صادر می‌شد اما در سال ۱۳۵۰ به ۲/۳ درصد تقلیل یافت. به دلیل کاهش تولید محصولات کشاورزی و تحوّل در الگوی مصرف، شاهد افزایش واردات می‌باشیم به طوری که بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ واردات ۳۷ برابر افزایش می‌یابد. از سوی دیگر علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های هنگفت و رشد صنایع به دلیل وارداتی بودن و سرمایه بر بودن این فعالیت‌ها، عموماً آثار اشتغال‌زایی آن‌ها به خارج منتقل می‌شد و در نتیجه، بیکاری رشد یافت و تعداد بیکاران از ۱۵۸ هزار نفر در ۱۳۳۵ به ۹۹۶ هزار نفر در ۱۳۵۵ رسید^{۳۸}. خانم «نیکی ارکدی» معتقد است «اجرای پروژه‌های مزبور همواره با عدم کارایی، فساد مالی و استثمار طبقات فقیرتر جامعه همراه بود»^{۳۹}. ارزش صادرات محصولات کشاورزی از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴ تقریباً دو برابر شد در حالی که میزان واردات حدود نه برابر شده بود^{۴۰}. رشد واردات کشاورزی حاکی از شکست سیاست‌های اقتصادی به ویژه در بخش کشاورزی بود.

تورم کشور در سال‌های پایانی پهلوی با رشد سالانه بیش از ۲۵ درصد، همه درآمد کارگران و کارمندان را می‌بلعید^{۴۱}. و هویدا بخاطر تورم بالا دو بار استیضاح گردید. شاه در سخنرانی سال ۵۲ که فیلم آن در فضای مجازی موجود است رسماً اعلام کرد تورم ۲۰۰ تا ۴۰۰ درصدی تحمیلی داریم که در آن گندم ۳۲۰، آهن آلات ۲۰۰ و مواد پلاستیکی ۴۰۰ درصد گران شده است واقعیتی که روزنامه اطلاعات و کیهان ۱۴/۱/۱۳۴۸ و ۲۸/۹/۱۳۵۱ از افزایش ۷۰۰ درصدی اجناس طی یکسال گزارش دادند. و هوشنگ نهانوندی وزیر اقتصاد وقت از تورم ۳۰ درصدی گزارش داد. از سویی فساد و رشوه عمومیت یافته

۳۴- نوروز هاشمی زهی، «اوضاع اجتماعی در آستانه انقلاب اسلامی، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۲۶۶، ۳ تیر ۱۳۸۷، ص ۹.

۳۵- محمد باقر حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، (تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸)، ص ۱۴۴.

۳۶- ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، (تهران: نشر نی، ۱۳۶۷)، ص ۴۸۴.

۳۷- محمد تقی عباسی، نگرشی نو در تحلیل انقلاب اسلامی: پیشینه، پیروزی، تثبیت و آینده، (تهران: شکوفه‌های دانش، ۱۳۸۴)، چ دوم، ص ۱۵۹.

۳۸- سهراب رزاقی، اقتصاد ایران، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۱)، چ سوم، ص ۱۰۷.

۳۹- نیکی ارکدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالکریم گواهی، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵)، ص ۱۰۲.

۴۰- جمعی از نویسندگان، پیشین، ص ۱۸۹.

۴۱- برآم ساپروس، انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی (ره)، ترجمه پ شیرازی، (بی‌جا، بی‌تا)، ص ۱۵.

بود و تورم در سال ۱۹۶۰ به ۳۵ درصد می‌رسید.^{۴۲} فریده دیبا نیز فساد پهلوی را این گونه روایت می‌کند: «که افزایش بهای نفت در سال‌های دهه ۱۳۵۰ باعث شد درآمد ارزی ایران افزوده شود. هویدا فقط پول خرج می‌کرد و کاری به هیچ چیز نداشت به جای توسعه کشاورزی و صنعت به واردات موز و پرتقال و محصولات غذایی و مصرفی هزینه می‌شد»^{۴۳}. درآمدهای کلان نفتی نیز بیشتر صرف امور نظامی می‌شد. درآمدهای کلان نفتی به دلیل ساخت ضعیف اقتصادی در نهایت جذب سیستم مالی بلوک غرب می‌شد و به صورت وام‌ها قابل تمدید در اختیار آنها قرار می‌گرفت و یا صرف خرید کارخانه‌های ورشکسته آنها می‌شد. اقتصاد ایران با مشکلاتی چون مسدود شدن بنادر، افزایش سرسام‌آور اجاره بها در شهرهای بزرگ به خاطر تقاضای مسکن کارشناسان بیگانه، سوداگری در مستغلات، تورم و شتاب گرفتن مهاجرت روستائینان^{۴۴} و سوء تغذیه ۶۴ درصد مردم در شهرستان‌ها طی سال‌های ۱۳۵۱-۵۲ روبرو بود.^{۴۵} جمعیت بیکار نیز در سال ۱۳۵۶ به یک میلیون نفر می‌رسید.^{۴۶} واردات علاوه بر مسایل فوق، کشور در زمینه‌های دیگر مانند بهداشت و تحصیل نیز در وضع نامطلوبی به سر می‌برد. «آبراهامیان» معتقد است چهارده سال بعد از انقلاب سفید، هنوز در ایران نسبت پزشکی به بیمار بسیار اندک، میزان مرگ و میر کودکان بالا و نسبت تخت‌های بیمارستانی نسبت به جمعیت از اکثر کشورهای خاورمیانه پایین‌تر بود. همچنین ۶۸ درصد بزرگ سالان بی‌سواد بودند و شمار بی‌سوادان در واقع از ۱۳ میلیون به ۱۵ میلیون نفر افزایش یافت، کمتر از ۴۰ درصد کودکان دبستان را به پایان می‌رساندند و از لحاظ درصد افراد دارای تحصیلات عالی، ایران از ضعیف‌ترین کشورهای خاور میانه بود.^{۴۷}

رژیم پهلوی در دوران سلطنت خود در این رابطه یکی از فاسدترین رژیم‌ها بود، که هیچ گونه سازوکار بازرسی و نظارتی نیز وجود نداشت، فردوست که در رأس دفتر ویژه اطلاعات و بازرسی پهلوی قرار داشت می‌گوید: «در دوران مسئولیتم در بازرسی متوجه شدم که اصولاً موارد سوء استفاده و حیف و میل نهایت ندارد در دوران سیزده ساله نخست وزیر هویدا همه می‌چاپیدند و هویدا کاملاً نسبت به این وضع بی‌تفاوت بود. در هیچ زمانی به اندازه زمان هویدا فساد گسترده نبود»^{۴۸}. گستره فساد در معاملات خارجی و نظامی خود نمایی بیشتری می‌کرد به تعبیر «سولیوان» در حاشیه خرید تجهیزات نظامی از طرف ایران فساد و سوء استفاده‌های کلان صورت می‌گرفت.^{۴۹} اسد الله علم به عنوان نخست وزیر و وزیر دربار یک نمونه از این ریخت و پاش‌ها را این گونه روایت می‌کند: «[خطاب به شاه] قراردادی که برای تعدادی ساختمان‌های مسکونی نظامی با یک شرکت انگلیسی توافق کرده‌ایم چیزی از دزد سرگردنه کم ندارد. اشاره کردم که آن‌ها در عمل ۶۰۰ میلیون دلار از پیشنهادات رقبا بیشتر می‌خواهند. انتظار داشتم شاه دستور توقف آن را بدهد، شاید آن را به عنوان باجی تلقی می‌کرد که باید به انگلیسی‌ها داد» همچنین هواپیمایی که در بازار ۶/۵ میلیون دلار قیمت داشتند به قیمت ۱۸ میلیون دلار به ایران فروخته می‌شد.^{۵۰} دکتر میلیسپو مشاور مالی آمریکا که دوبار برای اصلاح و سامان مشکلات اقتصادی در ایران در رأس امور مالی قرار داشت می‌گوید: دولت ایران همواره یکی از فاسدترین و رشوه‌خوارترین دولت‌های دنیا بوده است.^{۵۱}

در چنین آشفته بازار اقتصادی، نابسامانی‌ها و فساد گسترده، ثروت‌های افسانه‌ای خاندان پهلوی پرده از فساد گسترده، بی‌تفاوتی و خیانت آنها به کشور برمی‌دارد. احمدعلی مسعود انصاری مشاور ارشد محمدرضا شاه در این رابطه می‌گوید:

۴۲- ژان پیردیگار، پیشین، ص ۱۵۷.

۴۳- فریده دیبا، دخترم فرح، ترجمه الهه رئیس فیروز، (تهران: به آفرین، ۱۳۸۴)، ص ۳۰۵.

۴۴- ژان پیردیگار، پیشین، ص ۱۹۳.

۴۵- جان فوران، پیشین، ص ۴۹۲.

۴۶- محمدرضا سوداگر، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: مرحله گسترش، (تهران: اندیشه شعله، ۱۳۶۹)، ص ۶۰.

۴۷- یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل و محمد ابراهیم فتاحی، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰)، چ ششم، ص ۵۴۹.

۴۸- حسین فردوست، پیشین، ص ۲۶۶.

۴۹- ویلیام سولیوان، خاطرات دو سفیر (مأموریت در ایران)، ترجمه محمود طلوعی، چ سوم، (تهران: علم، ۱۳۷۵)، ص ۸۰.

۵۰- اسدالله علم، خاطرات محرمانه: گفتگوهای من با شاه، ترجمه گروه مترجمان، (تهران: طرح نو، ۱۳۷۱)، ج دوم، صص ۸۷.

۵۱- مارکات لاینگ، مصاحبه با شاه، ترجمه اردشیر روشنگر، (تهران: البرز، ۱۳۷۱)، ص ۱۱۸.

«نکته دیگری که در این سالها و همه سالها توجه مرا جلب می‌کرد حرص خانواده پهلوی برای ثروت اندوزی بیشتر بود»^{۵۲} فریده دیبا می‌گوید: «خوشبختانه شاه در اکثر نقاط خوش آب و هوای جهان اقامتگاه‌های آبرومندانه‌ای داشت».^{۵۳} در رابطه با میزان ثروت شاه آمارهای مختلفی نقل شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. «در مورد میزان ثروت محمدرضا همیشه ارقام بخوبی در مطبوعات انتشار یافته است؛ به طور مثال روزنامه نیویورک تایمز در ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ با استناد به گفته منابع بانکی جهان ادعا کرد که فقط اوراق بهادار متعلق به شاه بیش از یک میلیارد دلار قیمت دارد».^{۵۴} محمد رضا شاه و همسرش دارای سرمایه‌ای بیش از ۳۵ میلیارد دلار و بین ۳۰ تا ۵۰ درصد سهام بانک‌های خصوصی کشور، به علاوه هزار ده و تعدادی رستوران و ده‌ها شرکت بودند، در ایران هیچ مؤسسه اقتصادی و مالی مهمی وجود نداشت که شاه و فامیلش در آن سهم نباشند. املاک سلطنتی پهلوی دوم شامل ۶ هزار قریه و قبصه بود که تعداد ۳۰ نفر از ملاکین خصوصی نیز هر کدام تا ۴۰ پارچه ملک خصوصی داشته‌اند.^{۵۵} برخی آمارها بیانگر خروج ۵۶/۵ میلیارد دلار توسط شاه از کشور هستند.^{۵۶} و بی‌جهت نبود که همسر صدام در سال ۱۳۷۰ بیش از ۱۴۰ میلیون دلار از فرح همسر شاه جواهرات می‌خرد. سود خالص سرمایه گذاری‌های شاه در دنیا سالانه بالغ بر سه میلیارد دلار بوده است.^{۵۷} اردشیر زاهدی وزیر خارجه و داماد شاه نیز می‌گوید: «دادستان تهران در زمان شریف امامی فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند استخراج کرد. در میان این فهرست شخص اعلی حضرت ۳۱ میلیارد دلار ارز از کشور خارج کرده بود».^{۵۸} در شهریور ۱۳۵۷ نیز کارکنان بانک مرکزی اسامی ۱۷۵ نفر را که ظرف این دو ماه ۱۳ میلیارد دلار از کشور خارج نمودند، اعلام کردند. از جمله اسامی که اعلام شد به شرح ذیل است: ازهارای ۱۷۰ میلیون دلار به علاوه ۱۵۰ تخته فرش، معتمدی وزیر پست ۳۵۰ میلیون دلار، رضا امین وزیر صنایع ۵۰ میلیون دلار و...^{۵۹} فساد اقتصادی رژیم علاوه بر این موارد همراه با اسراف و ریخت و پاش‌های گسترده بود، از جمله در سال ۱۳۵۰ در جشن‌های ویژه سالگرد ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی، بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار هزینه می‌شد. در پایان نیز اعتراف محمد رضا پهلوی مبنی بر وجود فساد، ظلم و استبداد در کشور را به عنوان سندی بر مدعاهای مطرح شده می‌آوریم: «... بار دیگر در برابر ملت ایران سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم که خطاهای گذشته و بی‌قانونی و ظلم و فساد دیگر تکرار نشده، بلکه خطاها از هر جهت جبران نیز گردد من نیز پیام انقلاب شما ملت را شنیدم... تضمین می‌کنم که حکومت ایران در آینده براساس قانون اساسی، عدالت اجتماعی و اراده ملی و به دور از استبداد، ظلم و فساد خواهد بود...»^{۶۰} و در این دوره با فساد سیستماتیک برخوردی نمی‌شد در حالی که در جمهوری اسلامی ایران فساد سیستماتیک نداریم و مواردی از فساد که شکل گرفت در تمام سطوح برخورد شد اعدام، توقیف اموال و زندانی افراد مشهوری مثل شهرام جزیری، مهدی هاشمی، مهدی جهانگیری، حسین فریدون (روحانی)، حمید بقایی، مشایی، رحیمی، مرتضوی، کرباسچی و اعدام فاضل خداداد، مه آفرید خسروی، باقری درمنی، وحید مظلومین، محمد اسماعیل قاسمی، هادی رضوی داماد وزیر، شبنم نعمت زاده دختر وزیر و... که بعضاً مورد حمایت رؤسای جمهور نیز بوده‌اند، از نمونه‌های اراده جمهوری اسلامی در مبارزه با مفاسد می‌باشد. اساساً در حکومت‌های مردمی اگر فساد شکل بگیرد به دلیل آزادی احزاب و جریانات و رقابت احزاب فساد پنهان نمی‌ماند.

۵۲- احمد علی مسعود انصاری، من و خاندان پهلوی، تنظیم و نوشته محمد برقی و حسین سرافراز، (کالیفرنیا، نشر توکا، ۱۹۹۲؛ تهران: فاخسته، ۱۳۷۱)، چ دوم، ص ۶۳.

۵۳- فریده دیبا، پیشین، ص ۱۸۵.

۵۴- فریدون هویدا، سقوط شاه، ترجمه ج. ا. مهران، (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۵)، ص ۱۵۶.

۵۵- علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۵۷-۱۳۲۰، (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، چ دوم، ص ۴۴۲.

۵۶- عماد الدین باقی، انقلاب و تنازع بقا، (تهران: عروج، ۱۳۷۹)، ص ۵۰.

۵۷- علی اصغر حاج سید جواد، تا زمانی که شاهان وجود دارند پیامبران نیز هستند، (تهران: ۱۳۵۸)، ص ۵۷.

۵۸- اردشیر زاهدی، ۲۵ سال در کنار پادشاه، (تهران: نشر عطایی، ۱۳۸۱)، ص ۳۱۳.

۵۹- جلال الدین مدنی، پیشین، ج دوم، ص ۴۰۹.

۶۰- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، روز شمار انقلاب اسلامی، (تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸)، ج هفتم، ص ۳۷۸.

ساختار و عملکرد فرهنگی: با ورود اسلام به ایران و به دلیل هماهنگی‌های زیادی که با بنیان‌های فکری ایرانیان داشت، پذیرش اسلام در ایران به آسانی و با سرعت صورت گرفت. در دوران پهلوی ساختار فرهنگی کشور به سمت اسلام-زدایی که مخالف استعمار و استبداد بود حرکت می‌کرد. اقداماتی مانند کشف حجاب، ممنوعیت شعائر اسلامی، تغییر تاریخ هجری، حذف قید اسلامی از قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تغییر تقویم اسلامی، ایجاد محدودیت برای علما و مذهب‌یون، به کارگیری افراد لائیک در مصادر امور و... در همین راستا صورت می‌گرفت که در نهایت باعث بیگانگی نیروهای اجتماعی گردید.^{۶۱} استبداد رضاخان در چارچوب نظام سلطه جهانی و استعمار عمل می‌کرد، دین ستیزی رضا شاه و اسلام زدایی او بخاطر ترس از وقوع حرکت‌های آزادی خواهانه بر پایه تعالیم دینی چون نهضت تنباکو و مشروطیت و... بود. در واقع انگلیسی‌ها می‌خواستند توسط پهلوی ریشه اسلام را که مخالف هرگونه سلطه پذیری و امتیاز دهی به بیگانگان بود، را بخشکانند. آتاتورک در ترکیه سنی و رضا خان در ایران شیعی به دستور انگلیس وظیفه حذف اسلام و ترویج سکولاریسم را داشتند.

رضاخان بعد از تاج‌گذاری در سال ۱۳۰۵ علی‌رغم این که به شعائر اسلامی تظاهر می‌کرد از سال ۱۳۰۵ به بعد با تثبیت موقعیتش برای حذف دین از زندگی ایرانیان اقدام نمود. در سال ۱۳۱۳ اقدام به کشف حجاب نمود و دستور برگزاری جشن آزادی زنان را صادر کرد و با متخلفین به شدت برخورد می‌کرد. در اعتراض به کشف حجاب نزدیک به پنج هزار نفر در مسجدگوه‌رشاد کشته و زخمی شدند.^{۶۲} از سویی مراکز فساد مانند کاباره و کافه‌ها را دایر، و مراسمات عزاداری را ممنوع، و با روحانیت برخورد می‌کرد، و مراکز آموزشی و حقوقی اسلام را از دست آنها خارج ساخت. «جان‌فوران» نیز اسلام‌زدایی رضاخان را این گونه بیان می‌کند: در بطن مشروعیت نظام پهلوی (رضاخان) آمیزه‌ی متناقض و ابهام‌آمیزی از ملی‌گرایی و غرب‌گرایی وجود داشت، ناسیونالیسم رضاشاه، ناسیونالیسم غیر دینی بود نه اسلامی و آن را با واژگان غیر اسلامی بیان می‌داشت.^{۶۳} «احمد متین دفتری» نخست وزیر وقت می‌گوید: در سال ۱۳۱۸ شاه به فکر منع انتشار تقویم قمری افتاد تا مردم از تاریخ عزاداری‌ها و جشن‌های مذهبی غافل بمانند.^{۶۴} تاج الملوک همسر رضاخان می‌گوید رضا شاه دستور داد تا توپ سحر و افطار را بی‌ترتیب و نامنظم بزنند، توپ افطار را نیم ساعت بعد از مغرب و توپ سحر را یکی دو ساعت جلوتر از طلوع فجر می‌انداختند.^{۶۵} رضا شاه می‌گفت مگر خدا عرب است که باید روزی پنج بار با او صحبت کنیم. فضای کشور به دلیل سیاست‌های اسلام‌زدایی رضاخان به نحوی بود که چهره اسلام، چهره‌ای مسخ شده و سکولاریزود و زمینه برای حضور جریان‌ات وابسته به بیگانگی و دین ستیز مهیا بود.^{۶۶}

سیاست‌های اسلام زدایی در دوران **محمد رضا شاه** همچنان ادامه داشت، محمد رضا شاه به لحاظ اخلاقی مفاسد زیادی را در زندگی خود داشته است که «فردوست» به عنوان نزدیک‌ترین دوست و محرم اسرار او به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کند. فردوست که همراه محمد رضا برای ادامه تحصیل در سوئیس به سر می‌برد می‌گوید در مدرسه «لّه روزه» مستخدمی به نام «ارنست پرون» راهرو و اتاق‌هایی را که ولیعهد در آنجا بود نظافت می‌کرد و هر وقت بیکار می‌شد به اتاق محمد رضا می‌رفت، همیشه برای من سؤال بود که چرا چنین شخصیتی با چنین معلوماتی به این کار مشغول است که بعدها مشخص شد او توسط سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس در مدرسه کاشته شده بود. وی بعدها همراه محمد رضا به ایران آمد و به آنچنان نفوذی دست پیدا کرد که در انتصاب مقامات عالی رتبه تأثیر عمده‌ای داشت و محمد رضا از او حرف شنوی کاملی داشت.

۶۱- یحیی فوزی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۸۰-۱۳۵۷)، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) عروج، ۱۳۸۴)، ج اول، ص ۴۳.

۶۲- مسعود کوهستانی نژاد، واقعه خراسان، (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵) ص ۱۶۲.

۶۳- جان فوران، پیشین، ص ۳۳۸.

۶۴- محمد علی همایون کاتوزیان، پیشین، ص ۱۷۹.

۶۵- ملکه پهلوی (خاطرات تاج الملوک)، (تهران: انتشارات به آفرین، بی‌تا)، ص ۲۴۳.

۶۶- جلال الدین مدنی، پیشین، ص ۲۹۸.

محمد رضا همچنین در این دوران با یکی از پیش خدمت‌های زن ارتباط نامشروع برقرار کرد که ناچار شدیم ۵ هزار فرانک برای سقط جنین و حق السکوت به او بدهیم^{۶۷}. گفته می‌شود محمد رضا شاه با ارنست پرون در کلیسای لوزان سوئیس عقد کردند! فردوست همچنین در رابطه با ارتباط غیراخلاقی محمدرضا با زنان فاسد می‌نویسد محمدرضا با زن‌های بسیاری رابطه داشت. رفیق‌های یک شبه و چند شبه فراوانی داشت که معرف آن‌ها اشرف و عبدالرضا (برادرش) بودند و این‌ها بیشتر از رده میهمان داران خارجی هواپیمایی انتخاب می‌شدند. محمدرضا در طول حیات خود، زندگی زناشویی سالمی نداشت و به تمام معنا فردی عیاش بود، او با فیروزه زیباترین زن تهران، رابطه داشت و ماهیانه ۳۰۰ تومان به او می‌داد. سپس با فوزیه ازدواج کرد، با دختر دیگری به نام دیوسالار نیز رابطه داشت و از من خواهان معرفی زن می‌شد، من هم از باشگاه افسران دختری زیبا به نام پری غفاری را برای او انتخاب کردم، سپس با ثریا ازدواج کرد و بعد او را هم طلاق داد، بعد از آن با زنی به نام گیتی خطیر رابطه داشت، رابطه با او تا ازدواج با فرح ادامه داشت و بعد از فرح نیز با زن‌های زیادی رابطه داشت در مسافرت‌هایش به آمریکا هم زن‌های متعددی را می‌دید و پول‌های کلانی به آن‌ها می‌داد، مثلاً به ملکه‌زیبایی جهان که چند بار با محمدرضا ملاقات کرد یک میلیون دلار هدیه داد^{۶۸}. احمدعلی مسعود انصاری مشاور محمدرضا شاه نیز در ارتباط با فساد اخلاقی شاه و فرح می‌گوید: مسئله مهم دیگری که هنگام اقامت شاه در مکزیک پیش آمد و فوق‌العاده موجب تکدر و افسردگی بیش از پیش شاه شد ماجرای روابط فرح با فردی به نام جوادی بود که از پرده بیرون افتاده و به گوش شاه رسید و معروف است که در پاناما «نوریه‌گا»ی معروف در مقام رئیس سازمان امنیت پاناما که مسئول محافظت از جان شاه بود برای او خانم هم می‌آورد. در مورد زنان و معشوقه‌های شاه چهار جلد کتاب به رشته تحریر در آمده است!

علاوه بر فساد اخلاقی محمد رضا شاه اشرف پهلوی خواهر دوقلوی محمدرضا و شخص دوم قدرتمند دربار نیز به مفاسد اخلاقی زیادی آلوده بود که «اگر قرار شود لیست مردانی که در دوران ۳۷ ساله سلطنت محمدرضا با اشرف رابطه داشتند تهیه شود، حتی خود او نیز ممکن است همه را به یاد نیاورد، مسلماً لیست طولیلی خواهد شد»، فردوست همچنین می‌گوید: «می‌توانم اشرف را به حق فاسدترین زن جهان بنامم، زنی که به قول خودش اگر هر شب یک مرد تازه نبیند خوابش نمی‌برد»، علاوه بر فساد گسترده اخلاقی اشرف، وی در امر قاچاق مواد مخدر نیز به شدت فعال بود: «اشرف قاچاقچی بین‌المللی بود و به طور مسجل عضو مافیای آمریکاست او به هر جا که می‌رفت در یکی از چمدان‌هایش هروئین حمل می‌کرد و کسی هم جرأت نمی‌کرد آن را بازرسی کند»^{۶۹}.

از مظاهر اسلام زدایی تغییر سال هجری شمسی به سال شاهنشاهی در سال ۱۳۵۴ به شاهنشاهی ۲۵۳۵ ساله بود. «سرآنتونی پارسونز» در این زمینه می‌گوید: «تغییر تقویم هجری شمسی به تقویم شاهنشاهی یکی از نامعقول‌ترین اقداماتی بود که شاه به آن دست زد و موجبات خشم و بدگمانی عناصر را به خود فراهم کرد. این اقدام نابجا و خودخواهانه احساسات مذهبی مردم را جریحه دار کرد»^{۷۰}. یکی دیگر از اقدامات محمد رضا شاه در این زمینه برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و برپایی مراکز فساد بود، در سال ۱۳۵۰ در جشن‌های ویژه سالگرد ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی، برای تأسیسات مورد نظر جشن‌ها از یک سال قبل کاروان کامیون‌ها وسایل مورد نیاز را به آنجا حمل می‌کردند، برای پذیرایی از سران کشورها، ۱۶۵ سرآشپز و گارسون را از رستوران مشهور «ماکسیم» پاریس با هواپیما به ایران آوردند و ۲۵۰۰ بطری شراب درجه یک فرانسوی به قیمت هر بطری یکصد دلار خریداری شد^{۷۱}. این جشن‌ها که همراه با مفاسد اخلاقی گسترده‌ای بود هزینه‌های سنگینی را بر مردم تحمیل می‌کرد. «پارسونز»

۶۷- حسین فردوست، پیشین، ص ۵۹.

۶۸- همان، ص ۲۰۵.

۶۹- حسین فردوست، پیشین، صص ۲۳۸ و ۲۳۲.

۷۰- سر آنتونی پارسونز، پیشین، ص ۳۴۴.

۷۱- مینو صمیمی، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه حسین ابوترابیان، (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸)، ۱۲۵.

سفیر انگلیس می‌گوید در رمضان سال ۵۶ در مراسم جشن هنر در حاشیه نمایش خیابانی مردی لخت شد و به زنی تجاوز کرد، پارسونز ادامه می‌دهد وقتی این ماجرا را به شاه در میان گذاشتیم و به او گفتم اگر این نمایش در منچستر انگلیس اجرا می‌شد گرداندگان و هنرپیشگان آنجان سالم به در نمی‌بردند، شاه مدتی خندید و چیزی نگفت.^{۷۲} براساس آمار موجود مراکز فساد در تهران بسیار فراوان بودند به گونه‌ای که در تهران ۴۰ کارخانه تولید مشروب، و ۸۰۰ مشروب فروشی علنی وجود داشت، مصرف آبجوی تهران روزی ۴۰۰/۰۰۰ بطری بوده است، ۱۶۰ عشرتکده، ۲۷۰۰ زن فاسد و ۱۱۲۰ خانه فساد در تهران دایر بوده است که با تبلیغات گسترده در مطبوعات همراه بوده است.^{۷۳} یک نمونه از آگهی تبلیغاتی مجله کیهان ورزشی مورخ ۵۱/۱۰/۹ به این شرح است: «امشب و همه شب در کاباره میامی به همراه داغ‌ترین و سکسی‌ترین ستارگان بین‌المللی به انضمام دوشو از کشور آمریکا و انگلیس، همراه با مشهورترین خواننده روز دنیای عرب (نزهت) با دو ارکستر بزرگ از انگلستان و ایتالیا و ۳۰ دختر سکسی از آمریکا. سینماها نیز وضع نابسامانی داشتند به طوری که در برخی از آن‌ها ورود افراد زیر ۱۸ سال ممنوعیت داشت.

امیرعباس هویدا که ۱۳ سال نخست وزیر بود مظاهر دینی و اخلاقی را کهنه پرستی می‌دانست و طرفدار آزادی مطلق جنسی بود، لذا ازدواج او تنها سه سال دوام آورد. در دوران او بحرین از ایران جدا شد^{۷۴} و کشور از لحاظ اقتصادی به بازار مصرفی کالاهای غربی تبدیل شد و مفسد اخلاقی در جامعه افزایش یافت. هویدا از نظر اخلاقی فردی فاسد و به لحاظ عقیدتی بهایی بود، در سال ۱۳۴۳ نامه‌ای در مورد هویدا برای مقامات دولتی ارسال می‌شود که پدر بزرگ هویدا، میرزا رضا قناد از بهائیان مخلص و مجذوب عباس افندی «از رهبران اصلی بهائیت» می‌باشد که از بیم خشم مردم ایران به «عکا» رفت و مورد لطف عباس افندی قرار گرفت. در مورد انتصاب او، برخی از خواص رژیم مانند سناتور جهان‌شاه صمصام طی نامه‌ای به شاه اعتراض می‌کند، ابقاء چنین فردی که به فساد اخلاق هم در دربار شهره بود عمق تباهی اخلاقی رژیم پهلوی و وابستگی آن را می‌رساند. در سال ۱۳۵۰ سندی به ساواک منتقل می‌شود در مورد علت متارکه همسر هویدا، نقل شده هنگام مسافرت هویدا و همسرش به شاهرود به همسرش می‌گوید جهت ملاقات با مقامات محلی باید شام را پیش آن‌ها باشم و موقع خوابیدن نزد شما خواهم آمد که به دلیل تأخیر او همسرش به منزل فرماندار شاهرود می‌رود و از جایی که او را می‌شناسند مانع او نمی‌شوند، خانم هویدا سرزده وارد اطاقی که نخست وزیر استراحت می‌کرده می‌شود که می‌بیند هویدا با پسر بچه‌ای که فرماندار آورده مشغول لواط است که باعث ناراحتی شدید او و طلاقش از هویدا می‌شود.^{۷۵} در مورد مفسد فرح نقل شده که به کارتر علاقمند و در کاخ نیاوران شایع بود به هم علاقمند هستند و وقتی فرح چند نوبت خصوصی آمریکا نزد کارتر رفت همه با قاطعیت می‌گفتند فرح برای جلب حمایت کارتر دست به فداکاری زده است (خطرات من و فرح، اسکندر دلدیم) فرح همچنین با افرادی چون برژون میروولد نروژی، رضا قطبی، فریدون جوادی با اطلاع شاه ارتباط داشت که وقتی با اعتراض مادرش مواجه می‌شود؛ که می‌گوید زنیکه گدازده خجالت نمی‌کشی جلوی چشم کارکنان دربار این کارها را می‌کنی! فرح می‌گوید راست گفته‌اند شاه می‌بخشد شیخ علی‌خان نمی‌بخشد، خود محمدرضا مرا آزاد گذاشته است آنوقت باید به تو حساب پس بدهم! من اختیار پایین تنه ام را دارم و به کسی مربوط نیست! (خطرات تاج المولوک، ص ۶۵) با وجود بیش از نیم قرن اسلام زدایی توسط خاندان پهلوی و فعالیت کمونیست‌ها و غریزه‌های سکولار، چگونه نیروی مذهبی به رهبری مرجعیت از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ آن چنان گسترش و عمومیت یافت که طومار یک رژیم تا بن دندان مسلح را درهم پیچید؟ زمانی که محتوای فرهنگی و ارزش‌های جامعه در تعارض با ارزش‌های حاکمیت قرار بگیرد و امکان تعامل قدرت سیاسی حاکم با قدرت اجتماعی (مردم و جریان‌ها) از بین برود فاصله قدرت سیاسی مستبد حاکم از مردم زیاد و پایگاه اجتماعی، اعتبار و مشروعیت آن بخاطر وابستگی و تحقیر ملی از بین می‌رود و در این شرایط اتحاد نیروهای اجتماعی و انقلابی با یک

۷۲- ویلیام سولیوان، خاطرات دو سفیر (مأموریت در ایران)، ترجمه محمود طلوعی، (تهران: علم، ۱۳۷۵)، چ سوم، ص ۳۲۷.

۷۳- جلال الدین مدنی، پیشین، ج اول، ص ۱۸۸.

۷۴- جلال الدین مدنی، پیشین، ج دوم، ص ۱۵۶.

۷۵- حسین فردوست، پیشین، ج دوم، صص ۳۹۸ و ۳۷۵.

رهبر آگاه همراه با آرمان و ایدئولوژی مقبول و مشخص به ناپودی آن حکومت منجر می شود.

۴- دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه سیاسی؛ فرهنگی و اقتصادی به تفکیک؛

دشمن با تحریف واقعیات دنبال اعتبارزدایی از مکتب، واقعیات و سیاست‌ها و بزرگنمایی مشکلات و ایجاد حس خودتحقیری و خودباختگی می باشد. ایجاد ناامیدی و بی‌اعتمادی از دیگر اهداف جریان تحریف می‌باشد جریانی که همواره بزرگترین تهدید برای حرکت‌های اصلاحی و ادیان توحیدی می باشد. امروز ۱۱۶ ماهواره تلویزیونی از ۳۰۰ ماهواره در جهان و ۲۶۰ کانال فارسی زبان رایگان و تولید روزانه بیش از ۳۰ هزار پیام مهندسی شده توسط منافقین مستقر در کشور آلبانی و اسرائیل در راستای تحریف واقعیات فعالیت می کنند که نتیجه آن فاصله گرفتن از افق مهم مسایل کشور و نگاه خرد بجای نگاه کلان به مسایل می‌باشد یعنی؛ بجای اینکه کارنامه را کامل ببیند و معدل را نگاه کند یک نقطه ضعف یا مشکل را آنهم بدون دانش و اطلاع از واقعیات، فقط می‌بیند. جنگ شناختی و فقدان دانش و بصیرت لازم و محاسبات غلط ناشی از اخبار مهندسی شده برخی، به جریان تحریف کمک شایانی می کند. بیماری سفسطه و دروغ‌پذیری و تلبارشیدن اخبار و تحلیل‌های غلط در اذهان که کسی صحت و سقم آنها را نمی‌داند در کنار دشمن‌شناسی، کار تحلیل درست را مشکل می‌سازد. حس خودتحقیری، یک ملت را دچار بحران هویت تاریخی و فکری می‌کند. در حالی که «یوری رابین» پدر موشکی رژیم صهیونیستی در جمع نیروی هوایی آمریکایی‌ها می‌گوید به احترام کسانی که در ایران ماهواره نظامی ساخته‌اند که هر ۹۰ دقیق از فراز اسرائیل عبور می‌کند؛ کلاه از سر بر می‌دارم و یا «کنت مکنزی» فرمانده سنتکام آمریکا می‌گوید: برای اولین بار بعد از جنگ جهانی به‌خاطر توانمندی‌های ایران برتری هوایی خود را از دست داده‌ایم؛ فریب خوردگان جنگ نرم دشمن کوچکترین اشتباه یا حادثه در کشور را طوری ضریب می‌دهند که گویا تمام کشور از دست رفته و در هیچ نقطه‌ای از جهان حادثه‌ای رخ نمی‌دهد. در حالی که سه بار پرتاب ماهواره «ایلان ماسک» با شکست مواجه شد برخی کاربران ایرانی پشتکار آنها را تحسین کردند و با یک پرتاب ناموفق ماهواره ایرانی دانشمندان کشور را تحقیر می‌کنند! برخی عادت به خلط موضوعات دارند و قدرت تمرکز و تفکیک مسایل و موضوع محوری ندارند؛ از توان موشکی و پهپادی گفته می‌شود از پراید می‌گویند از تاریخ می‌شنوند از سیاست می‌گویند؛ از فرهنگ می‌گویند از اقتصاد می‌گویند از امنیت و اقتدار و استقلال می‌شنوند از تخم مرغ می‌گویند! و دنبال سیاه‌نمایی محض و نگاه صفر تا صدی است، لذا باید به جای تسلیم شدن در برابر جنگ رسانه‌ای دشمن و خرافات و خودتحقیری سطح اندیشه را بالا برد و عقلانی فکر کرد. انگلیسی‌ها تاریخ را خوب می‌فهمند و خیلی‌ها فقط از تکنولوژی می‌پرسند! جامعه متعصب و سیاست زده حرف حق را نمی‌تواند بپذیرد و بدون فکر فقط برای جناح خود کف می‌زند، مانند مسابقه فوتبال و کاری به حق و باطل آن ندارد.

مراحل تحقق دولت اسلامی: کارایی دین بالقوه، است، یعنی باید کسانی آن را بپذیرند و در زندگی شان اثر بدهند و تنها در این صورت است که می‌توانیم بگوییم آیا دین کارایی دارد یا خیر! به هر میزان که پای‌بندی به مبانی دینی در جامعه تقویت شود به همان میزان کارایی دین بالا می‌رود. اگر در یک شهر تعالیم اسلام ناب را صددرصد پیاده کنیم و تمام انسانهای آن شبیه حضرت علی(ع) و فاطمه(ع) شوند آیا در آن شهر یک مورد خلاف و گناه، تبعیض و ظلم، بیمار، نیازمند، طلاق، یک نفر زندانی، یک نفر بی سواد و جاهل و... پیدا می‌شود؟ نظام اسلامی در مسیر تکامل تدریجی است و تا تحقق حاکمیت اسلام راه طولانی در پیش دارد و برخی آرمانها در حد متوسط برخی در حد قوی و یا ضعیف محقق شده‌اند. مقام معظم رهبری تحقق اهداف اسلامی را در یک فرایند پنج مرحله‌ای شامل: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و جامعه و تمدن (دنیای) اسلامی می‌داند.^{۷۶} اولین مرحله شکل‌گیری دولت اسلامی، انقلاب اسلامی است که در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ محقق شده است و یک انقلاب فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی در کشور ایجاد کرد. مرحله دوم،

^{۷۶}- مقام معظم رهبری سخنرانی ۱۲ آذر ۱۳۸۰ و ۲۱ آذر ۱۳۸۰.

شکل گیری نظام اسلامی است، یعنی شکل گیری ساختار کلان شاکله نظام بر مبنای قرآن و سنت، شکل گیری قانون اساسی و قوای سه گانه با محوریت ولایت فقیه در راستای تداوم رهبری دوران امامت و نبوت در چارچوب قرآن و سنت می باشد، که این مرحله هم شکل گرفته است. مرحله سوم ایجاد دولت اسلامی است که در این مرحله فرازونشیب های فراوانی داشته- ایم، و در بیشتر دولت ها و مجالس و شوراها دارای شاخصه های دین داری و دین مداری بسیار ضعیف بوده است، در دولت موقت، دولت بنی صدر، دولت میرحسین موسوی، سازندگی و اصلاحات و اعتدال کسانی بر قوه مجریه حاکم بودند که اعتقاد واقعی نداشتند که دین باید در همه عرصه های زندگی حاکم باشد؛ لذا در مرحله دولت سازی راه درازی پیش روی ما قرار دارد. مرحله چهارم تشکیل کشور اسلامی است یعنی گسترش عدالت و حاکمیت شرع؛ مرحله پنجم ایجاد جامعه و تمدن اسلامی است؛ یعنی رفتار و رسومات اجتماعی جامعه، سبک زندگی، جشن ها، عزاداری ها، وضعیت پوشش، بازار مسلمین، فرهنگ و رفتار مردم همه بر مبنای اصول دینی باشد و در چنین شرایطی است که می توان به جهانیان الگو داد. رشد فرهنگ مصرف گرایی و تجمل گرایی، روابط اقتصادی غیردینی، غریزدگی، عدم اجرای دقیق احکام دینی و... مواردی است که ما را از این مرحله دور می کند.

در تحلیل مقوله پیشرفت نگاه یک بُعدی مانع از دسترسی به تحلیلی جامع و همه جانبه نگر می شود، همان طور که انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و بی تردید در هر دو عرصه نیازهایی دارد، پیشرفت هم بایستی در هر دو زمینه و به تناسب هم حرکت کند. پیشرفت معنوی یعنی حرکت متعالی درباره خدا، خود، دیگران و طبیعت، و سؤال این است که آیا تمدن مدعی غرب در این عرصه ها حرکت متعالی داشته است؟ در رابطه با خدا و خداپرستی آیا حرکت غرب به سوی خدا و معنویت و خداپرستی تقویت شده است؟ در سال ۱۹۹۶ شیطان پرست ها انجیل لای را نوشتند که نوعی رودرویی با خداست، نهضت بریدن از خدا و معنویت با نهضت پروتستان آغاز شد. خدایی که در تورات با یعقوب (ع) کشتی می گیرد و مغلوب می شود، چرا انسان غربی خود ادعای خدایی نکند و برای خدا زمان و مکان (یکشنبه ها در کلیسا) تعیین نکند! این همه فساد اخلاقی و جنایت که در حق بشریت صورت گرفت بی تردید به خاطر دوری از تعالیم الهی است که بشر غربی را در همه حوزه ها به بن بست کشانده است.

در رابطه با «خود» از قرن ۱۵ میلادی به بعد در غرب چهار نگاه کلان به بشر شده است؛ در آغاز غرب جدید «ماکیاولی» در کتاب «گفتارها و شهریار» بشر را به روباه تشبیه و جوهره و سرشت انسان را مکر و حيله گری دانست و انسان کمال یافته، انسان مکار تفسیر شد. سه قرن بعد «توماس هابز» گفت انسان گرگ انسان است و ویژگی های گرگ را برای انسان مناسب دید. یک قرن بعد «چارلز داروین ۱۸۷۰» انسان را تکامل یافته میمون دانست که بشر غربی آخرین محصول تکامل زیستی آن است و «نیچه» نیز با جمع این نظریات انسان را ابر حیوان می دانست، لذا مبنای برنامه ریزی برای انسان با این نگاه بود، آیا این بشر، کرامت ذاتی دارد؟ روزانه ۱۱ هزار خودکشی صورت می گیرد که خودکشی های نافرجام ۲۰ برابر می باشد و در ۵۰ سال اخیر میزان خودکشی ۶۰ درصد افزایش یافته است که کشور ژاپن و فرانسه بایس از ۳۲ هزار خودکشی در سال رتبه چهارم جهان را دارند، در رابطه انسان با خود چه رخ داده که دست به خودکشی می زند؟ چرا آمریکایی ها که ۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می دهند ۸۰ درصد آرام بخش های جهان را مصرف می کنند و ۲۵ درصد زندانیان جهان را در خود جای داده اند؟

در رابطه با دیگران آیا حرکت غرب به سمت دیگرخواهی، خیرخواهی و ایثار بوده است؟ قریب به ۱۹۰ میلیون کشته در قرن ۲۰ حاصل جنگ هایی بوده است که طرف اصلی آن غربی ها بوده اند. استفاده از اورانیوم و بمب اتمی و سایر سلاح های ممنوعه که قوانین عدم استفاده از آنها را امضاء نکرده اند بیانگر واقعیات بسیاری است. نهاد خانواده به عنوان ملاک یک جامعه سالم در غرب از هم پاشیده و التزامی به آن نیست، به نحوی که ۶۰ درصد متولدین نامشروع هستند و بعضاً شناسنامه ها را با نام مادر صادر می کنند، استعمار و استثمار ملت ها، که همچنان ادامه دارد باعث شده نیمی از مردم دنیا در گرسنگی به سر ببرند و روزانه چهل هزار نفر به خاطر سوء تغذیه جان خود را از دست بدهند. در رابطه با مسایل اخلاقی روزانه ۸ هزار نفر به ایدز مبتلا شوند که به دلیل دور شدن از تعالیم الهی است، پیرزن انگلیسی که ۶۰ میلیون پوند ثروتش را برای گربه خود وصیت می کند در کدام مکتب تعلیم یافته است! در رابطه با طبیعت هر ۱۲ دقیقه یک گونه جانوری و گیاهی از بین می رود و کشوری مثل آمریکا که ۲۵ درصد گازهای گل خانه ای را تولید می کند پیمان منع تولید این گازها را (پیمان کیوتو) امضاء

نکرده است. با این حال آیا مدرنیسم غربی توانسته است رفاه و آسایش مادی و معنوی را برای بشر به ارمغان بیاورد و آیا بشر مانند حیوانات فقط بُعد مادی دارد و هدف از خلقت او تنها تأمین نیازهای حیوانی و چند صباح زندگی کردن در دنیا است؟ آیا پیام ۱۲۴ هزار پیامبر الهی که بهترین و کامل‌ترین انسان‌ها بودند و گمشده انسان امروزی هستند، وضعیت حاکم بر زندگی بشر امروزی است، آیا بشر برای پایان دادن به این همه ظلم و ستم و فساد و بی‌عدالتی که حاصل مکاتب بشری است نیازمند یک منجی الهی نیست؟ آیا انقلاب اسلامی زمینه‌ساز بازگشت بشر به اصل خویشتن و ماهیت الهی او نبوده است؟ آیا پرچم دین‌مداری و معنویت خواهی امروز بر دوش ملت و رهبری ایران قرار ندارد؟

دستاوردهای انقلاب اسلامی

برای این که بدانیم دستاوردهای انقلاب اسلامی تا چه حدی تحقق یافته است ابتدا بایست ماهیت انقلاب اسلامی و دشمنان آن را بشناسیم، مطلوب و هدف انقلاب، اسلامی بودن و بقای فکر و ایدئولوژی آن است و سایر اهداف انقلاب اسلامی در پرتو این مهم تحقق می‌یابد. دستاوردهای انقلاب اسلامی برای نسل اول که دوران طاغوت را تجربه کرده‌اند کاملاً ملموس است، لکن نسل جدید که با تحولات و تغییرات رشد کردند حرکت نظام برایشان ملموس نیست، مفهوم کارآمدی ارتباط مستقیم با امکانات، عقب‌ماندگی‌های گذشته، موانع و محدودیتها و زمان طی شده دارد. شمن نیز بعد از ناامیدی از تخریب بعد اعتقادی و فرهنگی انقلاب، با جنگ روانی و تحریف واقعیات، دنبال ایجاد فضایی است که ایران و ایرانی احساس شکنندگی کند لذا همواره دنبال برجسته کردن نقاط ضعف و کمبودها و عدم توجه دیگران به نقاط قوت ماست.

دستاوردهای سیاسی - فرهنگی: انقلاب اسلامی ایران بزرگ‌ترین انقلاب ارزشی، دینی و فکری چند قرن حاضر است که فرهنگ توحیدی ایران را با فرهنگ توحیدی اسلام هماهنگ نمود. هر انقلاب واقعی بخشی از اعتقاد، عدالت متعالی، آرزو، ایثار و مرگ - احساساتی فراتر از منفعت و وجود - می‌باشد.^{۷۷} با انقلاب اسلامی، نظام سیاسی بدیعی با محتوای اسلامی در قالب جمهوری ایجاد شد و رأی مردم «ولایت» را از حالت قوه به فعل درآورد. بعد از انقلاب اسلامی شاهد افزایش حضور مردم در صحنه‌های مشارکت‌های مردمی مانند انتخابات و تظاهرات، و افزایش بینش سیاسی و رشد سیاسی آنها هستیم که افزایش مشارکت سیاسی و شکل‌گیری نهادهای مردمی را به دنبال داشت و باعث ارتباط مردم با مسئولین از نزدیک شد و امکان دستیابی به پست‌های مهم اجرایی فراهم شد. و همین بُعد مردمی نظام به عنوان قدرت نرم باعث شده که در برابر نظام سلطه مقاومت کنیم، و اولین بار در تاریخ هفت هزار ساله دیکتاتوری ایران، مردم توانستند از ساختار ارباب رعیتی که یکنفر خود را مظهر اراده سیاسی و حاکمیت ملی می‌دانست و همه تصمیمات و انتصابات را انجام می‌داد رها شوند و کارگزاران حکومتی را انتخاب کنند. برگزاری مستمر انتخابات با حضور جریانات مختلف و حتی با حضور برخی افراد دارای زاویه با انقلاب که در اکثر موارد با فریب مردم و سوء استفاده از فضای سیاسی کشور و ایجاد هیجان‌ناکاذب در شب انتخابات به قدرت رسیدند از نمودهای مشارکت واقعی می‌باشد بویژه اینکه عموماً پیروز انتخابات در کشور کسانی بوده‌اند که از نظر سیاسی و حزبی مخالف جریان مستقر برگزارکننده انتخابات بوده است؛ عبارتی انتخاباتی که آقای هاشمی برگزار می‌کند پیروز آن آقای خاتمی و بعد در انتخاباتی که آقای خاتمی برگزار می‌کند پیروز آن آقای احمدی نژاد (مخالف حزبی خاتمی) و آقای روحانی و بعد آقای رئیسی و... هستند و رسانه‌های معاند و بیگانه بخاطر همین سلامت انتخابات است که در ایام انتخابات از جریان یا افراد خاص حمایت می‌کنند. در حالی که مجری انتخابات تمایل به پیروزی هم حزبی خود دارد ولی این اتفاق نمی‌افتد و همین مشارکت گسترده مردم و دموکراسی منجر به امنیت و تثبیت استقلال و تداوم نظام شده است.

ما طی قرون گذشته تحقیر شدیم، غرب همواره بر ما سلطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی داشته و به خاطر بی‌کفایتی و ناکارایی حاکمان، سرزمین‌های زیادی را از دست دادیم. ما همواره واجد قدرت یابی هستیم، ساختار جمعیتی، موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع، پیشه‌ی تمدنی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی این توان بالقوه را بالفعل نمود و معادلات سیصد ساله قدرت را به هم ریخت و در صف آرایی شرق و غرب، حرف جدیدی را مطرح کرد و آنها علی‌رغم تمام تلاش‌های خود نتوانستند بر ما چیزی تحمیل کنند. شیعیان در بدترین وضع قرار داشتند و کسی برای آن اعتباری قائل نبود، شیعیان که در بیست و چهار

^{۷۷}- علی عزت بگوویچ، اسلام بین دو دیدگاه شرق و غرب، ترجمه حسین سیف زاده، (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴)، ص ۷۱.

نقطه جهان حضور داشتند به عنوان اقلیتی بی تأثیر و شهروند درجه سه شناخته می شدند، در عراق با وجود این که ۷۰ درصد جمعیت را شیعیان تشکیل می دادند، هرگز به رسمیت شناخته نمی شدند و با بدترین وضع با آن‌ها برخورد می شد. لکن بعد از انقلاب اسلامی ایران شرایط به نفع تشیع کاملاً دگرگون شد، شیعیان لبنان که بزرگ‌ترین گروه مذهبی لبنان هستند امروز نقش تعیین کننده در خاور میانه دارند. آیت الله فاضل لنکرانی در این رابطه می فرماید: «بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب این بود که امام (ره) شیعه را برای اولین بار به دنیا معرفی می کرد»^{۷۸}. انقلاب یوغها را باز کرد و در ۱۶ سال جنگ با صدام و داعش با حمایت کامل غرب، خدشه ای بر استقلال و تمامیت ارضی کشور وارد نشد و از بازیگر دست نشانده و تماشاجچی به بازیگر فعال و اثر گذار در جهان تبدیل شدیم.

امروز اداره منطقه بدون ایران ممکن نیست آیا در گذشته این طور بود! امروز مزرهای امنیتی ما ۵۰۰ کیلومتر از مرزهای جغرافیایی ما فاصله دارد، پیروزی اسلام‌گراها در کشورهای اسلامی و بیداری اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی ایران هستند. امروز در واقع رهبری منطقه به دست ایران است و نظام موازنه جهانی نیز در حال تغییر وضعیت به نفع جمهوری اسلامی ایران است. در مصاف با نظام سلطه که بیشتر زیبایی‌های خود را از استعمار دارد، آیا سلطه و نفوذ سیاسی و تأثیر گذاری آن‌ها تقویت شده یا این که نفوذ سیاسی و پایگاه‌های ایران در منطقه و جهان تقویت شده است؟ منحنی تراز ما، بازدارندگی تولید خطر و قدرت است. پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و حماس در جنگ ۲۲ روزه و سوریه و عراق و محور مقاومت محصول مدیریت جمهوری اسلامی ایران بود. در حالی که کل اعراب در سه جنگ با اسرائیل قبل از انقلاب به نمایندگی از کل اعراب و حمایت شوروی و با تجهیزات بیشتر از رژیم صهیونیستی، شکست خوردند! و همین مدیریت جمهوری اسلامی باعث شد که عراق حق کاپیتولاسیون را به آمریکایی‌ها ندهد و آنها را وادار به ترک عراق کند در حالی که ژاپن بعد از گذشت نیم قرن هنوز نتوانسته آمریکایی‌ها را از خاک خود بیرون کند! نفوذ و اعتبار امروز از مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم است، جمهوری اسلامی ایران توانسته است مدل‌های میلیتاریستی مد نظر آمریکا را به چالش بکشد. به نحوی که «لوموند» فرانسه نوشت: ایران هم اکنون پرچم رهبری آمریکا در جهان را به حالت نیمه افراشته در آورده است و به تعبیر «ریچارد کلمن» سیاستمدار آمریکایی: «نظام سرکش و مهار نشدنی جمهوری اسلامی کاخ سفید را با همه قدرت هسته‌ای و تکنولوژیکش پشت دیوارهای تحقیر رانده است»^{۷۹}. جمهوری اسلامی ایران آمریکا و ناتو را از منطقه بیرون کرد، کشاندن یک قدرت بزرگ به یک صحنه عملیاتی و کاهش تراز قدرت آن یک هنر بزرگ است؛ زیرا قدرت وقتی از ابهام در می آید خصوصیت اعرابش را از دست می دهد و از ابتدای انقلاب هدف ما بی اعتبار کردن و ایجاد تناقض در گفتار و رفتار دشمن بوده است و توانستیم دشمن را در چند بحران وارد کنیم و معادله بازدارندگی را اجرا کنیم. تاریخ ایران همواره با جنگ و ناامنی و تجاوز و حمله بیگانه عجین و استقلال ما را تحمل نمی کردند، لکن امروز هیچ قدرتی قادر به تهدید ایران هم نیست و هر اقدامی با واکنش متقابل ایران مواجه می شود مانند آنچه در عین الاسد و حمله به آمریکا و یا تقابل به مثل در دزدی نفتکش های ایرانی شاهد بودیم و آمریکایی‌ها به قول ترامپ ۸ تریلیون دلار در منطقه هزینه کردند تا خاورمیانه جدید با تجزیه ایران، سوریه، عراق و... ایجاد کنند ولی تسلیم اراده ایران شدند و امروز تمام منطقه تحت نفوذ ایران قرار دارد.

ادبیات جدیدی که انقلاب اسلامی ایجاد کرد، پیوند دنیا و آخرت و فرهنگ ایثار و شهادت طلبی بود و این برای دشمن بزرگ‌ترین تهدید است، دشمن در مصاف فرهنگی خود شاید نتوانسته باشد انحرافات اخلاقی ایجاد کرده باشد، لکن نتوانسته انحرافات اعتقادی ایجاد کند، حتی بساری از افرادی که ظاهر آنها با انتظارات از افراد مذهبی همخوانی ندارد، به مسایل مذهبی معتقدند، حضور میلیونی جوانان در مراسمات دینی مانند اعتکاف، شب‌های قدر و تشیع بی نظیر سردار سلیمانی بعنوان نماد استکبار ستیزی و ولایت‌مداری، جشن ده کیلومتری و چند میلیونی عید غدیر و پیاده‌روی اربعین حاکی از این واقعیات است، حضور ۱۵۰ هزار نفری جوانان در دهه ۶۰ در مسجد مقدس جمکران طی یک سال، امروز به حضور ۳ میلیونی رسیده است در حالی که تهاجم فرهنگی و ابزارهای آن نسبت به گذشته قابل قیاس نیست و از سویی جمعیت کشور دو برابر شده است ولی حضور جوانان در این مراسم و سایر مراسمات دینی بیست برابر شده است، لذا دشمن در این عرصه شکست

^{۷۸} - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶ شهریور ۱۳۷۸.

^{۷۹} - محمد ایمانی، ما و جمهوری دلقک‌ها، (تهران: کیهان، ۱۳۷۹)، ج ششم، چ دوم ص ۳۵.

خورده است. از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی در این عرصه اثبات کارآمدی دین و نفی سکولاریسم بود؛ ثابت شدن انگیزه عامل دینی به عنوان محوری برای مبارزه و قیام علیه ظلم و ستم در حالی که در گذشته بسیاری از مادی گرایان دین را در حاشیه می دیدند که نمی توان با آن به پیروزی رسید، از دستاوردهای انقلاب می باشد. «فیدل کاسترو» رهبر کمونیست کوبا می گوید: «پس از فروپاشی شوروی سابق به صحت توصیه های آیت الله خمینی به گورباچف پی بردم و معتقدم مدل قرآنی رهبر فقید ایران باید جای مدل های غربی در دستور کار برنامه های جهانی قرار گیرد»^{۸۰}. در خصوص آزادی و حقوق اقلیت ها در ایران ۲۵۰ کلیسا وجود دارد یعنی؛ به ازای هر ۵۰۰ مسیحی یک کلیسا وجود دارد و به ازای هر ۱۱۰ نفر یک مسجد وجود دارد. بعد از انقلاب مساجد سنی در سینتان از ۲۶۲ به ۶ هزار و مدارس علمیه از ۱۶ باب به ۲۵۴ باب رسد و هم اکنون ۱۰ هزار نظامی و بسیجی سنی مشغول بکار هستند و اقلیت های دینی با کمتر از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ۶ نماینده در مجلس دارند و اهل سنت نیز ۱۱ نماینده دارند. در حالی که میلیون ها مسلمان در اروپا و امریکا نماینده ای در پارلمان های آنجا ندارند و بدترین برخوردها با میلیون ها مسلمان در غرب صورت می گیرد و حقوق آنها کاملاً نقض می شود!

بیداری اسلامی در سراسر جهان از دیگر پیامدهای انقلاب اسلامی در این حوزه است، انقلاب اسلامی ایران آثار معرفتی و سیاسی عمیقی را در جهان اسلام رقم زد و جنبش های سیاسی مسلمانان قالب ایدئولوژیک سکولار غربی خود را به قالب اسلامی تغییر دادند انقلاب اسلامی رخوت و سستی حاکم بر جهان اسلام و تفرقه بین آنها را به وحدت و هوشیاری تبدیل کرد، و اسلام را وارد صحنه های اجتماعی و سیاسی نمود و باعث عزت و اقتدار آنها شد. گام نخست هر نوع مبارزه و انقلاب بیداری و آگاهی مردم است که استعمار همواره از آن هراس داشته است و انقلاب اسلامی این آگاهی را تقویت نمود. «توماس فریدمن» آمریکایی می گوید: «در خاورمیانه این بمب نیست که آمریکا را تهدید می کند، بلکه این بیداری، آرمان گرایی و دینی شدن نسل امروز دنیای اسلامی است که به تقابل با دنیای غرب برخاسته است بدون شک مهد این تفکر جمهوری اسلامی ایران است»؛ اسلام که پس از دهه های هفتاد از صحنه مبارزه فلسطین خارج شده بود بار دیگر به عرصه برگشت. امروز پیش بینی های امام خمینی (ره) که فرمودند قرن آتی قرن اسلام است و ابرقدرت ها به خاک مذکت می نشینند و اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد به وضوح مشاهده می شود. از مهم ترین پیامدها در این رابطه رایج کردن واژه جهان اسلام و اسلامی کردن مبارزات به جای تکیه بر ناسیونالیسم عربی و کمونیسم، در مبارزات مسلمانان در برابر نظام سلطه می باشد.

از جایی که سرشت قدرت ما نگاه سلطه جویانه و استعماری ندارد با کمترین حضور فیزیکی موفق تر بودیم. از سویی قدرت آمریکا توان زایش تحول ندارد؛ زیرا تنها متکی بر توانایی های نظامی است. از سویی ایدئولوژی انقلاب اسلامی و معنویت گرایی ناشی از آن در حال گسترش در سراسر جهان می باشد به تعبیر روزنامه اسپانیایی A.B.T: «اکنون در نقاطی که حتی جانشینان آیت الله خمینی فکر آن را نمی کنند انقلاب اسلامی در حال گسترش است»^{۸۱}. رشد و نفوذ مذهب و ایدئولوژی انقلاب اسلامی به قدری برای غرب ملموس است که «آلین تافلر» می گوید: زمانی که آیت الله خمینی حکم اعدام سلمان رشدی را صادر کرد برای همه حکومت های جهان پیامی تاریخی فرستاد که فوراً انتقال یافت، اما آن را کاملاً غلط فهمیدند. آیت الله به جهان می گفت که دولت ملی دیگر تنها یا حتی مهم ترین بازیگر صحنه جهانی به شمار نمی آید. آیت الله خمینی می گوید ایران که خودش کشوری دارای حق حاکمیت است، این «حق» را دارد که به شهروندان کشورهای دیگری که همان قدر حق حاکمیت دارند دستور دهد چه چیزی بخوانند و چه چیزی را نخوانند. آیت الله خمینی با ادعای چنین حقی به ناگهان بازیابی را از سطح مسئله ای داخلی به سطح موضوعی جهانی پرتاب کرد.^{۸۲} «آنتونی گیدنز» جامعه شناس مشهور نیز معتقد است: «در گذشته سه گول فکری جامعه شناسی یعنی «مارکس»، «دورکیم» و «ماکس ویر» با کم و بیش اختلافاتی فرایند عمومی جهان را به سمت سکولاریزیسیون و به حاشیه رفتن دین می دیدند ولی با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرایند عمومی جهان روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می رود»^{۸۳}. بدین ترتیب در

^{۸۰} - سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، نشریه نگرشی بر تحولات سیاسی، شماره ۶۶، ص ۴۰.

^{۸۱} - میراحمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی (ره)، ویراست دوم، (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳)، ج دهم، ص ۳۶۱.

^{۸۲} - آلین تافلر، جابجایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، (تهران: سیمرغ، ۱۳۷۵)، ج ششم، ص ۶۹۱.

^{۸۳} - آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، (تهران: نی، ۱۳۷۴)، ص ۷۵.

سراسر جهان یک اقبال عمومی به دین و معنویت در حال گسترش است به گونه‌ای که کتاب‌های حوزه دین با ۱۱ هزار و ۵۲ عنوان بیشترین تعداد عناوین را داشته است و در حالی که رشد کتاب‌های عمومی ۶ درصد بوده است رشد کتاب‌های مذهبی ۲۰ درصد بوده است و فیلم‌هایی که محتوای معنوی و مذهبی دارند طرفداران بیشتری پیدا نموده است و لذا دیگر نمی‌توان منکر نقش معنویت در جهان معاصر شد و به تعبیر «برگر»: «آن‌ان که از نقش دین در تحلیل مسایل جهان معاصر غفلت می‌ورزند، مرتکب خطای بزرگی می‌شوند»^{۸۴} بنابر نقل هفته نامه فرانسوی لویوئن در سال ۱۹۷۰ در فرانسه تنها ۲۳ محل عبادت برای مسلمانان وجود داشت که بعد از انقلاب اسلامی ایران با وجود دین ستیزی غربی ها تا سال ۱۹۹۲ به ۱۲۷۳ محل عبادت رسیده است.^{۸۵} از سویی گرایش به معنویت با محوریت اسلام رشد خیره کننده‌ای دارد و به دلیل فقر معرفتی مسیحیت و سایر ادیان گرایش به دین اسلام بسیار بالاست. قبل از انقلاب تشیع تنها در محدوده ایران و پاکستان و عده‌ای از اهالی عربستان و کویت و لبنان بود، اما پس از انقلاب تشیع حداقل در ۱۲۰ کشور وارد شد، یعنی جغرافیای تشیع از تعداد ۵ کشور به ۱۲۰ کشور گسترش یافت و معارف و حقایق الهی و اهل بیت تبلیغ و آن عده‌ای هم که شیعه نیستند جنگ با شیعه را حرام می‌دانند.^{۸۶} دشمن نیز برای مبارزه با این موج ایجاد شده بیش از ده هزار سایت و شبکه ماهواره‌ای علیه اسلام طراحی نموده در حالی که تنها دویست سایت اسلام را تبلیغ می‌کنند، ممنوعیت استفاده از نمادهای دینی مانند حجاب در اروپا، توهین به پیامبر اسلام و سایر مقدسات و ایجاد موج اسلام هراسی در واکنش به این تحول بزرگ صورت می‌گیرد. نکته اسرارآمیز این است که با وجود اسلام ستیزی پنجاه ساله در جهان اسلام و ایران در زمان پهلوی و تبلیغ فرهنگ ضد اخلاقی غرب با کمک دیکتاتورها و رسانه‌های قدرتمند، چرا مردم به ویژه جوانان با شعار اسلام خواهی علیه فرهنگ منحط غرب به پا خواستند! امروز مردم منطقه دو مدل و الگو اداره جهان را به خوبی لمس می‌کنند: ۱- مدل ایرانی؛ که در آن جان و مال و ناموس مردم محترم است و برای آن جانفشانی هم می‌کنند و خدا را ناظر بر همه چیز می‌بینند و دنبال سلطه‌گری نیست؛ ۲- مدل آمریکایی؛ که در آنجان و مال و ناموس دیگران مورد تعدی قرار می‌گیرد و اصالت با سود، قدرت و لذت بیشتر است! دوره طلایی شعارهای انقلاب ها معمولا ۴-۵ سال اول انقلابهاست در حالیکه در انقلاب اسلامی جذابیت شعارهای انقلاب را در مراسمات دینی و انقلابی بخوبی می‌بینیم و البته معیار فساد و خلاف اگر در غرب زنا با محارم و فرزندان نامشروع است، در ایران معیارهایی چون استفاده از ماهواره و... است!

دستاوردهای اقتصادی: بعد از انقلاب رویکردها و جهت‌گیری‌ها عوض شد و امنیت پایدار بومی بجای امنیت اجاره‌ای وابسته، استقلال بجای وابستگی و بجایتعریف در تقسیم کار بین المللی با رویکرد خام فروشی نفت وارد باشگاه دست اول جهان در تولید علم و دانش شدیم. برای تبیین میزان تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب؛ باید شرایط داخلی و بین المللی انقلاب را به دقت ترسیم و تحلیل نمود به خصوص در زمانی که استبداد وابسته داخلی و نظام دو قطبی مجال هیچ حرکت مردمی اصیل را نمی‌داد. برای تبیین کارآمدی بایستی به امکانات، محدودیت‌ها و موانع، همزمان توجه شود. وجود رقبا و مانع تراشی آن‌ها، فشارها و تحریم‌های خارجی، محدودیت‌های علمی، فنی و زمانی بایستی مورد توجه قرار بگیرند. حرکت کشورها و شرایط آن‌ها یکسان نبوده و نتایج آن نیز متفاوت بوده است. اقتصاد ایران ریشه در رقابت قدرت‌های غربی داشته است، شکست‌های ایران از روس‌ها در دوران قاجار و تحمیل عهدنامه‌های گلستان و ترکمن چای، اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ توسط متفقین و صدها امتیاز دیگر برای بیگانگان بر شرایط فعلی جامعه تأثیر گذار بوده است. انقلاب ۱۳۵۷ مردم بیانگر این واقعیت بود که مردم نقطه‌ی قوت و یا امیدی در رژیم پهلوی نمی‌دیدند. در دیدگاه خرد، اقتصاد کشور مثل تورم، کمبود مسکن و مشکلاتی از این نوع که بخش‌های زیادی را متأثر نموده شاید برخی نتایج رضایت بخش نباشد، لکن در دید کلان و درازمدت برنامه‌ریزی‌های کلان مانند استقلال اقتصادی، کاهش صادرات نفتی، کارهای عمرانی و زیربنایی، رشد علمی بالا، کاهش وابستگی و عدم توقف و پیشرفت مستمر؛ دستاوردها رضایت بخش بوده است.

ترکیب جوان سنی جمعیت کشور طی سه دهه اول انقلاب در کوتاه مدت هزینه‌های آموزشی و به طور کلی هزینه‌های به

^{۸۴}- پیترا. برگر، اصول سکولاریسم؛ دین خیزشگر، سیاست جهانی، ترجمه افشار امیری، (تهران: مازیار، ۱۳۸۰)، ص ۲۵.

^{۸۵}- روزنامه کیهان، ۱۰ شهریور ۱۳۷۲.

^{۸۶}- عصام العمد، ماهنامه معارف، (مرداد و شهریور ۱۳۸۷)، شماره ۸۵، ص ۱۰.

عرصه رساندن جوانان را بالا می‌برد و در بلند مدت جمع کثیری از آنان را در برابر بازار اشتغال، مسکن و ازدواج قرار می‌دهد. از سویی تغییر ترکیب مکانی جمعیت از روستا به شهر باعث رشد شتابنده ساکنان شهرها پس از ۱۳۵۷ گردید.^{۸۷} شرایط نابسامان ابتدای انقلاب به دلیل موقعیت خاص زمانی و نیز دوران جنگ، تمام تلاش‌های دولت را به تأمین نیازهای اولیه زندگی مردم در شرایط جنگ معطوف می‌کرد، لذا با کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش جمعیت، افزایش مصرف و... از سوی دیگر افزایش نرخ سواد، سطح فرهنگ عمومی و فرهنگ جدید سیاسی بر حجم توقعات می‌افزود و این در حالی بود که فروش نفت از ۷ میلیون بشکه در زمان پهلوی به ۲ میلیون بشکه در روز رسید ولی جمعیت دو برابرین شده است.

برای مقایسه منطقی کشورها با یکدیگر باید واقعیات کشورهای مختلف به ویژه بسترها و زمینه‌های آن را بررسی کرد. ایران از نظر ترکیب جمعیتی، جزء ده کشور با کثرت قومیتی با وجود پنجاه زبان و لهجه و شش قومیت رسمی، با گسترش قومیتی غیر فارس در ده استان عمدتاً مرزی است که حدود هشت هزار کیلومتر مرز با کشورهایایی دارند که قرابت‌های زیادی با شهرهای مرزی دارند. دشمن همواره با طرح مسئله ناسیونالیسم از جنبه منفی آن یعنی؛ همان اومانیسم نژادی در مقابل معیارهای مذهبی و بهره‌گیری از ترپان عربیسم، پان ترکیسم، پان ایرانیسم تفکر تجزیه‌طلبی را دنبال کرده است همان طور که امپراطوری بزرگ عثمانی را با تفرقه‌افکنی بین جوانان ترک و عرب متلاشی کرد طرح «ریگا» توسط آمریکایی‌ها در راستای بهره‌برداری از شکاف‌های قومیتی و تجزیه طلبی در همین راستا عملیاتی شد. دشمن همواره بحث کردستان بزرگ، آذربایجان بزرگ و بلوچستان مستقل را مطرح کرده تا ثبات و امنیت ایران را برهم بزند دشمنان با تشکیل گروه‌های مسلح در این مناطق به تحریکات قومی همواره دامن زده‌اند مانند حزب تروریستی دموکرات، کومله و پژاک در کردستان و مناطق آذری‌نشین، در سیستان نیز با تحریک مولوی‌ها، اشرار و خوانین به ایجاد حزب اتحاد مسلمین، جبهه آزادی بخش بلوچستان، گروه جند الشیطان و در ترکمن صحرا جنبش ملی مجاهدین و چریک‌های فدایی خلق همواره تجزیه طلبی مسلحانه را دنبال کرده‌اند و هزاران انسان بی‌گناه را از بین بردند. «میشل فوکو» راه حل تسلط بر ایران را لائتیسسه کردن و تأکید بر ملی‌گرایی می‌داند، «ریچارد رورتی» از پدران انقلاب مخملی نیز معتقد است ملی‌گرایی، تنها پادزهر در مقابل اسلام‌گرایی است. تأسیس صدها رادیو و شبکه ماهواره‌های فارسی در همین راستا بوده است، در سال‌های اخیر حدود سیصد نشریه دانشجویی با گرایش‌های قومی فعال بوده‌اند و بیش از چهل هزار سایت به تحریک قومیت‌ها می‌پردازد. حال درمقایسه با کشوری مثل ژاپن و انگلیس که تقریباً جمعیتی یکسان به لحاظ قومی و مذهبی دارند از مسایل و معضلات دشمن ساخته ناشی از آن فارغ هستند.

محدودیت دیگری که کشور با آن مواجه است **وضعیت جغرافیایی** است. علی‌رغم این که کشور ما دارای منابع فراوان زیر زمینی و موقعیت استراتژیک است، لکن این وضعیت همواره موجب طمع بیگانگان و در نتیجه استعمار و استثمار کشور شده است. علاوه بر این فرهنگ گسترده مصرف‌گرایی باعث هدر رفتن بخش زیادی از این منابع می‌شود به عنوان نمونه ایران دومین ذخایر گاز جهان را دارد ولی سومین مصرف‌کننده بزرگ گاز در جهان می‌باشد. و معادل بیست و پنج کشور اروپایی گاز مصرف می‌کند. ایران به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، یکی از ده کشور خشک یا نیمه خشک جهان محسوب می‌شود.^{۸۸} متوسط ریزش باران در ایران ۲۵ سانتی‌متر در سال می‌باشد در حالی که در سطح دنیا متوسط بارندگی ۹۰ سانتی‌متر در ژاپن ۱۶۰ سانتی‌متر و در اروپای غربی ۱۸۰ سانتی‌متر و در انگلستان ۲۰۰ سانتی‌متر می‌باشد.^{۸۹}

مسئله‌ی بعدی که ایران در این زمینه با آن مواجه است **وضعیت مرزی** کشور است، طول مرزهای ایران با عراق ۱۶۰۹، ترکیه ۴۸۶، ترکمنستان ۱۲۰۶، آذربایجان ۷۶۷، ارمنستان ۶۰، افغانستان ۹۴۵، پاکستان ۹۷۸ و مرزهای جنوبی نیز ۲۰۴۳ کیلومتر می‌باشد.^{۹۰} بی‌ثباتی همسایگان، روابط کشورهای همسایه با دشمنان ایران و حضور ناتو و آمریکا در این کشورها، تعارضات شدید ایدئولوژیک، ناهمگونی ساختار سیاسی همسایگان، عقب ماندگی آن‌ها و در نتیجه مهاجرت دهی آنها به ایران از جمله مواردی است که برای کشور ما رهاوردی جز تهدید و ناآرامی نداشته است، افغانستان به عنوان کشوری که

^{۸۷} -نوریا بادالووراس، وضعیت جهان سوم در آستانه عصری نو، ترجمه سیروس سهامی، (تهران: چاپخش، ۱۳۸۵)، ص ۴۷۶.

^{۸۸} -مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۱، (تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲)، ص ۳.

^{۸۹} -فتح‌الله سعادت و امیر هوشنگ امینی، جغرافیایی اقتصادی ایران، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰)، صص ۸۵-۵۵.

^{۹۰} -مرکز آمار ایران، پیشین، ص ۱۰.

بیش از ۹۰ درصد مواد مخدر جهان را تولید می‌کند نزدیک به هزار کیلومتر با ایران مرز دارد، که هزینه های فراوانی را برای کشور ایجاد می‌کند. ترکیه به عنوان همسایه ایران در اقمار غرب قرار دارد، عضو ناتو و دارای روابط استراتژیک با اسرائیل است که همواره مباحث پان ترکیسم در آن کشور مشکلات زیادی برای ما ایجاد کرده است. عربستان به خاطر الهام بخشی ایران تعارضات جدی با ما دارد و برای ارتقاء نقش خود به رهبری جهان اسلام میلیاردها دلار علیه ایران هزینه می‌کند. از سویی شیعیان ۱۵ درصد از کل مسلمانان جهان اسلام را تشکیل می‌دهند که برای رهبری جنبش اسلامی توسط ایران محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. حدود ۴۷ کانون بالقوه تنش در اطراف ایران و کشورهای همجوار وجود دارد که بر مسایل مختلف جمهوری اسلامی ایران به شدت تأثیر گذار است؛ این موقعیت جغرافیایی و مرزی در مقایسه با کانادا، ژاپن، انگلیس و بسیاری از کشورها که یا فاقد مرزهای خشکی و مشکلات آن می‌باشند و یا با کشورهای توسعه یافته هم مرز هستند، بیانگر نوع فرصت‌ها و یا تهدیداتی است که برای یک کشور، در مسیر رشد و توسعه ایجاد می‌کند.

در این جا با چند مورد مقایسه اهمیت موضوع را بیشتر نمایان می‌سازیم؛ عربستان با جمعیتی ۲۱ میلیون نفری شش برابر ایران نفت صادر می‌کند، به عبارتی سهم هر تبعه عربستان از نفت صادراتی، حدود ۱۴ برابر هر ایرانی است ولی با این حال ۷۰ درصد مردم عربستان فاقد مسکن هستند و نرخ بیکاری در این کشور ۳۲ درصد است. با توجه به این که صادرات ۶ میلیونی نفت به ۲ میلیون بشکه رسیده و با احتساب دو برابر شدن جمعیت در نتیجه سهم هر نفر از میزان صادرات نفت به کمتر از یک چهارم کاهش می‌یابد. برخی نیز با مشاهده رشد ساختمان سازی و تجارت در امارات دچار توهم می‌شوند در حالی که وسعت ایران بیست برابر و جمعیت ایران حدود هفتاد برابر امارات متحده عربی است، میزان صادرات نفت آن کشور حدود ۳ میلیون بشکه در روز یعنی بیشتر از ایران می‌باشد، به عبارتی سهم هر اماراتی از نفت صادراتی حدود هشتاد برابر سهم هر ایرانی است و به عبارت دیگر سهم هر اماراتی از نفت صادراتی در هر سال معادل سهم هر ایرانی در طول هشتاد سال عمر خود است کما این که امارات در عرصه بین‌المللی، تأثیر، نفوذ، اعتبار، توانایی‌های نظامی و ایدئولوژیک ندارد و به هیچ وجه قابل مقایسه با ایران نمی‌باشد و هیچ کدام شرایط بحرانی، جنگ و تحریم‌هایی مانند ایران را تجربه نکرده‌اند. آمریکایی‌ها برای مبارزه با الگوی جمهوری اسلامی ایران با حمایت همه جانبه به رشد و توسعه امارات متحده عربی و ترکیه کمک کردند تا مسیر سایر کشورهای اسلامی را به نمونه‌هایی با ظاهر پیشرفته ولی سکولار و وابسته هدایت کنند، تقویت سنگاپور و کره جنوبی هم برای مبارزه با الگوی چین و نظام کمونیستی صورت گرفت. منابع عظیم نفت و گاز نیز از موضوعاتی است که سبب افزایش توقعات می‌شود، در حالی که درآمدهای کشور از این حوزه‌ها چندان نمی‌باشد، مثلاً روسیه ۲۸ درصد گاز جهان و ۲۳ درصد از بازار گاز جهان را در اختیار دارد و ایران به عنوان دومین دارنده منابع گازی جهان (۱۴ درصد)، کمتر از یک درصد بازار جهانی گاز را دارد، که ناشی از شرایط انقلاب و اوضاع سیاسی و تحریم بوده است. کشورهایی چون کانادا و نروژ که هر کدام ۳/۴ درصد گاز جهان را دارند. ۱۰ درصد بازار گاز جهان را نیز در اختیار دارند. از سویی در ایران مصرف بسیار بالاست در ایران ۳۰ درصد زباله تهران را مرغ و گوشت شامل می‌شود ولی در انگلیس ۲ درصد را شامل می‌شود، مصرف انرژی نیز در ایران هشت برابر اروپاست در حالی که الگوی مسکن در ایران ۱۰۰ متر است، در ژاپن ۳۵ متر و در آمریکا ۵۵ متر است. حال فرض کنیم که درآمد متوسط ۴۰ میلیارد دلاری نفت در سال صرف هیچ یک از ضروریات کشور مثل دفاع، امنیت، عمران و آبادانی و آموزش و درمان و سایر امور نشود و مستقیم بین مردم تقسیم گردد، با احتساب هزینه‌های استخراج و صادرات نفت سهم هر ایرانی از درآمد نفت ماهیانه کمتر از ۴۰ هزار تومان می‌شود. پرداخت سالانه ۴۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه آشکار و پنهان، حقوق ۸/۵ میلیون نفر کارمند و بازنشسته، بودجه آموزش، بهداشت و عمران نیز از دیگر هزینه کردهاست. تنها روزانه درآمد ناشی از فروش ۵۰۰ هزار بشکه نفت صرف یارانه سوخت می‌شود! برخی نیز بر این نظرند که ژاپن نیز بعد از جنگ جهانی شروع به سازندگی کرد و امروز به سطح بالای توسعه دست یافته است، این در حالی است که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به موجب طرح «مارشال» برای مبارزه با کمونیسم سرمایه گذاری‌های کلانی را در ژاپن و آلمان انجام داد. از سویی ژاپن در گذشته نه تنها مستعمره نبود بلکه یک استعمارگر فعال بود. ژاپن تا سال ۱۹۴۱ بعد از قرارداد دوستی با آلمان و ایتالیا، یک رشته پایگاه‌های نظامی در هند و چین به دست آورد و در سال ۱۹۴۱ فیلیپین را مورد هجوم قرار دادند همچنین موفق به تسخیر سنگاپور شدند. در ۱۹۴۲ فیلیپین، مال، هند شرقی، گینه

نو، جزایر آلتوسین و بیرمانی را نیز تصرف کردند^{۹۱}. بنابراین ژاپن سابقه استعمارگری گسترده‌ای داشته و از سویی بعد از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون با هیچ گونه جنگ و شورش داخلی و خارجی مواجه نبوده؛ دوری از کانون‌های تنش‌زا، نداشتن مرز خاکی با دیگر کشورها، بارندگی فراوان، جمعیت یک دست به لحاظ مذهبی و قومی و در عین حال پر کار و قانع فرصت‌های مناسبی در اختیار ژاپن قرار داده است. در عین حال طبق آمار سالانه حدود ۳۲ هزار نفر در ژاپن خودکشی می‌کنند و یک‌سوم نیروی کار این کشور به صورت پاره وقت اشتغال دارند و در فقر به سر می‌برند و دومین بدهکار جهان است، ده‌ها وب سایت با دادن اطلاعات و توصیه‌هایی درباره خودکشی مشغول تجارت در ژاپن هستند^{۹۲}. این کشور فاقد استقلال است به نحوی که پنج نخست وزیر طی چند سال اخیر با شعار اخراج آمریکایی‌ها از ژاپن به قدرت رسیدند ولی نتوانستند آمریکایی‌ها را از ژاپن اخراج کنند و آمریکایی‌ها نیز در آنجا به جنایت و تجاوز به زنان ژاپنی ادامه می‌دهند در حالی که دولت ژاپن بخش عمده‌ای از هزینه آن‌ها را پراخت می‌کنند! حتی در کشوری مانند فرانسه که سال‌ها به استعمار و استثمار ملت‌ها پرداخت و ثروت هنگفتی را نیز به دست آورد به گزارش شبکه پنج تلویزیون آن کشور نزدیک به یازده میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و در آمریکا نیز به گزارش اداره آمار آن کشور بیش از ۶۰ میلیون نفر زیر خطر فقر و با درآمدی روزانه کمتر از ۷ دلار زندگی می‌کنند و به عبارتی از هر ۵ نفر یک نفر فقیر می‌باشد^{۹۳}. و طبق اعلام بانک مرکزی انگلیس (که ۳۰۰ سال کشورهای جهان را غارت کردند و نزدیک به یکصد میلیون نفر را کشتند) ۸۰ درصد خانواده‌ها کمتر از ۵۰۰ پوند پس انداز دارند و ۲۰ درصد مردمش در فقر مطلق زندگی می‌کنند! نکته مهم آنست که قدرت خرید مردم علی‌رغم تحریم‌های گسترده و خصومت‌های غرب و کاهش منابع درآمدی و کاهش فروش نفت به کمتر از یک سوم در مقایسه با دوره پهلوی و افزایش دینیم برابری جمعیت، چند برابر شده است. در حالی که در سال ۵۶ با حقوق ۸ سال یک کارمند یا کارگر می‌شد یک خودرو خرید در سال ۹۶ با حقوق یکسال می‌شد یک خودرو تهیه کرد یا با حقوق روزانه یک کارگر یا کارمند (ماهانه میانگین ۲۵۰ تومان) می‌شد روزانه ۶ لیتر بنزین یا ۲۵ نان سنگک خرید، امروز می‌توان با حقوق روزانه یک کارگر یا کارمند روزانه ۱۵۰ لیتر بنزین یا ۲۰۰ نان خرید و این به معنای افزایش قدرت خرید، علی‌رغم موانعی است که کشور با آنها مواجهه است و پهلوی هیچکدام از موانع کنونی را نداشته است. علم و توسعه لازم و ملزوم هم هستند و انقلاب اسلامی زمینه بهره‌گیری از آن را فراهم ساخت و ظرفیت‌های لازم برای پیشرفت را ایجاد کرد.

در عرصه کشاورزی انقلاب اسلامی دستاوردهای چشمگیری داشته است، علی‌رغم این که ایران جزء ده کشور خشک جهان است. کشاورزی ایران علی‌رغم حاکمیت شیوه ارباب رعیتی تا قبل از دهه ۱۳۴۰ احتیاجات غذایی و کشاورزی خود را تأمین می‌کرد که بعد از اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ و ۵۰ به دلیل سیاست‌های رژیم و برنامه‌های استعمارگران سهم تولید کشاورزی در تولید ملی که قبل از دهه ۴۰ بیش از ۴۰ درصد بود در سال ۵۴ به ۱۰ درصد کاهش یافت^{۹۴}. سهم کشاورزی بعد از انقلاب از تولید ناخالص داخلی از ۱۰/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۶۵ رسید^{۹۵}. تولید گندم در سال ۱۳۵۷ کمتر از ۴ میلیون تن بود که در برخی سالها به ۱۴ میلیون تن رسید و مازاد آن نیز صادر شد در حالی که جمعیت کشور دو برابر شده بود. ایران در مجموع در تولید گندم و مواد لبنی در ۱۰ رتبه نخست دنیا قرار دارد، میزان تولید زراعی ایران در سال ۵۸ حدود ۲۴ میلیون تن بود که امروز به فراتر از ۱۰۱ میلیون تن رسیده است^{۹۶}. در سال ۵۷ حدود ۷ هزار کارخانه تولید مواد غذایی در کشور فعال بوده که در سال ۱۳۹۰ به حدود ۸۰ هزار کارخانه رسیده است و تولید مرغ که در سال ۵۶ حدود ۱۶۰ هزار تن بود، در سال ۱۳۹۶ به ۲ میلیون تن رسیده است و این در حالی است که جمعیت کشور دو برابر شده و الگوی مصرف نیز چند برابر شده است به عنوان نمونه هر ایرانی به طور متوسط در سال ۴ کیلوگرم برنج مصرف می‌کرد که امروز به

^{۹۱}- عزت الله عزتی، ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، چ دوم، ص ۴۴.

^{۹۲}- رونامه جام جم، شماره ۲۳۰۲، ۲۱ خرداد ۱۳۸۷، ص ۱۹.

^{۹۳}- ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۵، (آذر ۱۳۸۶)، ص ۲.

^{۹۴}- عبدالرضا رکن الدین افتخاری و علی دینی ترکمانی، اقتصاد ایران، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۱)، ص ۱۲۵.

^{۹۵}- اداره آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۷۱، ص ۶۰۳.

^{۹۶}- روزنامه کیهان، شماره ۱۹۳۰۰، ۲۲ بهمن ۱۳۸۷، ص ۱۴.

بیش از ۵۰ کیلوگرم رسیده است. سازمان «سیا» طی گزارشی درصد جمعیت زیر خط فقر ایران را با پرتغال برابر و فقط ۴ درصد از انگلیس بالاتر اعلام و آن را از ترکیه، هند و آرژانتین کمتر دانسته است.^{۹۷} و طبقه متوسط نسبت به دو طبقه فرادست و فرودست رشد بالایی داشته است.

در بخش عمران، سازندگی و صنعت نیز کشورمان بعد از انقلاب اسلامی جهش بزرگی داشته است. در بخش سد سازی ایران امروز دومین سد ساز بزرگ جهان بعد از چین می‌باشد، تعداد سدهای کشور در سال‌های پیش از انقلاب فقط ۱۳ سد بود و امروز به ۶۰۰ سد رسیده است. سد کرخه که با یک سوم قیمت در مقایسه با پیمانکاران خارجی ساخته شده است بزرگ‌ترین سد خاوری میانه و ششمین سد طویل جهان است.^{۹۸} که توسط نیروهای مهندسی سپاه ساخته شد.

در **صنعت گاز** نیز اکنون قریب به ۷۰ میلیون نفر از گاز طبیعی بهره‌مند هستند. در حالی که در دوران پهلوی ۵ شهر کشور از گاز طبیعی برخوردار بود. در **صنعت مخابرات** جمهوری اسلامی ایران در زمره ۵ کشوری است که در سال‌های اخیر در زمینه توسعه شبکه مخابراتی بیشترین حجم توسعه را داشته است و باعث کسب لوح تقدیر از سازمان یونسکو به عنوان پیشتاز توسعه شبکه مخابراتی در جهان شده است. ۱۳۵۷ با وجود ۲ هزار مستشار خارجی در بخش مخابرات، کشور از ۸۵۰ هزار خط تلفن ثابت برخوردار بود بعد از انقلاب در فضای جنگ داخلی تنها ظرف سه سال به اندازه کل دوران پهلوی تلفن واگذار شده است.^{۹۹}

استاد به آمار و ارقام فوق با توجه به این که کشور یک شرایط طبیعی را طی نکرده و تا سال ۱۳۷۰ درگیر توطئه‌های مختلف و جنگ تحمیلی بوده است و در واقع کشور از این سال به بعد آغاز به سازندگی نمود، آن هم در شرایطی که کشور آسیب‌های جدی از جنگ تحمیلی متحمل شده بود و تحریم‌های گسترده‌ای علیه کشور در جریان بود، قابل توجه است زیرا؛ این دستاوردها در یک شرایط عادی حاصل نشده است. از طرفی بسیاری از کشورهای جهان که بعد از جنگ جهانی دوم استقلال خود را به دست آوردند هنوز در حل ابتدایی‌ترین مشکلات و مسایل خود در مانده‌اند. سخن حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر خدمت به مستضعفین حاکی از روح خدمت‌گذاری است که از اهداف انقلاب اسلامی می‌باشد این نکته حائز اهمیت است که هیچ‌گاه وعده‌های اقتصادی حضرت امام خمینی(ره) نبود که مردم را به خیابان‌ها می‌کشاند کما این که در شعارهای مردم نیز چنین چیزی مشاهده نمی‌شود. اما حضرت امام خمینی(ره) از باب خدمت‌رسانی به مردم و علاقه‌ای که به مستضعفین داشتند، همواره بر خدمت نسبت به این قشر تأکید می‌کردند کما این که ایشان در ماه‌های اول انقلاب برای رفع محرومیت از مناطق محروم دستور تشکیل جهاد سازندگی ۵ ماه بعد از انقلاب، کمیته امداد ۲۲ روز بعد از انقلاب و بنیاد مستضعفان را ۱۷ روز بعد از انقلاب صادر نمودند زیرا ساختارها و تأسیسات لازم برای خدمات‌رسانی به نیازمندان وجود نداشت، و امام(ره) وعده ایجاد کمیته امداد، بنیاد مستضعفان و... را نداده بود. از ۶۵ هزار روستای کشور که نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت کشور در آن ساکن بودند تنها ۵ هزار روستا از آب و برق برخوردار بودند لذا ابتدا تأسیسات زیربنایی آن ایجاد می‌شد. دولت خدمات خود را در عرصه‌های دیگر نیز با دادن یارانه‌های فراوان مانند بیمه روستایی، یارانه بنزین، نان، انرژی و... ارایه می‌کند. و اگر نبود شرایط بحرانی، آشوب‌ها، هزینه هزار میلیارد دلاری جنگ تحمیلی، تحریم‌ها و کارشکنی‌های دشمنان این خدمات به نحو بهتری ارایه می‌شد. ماجرای آب و برق رایگان نیز از این قرار است که عباس امیر انتظام سخنگوی دولت بازرگان اعلام کرد برای کم‌درآمدها آب و برق مجانی می‌شود. لذا لایحه آب و برق مجانی را اول بار دولت بازرگان تصویب و وعده داد. (روزنامه کیهان ۸ بهمن ۱۳۵۷) چند روز بعد از این وعده امام خمینی(ره) در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ این وعده را تصحیح و تکمیل نمودند: «علاوه بر این که زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشود، زندگی معنوی شما را می‌خواهیم مرفه کنیم، شما به معنویات احتیاج دارید، دلخوش به این نباشید که تنها مسکن بسازیم، آب و برق را برای طبقه مستمند مجانی کنیم، دلخوش به این مقدار نباشید، این قدر دنیا را پیش شما جلوه دادند که خیال کردید همه چیز این است».^{۱۰۰}

^{۹۷}- روزنامه کیهان، ۳۱ خرداد ۱۳۸۸، ص ۱۴

^{۹۸}- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۶۳۲، اردیبهشت ۱۳۸۰.

^{۹۹}- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارتباطات در انقلاب اسلامی، بی‌تا، ص ۵۹.

^{۱۰۰}- صحیفه نور، ج پنجم، ص ۱۲۷.

در عرصه صنعت و خدمات مهندسی سهم صادرات صنعتی و معدنی از صادرات غیر نفتی را از ۲۸/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸۷ درصد در سال ۱۳۸۷ به دنبال داشته است. امروز بیش از ۸۰ هزار واحد صنعتی محصولات خود را به ۴۰ کشور صادرات می‌کند و رقم این صادرات به ۳۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد. تنها در سال ۱۳۸۷ سه میلیارد دلار خدمات فنی و مهندسی صادر شد. تولید فولاد از حدود ۳۷۰ هزار تن در ابتدای انقلاب به ۳۰ میلیون تن رسید و تولید سیمان از ۶/۲ میلیون تن به ۱۰۰ میلیون تن رسیده است.^{۱۰۱} امروز کشور به ۲۰۰ صنعت مهم دست یافته است.

در ارتباط با شاخص‌های توسعه نهادهای بین‌المللی هر ساله آمارهایی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و انسانی ارائه می‌دهند. صندوق بین‌المللی پول با پیش‌بینی شاخص‌های کلان اقتصادی کشور در سال ۲۰۰۸ جمهوری اسلامی ایران را همچنان به عنوان دومین قدرت بزرگ اقتصادی منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی اعلام نمود، براساس گزارش «چشم‌انداز اقتصادی خاورمیانه و آسیای مرکزی»، تولید ناخالص داخلی ایران در ۲۰۰۷ به ۲۹۴/۱ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۸ به ۳۶۴/۵ میلیارد دلار رسید، براساس این گزارش ایران به عنوان دومین قدرت اقتصادی در میان سی کشور منطقه باقی خواهد ماند.^{۱۰۲} این صندوق همچنین اعلام نمود که ایران از لحاظ قدرت برابری خرید بزرگ‌ترین اقتصاد خاورمیانه و آسیای مرکزی را دارد.^{۱۰۳} در گزارش دیگر صندوق بین‌المللی پول آمده که ایران با پشت سرگذاشتن استرالیا و با یک پله صعود هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان تا سال ۲۰۱۳ میلادی خواهد بود، براساس این گزارش تولید ناخالص داخلی ایران براساس قدرت خرید در سال ۲۰۰۷ به ۷۵۲ میلیارد دلار رسید که در نتیجه ایران در آن سال به عنوان هجدهمین اقتصاد بزرگ دنیا شناخته شد.^{۱۰۴}

شاخص‌های رشد توسعه انسانی و فقر نیز از مؤلفه‌هایی است که توسط نهادها و سازمان‌های بین‌المللی اعلام می‌شوند و قابل توجه می‌باشند. براساس معیارهای فقر در آمدی، از ۶ میلیارد نفر جمعیت جهان، ۲/۸ میلیارد نفر با درآمد کمتر از ۲ دلار و ۱/۲ میلیارد نفر با درآمد روزانه کمتر از ۱/۲ دلار زندگی می‌کنند براساس گزارش سازمان توسعه ملل متحد رشد ایران در میان ۱۰۴ کشور از نظر شاخص فقر انسانی (HDI) رتبه ۳۵ می‌باشد.^{۱۰۵} مصرف ۲ هزار کالری که حدود ۱ تا ۲ دلار در روز برای هر کس می‌باشد خط فقر را تعریف می‌کند. بنابر گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۳۸۶ ایران رتبه شانزدهم جهان را بین ۱۷۷ کشور جهان از نظر سرعت توسعه یافتگی با شاخص‌هایی چون فقر، امید به زندگی، کیفیت نظام آموزشی و... به دست آورده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود علی‌رغم تمام محدودیت‌ها، تحریم‌ها، جنگ تحمیلی، کارشکنی‌ها و تجربه بیست ساله انقلاب در امر توسعه شرایط مطلوب برآورده شده، لکن از وضعیت ایده آل فاصله داریم. گسترش طبقه متوسط در کنار کاهش طبقات فرو دست و فرادست و توزیع جغرافیایی امکانات علمی، پزشکی، عمرانی و... نیز شاخص گسترش عدالت می‌باشد.

دستاوردهای علمی: غرب بیش از دو قرن است که مسیر صنعتی شدن را آغاز نموده است و ایران در این مقطع گرفتار استعمار و استبداد و وابستگی به قدرتها بوده است. بعد از انقلاب و رهایی از استعمار و استبداد علی‌رغم تحریم، جنگ و مانع تراشی‌های دشمنان رشد علمی کشور چشمگیر و ۱۴ برابر متوسط رشد جهانی شده است. میزان باسوادی کشور در دوران پیش از پیروزی انقلاب حدود ۴۷/۵ درصد بوده است که این نرخ امروز به حدود ۹۰ درصد می‌رسد. رشد باسوادی در کشور باعث شده است که دیپلم و جایزه «نوما» از یونسکو در سال ۱۳۶۹ و جایزه «مالکوم آدیسه شیا» را در سال ۱۳۷۸ دریافت نماییم.^{۱۰۶} در سال ۱۳۵۷ شمار دانش‌آموزان به ۲/۳ میلیون نفر و تعداد دانشجویان به ۱۵۴ هزار نفر می‌رسید، طبق آمار ایران در زمینه تحصیلات عالی از ضعیف‌ترین کشورهای خاورمیانه بود و کمتر از ۴۰ درصد کودکان کشور دوره دبستان را به پایان می‌رساندند.^{۱۰۷} و امروز جمعیت دانشجویی کشور به بیش از ۴/۵ میلیون نفر و تعداد دانش‌آموزان نیز بین ۱۵ تا ۱۹

۱۰۱- روزنامه کیهان، شماره ۱۹۲۹۹، ۲۱ بهمن ۱۳۸۷، ص ۴.

۱۰۲- روزنامه ایران اقتصادی، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۲.

۱۰۳- روزنامه ایران اقتصادی، ش ۳، ۴۰۰۸ شهریور ۱۳۸۷، ص ۸.

۱۰۴- روزنامه کیهان، ۲۴ فروردین ۱۳۸۷، ص ۴.

۱۰۵- روح‌الله حاجی زاده، «بیداد فقر در هزار سوم»، روزنامه ایران، ۲۲ فروردین ۱۳۸۷، ص ۱۳.

۱۰۶- سازمان نهضت سوادآموزی، گزارشی از وضعیت سوادآموزی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸، ص ۳۹.

۱۰۷- جمعی از نویسندگان، پیشین، ص ۱۲۳.

میلیون نفر در نوسان است، یعنی با وجود این که تعداد جمعیت دو برابر شد. لکن تعداد دانش‌آموزان به حدود ۹ برابر و تعداد دانشجویان نیز به بیش از ۲۰ برابر افزایش یافته که بیانگر توجه جمهوری اسلامی ایران به این مقوله است. تعداد دانشگاه‌ها نیز از ۴۷ دانشگاه در سال ۱۳۵۶ به حدود ۸۰۰ دانشگاه افزایش یافته است. این تحول و توجه به عرصه علم و دانش موجب شده است که دانش‌آموزان و دانشجویان کشور بتوانند در عرصه‌های علمی دستاوردهای زیادی را کسب نمایند، و رتبه‌های تک‌رقمی را در المپادهای علمی بدست آورند. فقط در سال ۸۶ بیش از هفت هزار اختراع به ثبت رسیده است. همچنین کسب رتبه اول و نیز سوم در المپیاد نجوم توسط جمهوری اسلامی ایران و کسب رتبه‌های اول تا سوم در مسابقات روبوکاپ آزاد سال ۲۰۰۸ که با حضور ۳۱۲ تیم با گرایش‌های مختلف برگزار شد^{۱۰۸} از دیگر افتخارات دانشجویان و دانش‌آموزان ایرانی است. در مجموع ۱۲۰ مدال در رقابت‌های ریاضی به دست آمده است.^{۱۰۹} و این در حالی است که در دوران پهلوی با آن همه وابستگی هیچ‌گاه در المپیادها مقامی به دست نیاوردیم.

دستیابی به علوم استراتژیک که بستر رشد همه علوم است و در انحصار چند کشور است از مهمترین شاخصه‌های توسعه و اقتدار محسوب می‌شود. این دانش‌ها عبارتند: از دانش هسته‌ای، سلول‌های بنیادین و پزشکی، دانش IT و فناوری اطلاعات، نانو تکنولوژی، دانش هوا فضا- ماهواره و دانش سلاح‌های پیشرفته و به ویژه توانایی‌های موشکی، جمهوری اسلامی ایران امروز در زمره‌ی چند کشوری می‌باشد که به این علوم دست یافته است، با این تفاوت که این کشورها ده‌ها سال است با همکاری یکدیگر به این علوم دست یافته‌اند و از مزایای آن بهره می‌برند، لکن جمهوری اسلامی ایران در ابتدای بهره‌گیری از این علوم است و آثار آنها هنوز در جامعه خیلی ملموس نمی‌باشد و این در حالی است که کشور همواره در تحریم بوده است و حتی سیم‌خاردار را در زمان جنگ به ما تحویل نمی‌دادند. به گزارش امریکن اینترست جمهوری اسلامی ایران امروز هفتمین قدرت جهان در علم و تکنولوژی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران هفتمین کشور جهان است که به فن-آوری و دانش کامل چرخه سوخت هسته‌ای بدون اتکاء به دیگر کشورها دست یافته است. ساخت مجتمع عظیم UCF اصفهان، مجتمع غنی‌سازی نطنز، کارخانه‌ی آب سنگین اراک باعث شده ایران در ردیف ۵ کشور برتر در این زمینه‌ها باشد.

در عرصه دانش **سلول‌های بنیادی** و پزشکی دستاوردهای کشور بسیار قابل توجه می‌باشد. سلول‌های بنیادین، سلول‌هایی هستند که بعد از لقاح، مسئول ایجاد اعضای بدن می‌شوند. استفاده از این سلول‌ها جهت ترمیم اعضای آسیب دیده انسان است و بسیاری از بیماری‌ها را می‌توان با آن درمان نمود؛ جمهوری اسلامی ایران در زمینه دانش سلول‌های بنیادین رتبه دهم جهان را دارد. دانشمندان کشورمان در این رابطه موفق به تولید گوسفند شبیه سازی شده «رویانا» و نیز شبیه سازی موش، درمان ضایعات نخاعی، درمان افراد نابینا شده‌اند، جمهوری اسلامی ایران و انگلستان هم زمان به این دانش دست یافته‌اند. در زمینه پزشکی در دوران طاغوت ۱۵ هزار پزشک در کشور وجود داشت و ۳۸۰۰ پزشک خارجی در کشور حضور داشتند در حالی که امروز بیش از ۲۴۰ هزار پزشک در رشته‌های مختلف در کشور وجود دارند. در دوران پیش از انقلاب به دلیل کمبود امکانات از هر هزار تولد ۱۲۰ کودک فوت می‌کرد و امروز به ۱۰ مورد کاهش یافته است، که سازمان بهداشت جهانی دوبار ایران را به عنوان موفق‌ترین کشور در کاهش مرگ‌ومیر تشویق نموده است امید به زندگی نیز از ۵۵ سالگی در پیش از انقلاب به ۷۴ سالگی رسیده است، همچنین تمام مردم از خدمات بیمه‌ای بهره‌مند هستند. در زمینه ساخت برخی داروهای پزشکی علاوه بر خود کفایی بیش از ۹۷ درصدی در ساخت انواع داروها، ساخت برخی داروها و درمان‌ها نیز در انحصار ایران و برخی کشورهای بسیار پیشرفته قرار دارند از جمله: داروی کنترل و درمان بیماری ایدز (آیمود)، درمان زخم‌های ناشی از دیابت (آنژی پارس)، سرطان پوست و کبد، MS، ضایعات نخاعی، درمان عوارض سکت قلبی (TPA)، بیویمپلنت‌ها (بافت‌های مصنوعی)، فاکتور هفت، ام‌اس، ایران همچنین جزء هفت کشور دارنده پیشرفته‌ترین تکنولوژی چشم پزشکی در جهان می‌باشد. انحصار ساخت ربات جراح (داونچی) آمریکا نیز با ساخت ربات جراح ایرانی (سینا) نیز شکسته شد. امروز از ۵۵ کشور برای توریسم درمانی وارد ایران می‌شوند و در دوره پهلوی باید پزشک عمومی هندی وارد می‌کردیم!

۱۰۸- روزنامه ایران، ۱۸ فروردین ۱۳۷۸، ص ۲ و ۲۸ مرداد ۱۳۸۷، ص ۱.

۱۰۹- هفته‌نامه صبح صادق، شماره ۳۶۱، ۱۴ مرداد ۱۳۸۷.

نانو تکنولوژی نیز دانشی پر کاربرد در همه رشته‌ها می باشد است که با دستکاری اتم‌ها و تولید مواد در سطح اتمی و مولوکولی ارتباط دارد. با دانش نانو می‌توان بیماری‌ها مهلک و حتی پیری را کنترل کرده و برخی از حیوانات منقرض شده مانند دایناسورها را احیا کرد، ساخت ابررایانه‌هایی با سرعت میلیاردها برابر کامپیوترهای امروزی، تأمین غذا و میوه مورد نیاز صدها میلیون نفر در یک هکتار زمین، ساخت بتن‌ها و معماری پیشرفته، تأمین سوخت‌های مدرن و... از دیگر کاربردهای این دانش است. ساخت نانوسکوپ که اجرام را صد هزار برابر از میکروسکوپ بزرگتر نشان می‌دهد ناشی از همین فناوری است. گفتنی است این دانش در اختیار ۱۰ کشور می‌باشد.

در عرصه **دانش IT و فناوری اطلاعات** نیز کسب رتبه پنجم المپیادهای جهانی، ساخت ابررایانه‌ای با سرعت ۸۶۰ میلیارد محاسبه در ثانیه از جمله دستاوردهای کشور در این زمینه می‌باشد. مؤسسه نظامی دیفنس تک آمریکانیز ایران را جزء ۵ کشور دارای قوی‌ترین ارتش سایبری جهان با ۲۴۰۰ نفر نیرو اعلام کرد. و این دستاوردها در حالی است که بودجه کل وزارت علوم در سال ۱۳۸۸ دو میلیارد دلار بوده و دانشگاه هاروارد آمریکا به تنهایی ۳۲ میلیارد دلار بودجه داشته است. جمهوری اسلامی ایران همچنین در **تکنولوژی هوا و فضا** پیشرفت‌های زیادی نموده و ششمین کشور دارنده تکنولوژی ماهواره می‌باشد و در عرصه طراحی و ساخت، پرتاب، ایستگاه کنترل و ایستگاه دریافت اطلاعات توانسته دانش ماهواره را بومی سازی نماید و موشک ماهواره بر سفیر با بیش از ده هزار قطعه و ماهواره امید و نوید را نیز در فضا قرار دهد.^{۱۱۰} هم اکنون ۴۳ درصد کارکنان ناسا (سازمان هوا و فضای آمریکا) ایرانی می‌باشند.^{۱۱۱} کره جنوبی با چندین آزمایش موفق به پرتاب ماهواره نشد درحالی که جمهوری اسلامی ایران جزء ده کشور برتر در زمینه صنایع هوایی می‌باشد.

دستاوردهای نظامی: امنیت و استقلال سیاسی، موقعیت ژئولیتیک، ژئواستراتژیک، ایدئولوژیک و تهدیدات گسترده‌ای که علیه کشور وجود دارد ضرورت تقویت بنیه نظامی کشور را اجتناب ناپذیر می‌کند؛ چرا که توانایی‌های نظامی از فاکتورهای است که روابط سیاسی را به شدت متأثر می‌سازد. در حالی که ما توانسته‌ایم ضمن تقویت اقتدار خود و تهدید منافع دشمن خاکریزهای زیادی را فتح کنیم و ضمن تضعیف استراتژی نظامی گرایانه آمریکا و مشروعیت زدایی از اقدامات او توان خود را بالا ببریم و افسانه شکست ناپذیری او را از بین ببریم و این استراتژی برگرفته از قرآن کریم است که در سوره انفال آیه ۶۰ امر به تقویت توانایی‌هایی نظامی و ترساندن دشمن می‌کند. رژیم پهلوی بیش از ۳۰ درصد بودجه کشور را صرف مخارج نظامی در راستای منافع آمریکا می‌کرد و ایران ستون نظامی دکترین نیکسون در سال ۱۹۷۲ برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم بود، سرکوب جبهه آزادی بخش عمان در ظفار و کمک به ارتش اسرائیل توسط ارتش شاه از جمله اقدامات ارتش در راستای منافع آمریکا بود. حضور مستشاران آمریکا باعث می‌شد هزینه‌های کلانی، علاوه بر مفاسدی که ایجاد می‌کردند، بر کشور تحمیل شود. حقوق سالیانه مستشاران آمریکایی حدود ۴ هزار دلار بود یعنی ۷۰ تا ۸۰ برابر افسران ایرانی.^{۱۱۲} و براساس قانون کاپیتولاسیون دادگاه‌های ایران حق پیگیری ارتکاب جرم از سوی آنها را نداشت. فردوست در مورد مفاسد آن می‌گوید: در خیابان امیرآباد باشگاهی مخصوص افسران آمریکایی بود، کامیون‌های آمریکایی دخترانی را که تمایل داشتند، حدود ۲۰۰-۳۰۰ دختر را سوار می‌کردند و یک بسته غذایی که جیره آنها بود و برای ۵-۶ نفر کافی بود برای راضی کردن دختران به آنها می‌دادند، خاله محمدرضا پهلوی نیز از جمله کسانی بود که در این باشگاه رفت و آمد داشت.^{۱۱۳}

از لحاظ نیروی انسانی مستعد، مقاوم و با انگیزه می‌توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را برترین و قدرتمندترین نیروی نظامی جهان محسوب کرد. برخی از دستاوردهای صنایع نظامی که بعد از جنگ تحمیلی و در زمانی کوتاه و در اوج تحریم‌ها به آنها دست یافته‌ایم و به پنجمین قدرت نظامی جهان تبدیل شده‌ایم از این قرار است: ساخت ۲۰ نوع موشک که برخی از آن غیر قابل منحرف کردن و دارای سیستم دید در شب می‌باشند و هیچ سیستم ضد موشکی قادر به رهگیری آنها نمی‌باشد همچنین ساخت هواپیماهای جنگی صاعقه و آذرخش و کوثر که صددرصد بومی می‌باشد، آواکس سیمرغ، ابابیل، مهاجر،

۱۱۰- روزنامه ایران شماره، ۴۰۰۳، ۲۸ مرداد ۱۳۸۷، ص ۱.

۱۱۱- ماهنامه معارف، شماره ۸۳، اسفند ۸۹.

۱۱۲- دانشجویان پیرو خط امام(ره)، اسناد لانه جاسوسی، پیشین، ج ۱، ص ۵.

۱۱۳- حسین فردوست، پیشین، ص ۱۲۳.

هدهد، هواپیمای رادارگریز سفره ماهی، هواپیما 68S، هواپیمای پیشرفته ایران 148 و ایران 140 که 52 نفره می‌باشند. پرنده‌های بدون سرنشین کشور (پهپادها) قادرند ساعت‌ها در بردهای 2 هزار کیلومتر به طور مداوم پرواز کنند و فعالیت‌ها مورد نظر را کنترل و شناسایی کند.¹¹⁴ و ایران قدرت چهارم پهپادی جهان می‌باشد. طراحی و تولید شناور رادارگریز، زیر دریایی هوشمند بدون سرنشین و با کنترل از راه دور، انواع شناور و قایق جنگی،¹¹⁵ زیر دریایی قائم و غدیربا قابلیت حمل و پرتاب انواع اژدر، موشک و جابجایی نیروهای عملیات ویژه.¹¹⁶ ناو جماران، قایق پرنده غیر قابل رهگیری، ناوچه موشک انداز جوشن که در نوع خود پیشرفته‌ترین می‌باشد و چند لایه قدرت مانور دارد، توپ فجر 27 به عنوان قوی‌ترین توپ دریایی جهان که 120 گلوله در دقیقه شلیک می‌کند. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا در مورد توانایی‌های ایران اعلام نمود: زیر دریایی‌های موجود در ایران به نام «طارق» 6 مجرای شلیک اژدرهای هدایت شونده با برد 305 کیلومتر و مجهز به کلاهک‌های جنگی دارد که توان شلیک موشک‌های سطح به سطح و سطح به هوا را نیز داراست و همچنین قابلیت شلیک موشک‌های کروز با برد 3 تا 6 هزار مایل دریایی را دارد.¹¹⁷ ساخت پیشرفته‌ترین اژدر ضد زیر دریایی و ضد ناو «حوت» با برد 100 متر در ثانیه که مشابه‌ای در جهان ندارد و تنها یک کشور دیگر این سلاح را در اختیار دارد که برد آن از نوع ایرانی بسیار کمتر است. قایق «یا مهدی» با سرعت 360 کیلومتر در ساعت و با کنترل از راه دور و سامانه پدافندی «یاور» که همزمان یکصد هدف هوایی را رهگیری و منهدم می‌کند از دیگر دستاوردها در این حوزه است. علاوه بر این تجهیزات کشور در طراحی سیستم‌های جنگ الکترونیک (جنگال) و ضد الکترونیک دستاوردهای قابل توجهی داشته است. این توانایی‌های گسترده نظامی حاصل تلاش‌های خستگی ناپذیر دانشمندان داخلی کشور است که با کمترین هزینه‌ها حاصل شده‌است. به زمین نشان دادن پهپاد RQ 170 آمریکا که دانش و تکنولوژی هواپیماهای RF 35 در آن به کار برده شده و تمام صنعت هواپیمایی آمریکا را زیر سؤال برد. سرنگونی پهپاد فوق مدرن RQ 4 آمریکا که چهار برابر جنگنده F16 ارزش دلاری داشت و آمریکایی‌های نتوانستند واکنشی نشان دهند از نمونه‌های دیگر اقتدار کشور می‌باشد (قیمت این پهپاد 230 میلیون دلار می‌باشد که 2/2 میلیارد دلار هزینه طراحی، تحقیق و توسعه آن بود که با سرنگونی آن عملاً هزینه‌های طراحی آن به هدر رفت) در حالی که بودجه نظامی پهلوی 30 درصد بود این بودجه به دلیل بومی سازی امروز به 5 درصد کاهش یافته در حالی که بودجه نظامی برخی کشورهای همسایه 6 برابر بودجه ایران می‌باشد؟ اقتدار یعنی؛ تحمیل اراده خود بر رقبای دشمنان در جایی که منافع شما در معرض تهدید باشد، مانند آنچه در منطقه اتفاق افتاد و ایران اراده خود را بر یکصد کشور حامی داعش تحمیل کرد و مانع از ایجاد نظم جهانی مخرب آنها در منطقه گردید. حمله و واکنش شدیدتر به شرارت‌های دشمن مانند توقیف نفت‌کش‌های آنها و یا نابودی پایگاه ابرقدرت جهان آمریکا در عین الاسد نیازمند برتری تکنولوژیک و امنیتی و جرأت بالا می‌باشد. در انتها بایستی گفت شرط اول پیشرفت‌رهایی از استبداد و استعمار می‌باشد که در شرایط کنونی جهان تحقق آن به معجزه شبیه است و انقلاب اسلامی توانست این مهم را محقق سازد. **دستاوردهای انقلاب اسلامی بی شک حاصل گذر زمان نیست** که خیلی از کشورها قبل تر از ما شروع کرده بودند و هنوز در وابستگی و ضعف کامل بسر می‌برند و ما کشورهای مشابه را با این نگاه و در تحریم کامل پشت سر گذاشتیم. . به عنوان نمونه در دوره طاغوت با وجود 2 هزار مستشار خارجی در بخش مخابرات، کشور از 850 هزار خط تلفن ثابت برخوردار بود و تلفن هم از زمان قاجار وارد ایران شده بود و بعد از انقلاب در فضای جنگ داخلی تنها ظرف سه سال به اندازه کل دوران پهلوی تلفن واگذار شد. گام اول پیشرفت اسطوره‌شکنی و رهایی از یوغ استبداد و استعمار می‌باشد و در واقع انقلاب منطق نظام سلطه را شکست که سلطه‌گر مسلط و قانونگذار باشد و دیگران سلطه پذیر و مجری او باشند، لذا انقلاب رویکردها و جهت‌گیری‌ها را تغییر و با ایجاد روحیه اعتماد بنفس و خودباوری مسیر حرکت را آماده کرد که با واکنش جدی نظام سلطه مواجه گردید. دستاوردهای انقلاب اسلامی ناشی از ذات انقلاب و استقلال خواهی در همه عرصه‌هاست.

114- حسین سلامی، «انقلاب اسلامی و دستاوردهای نظامی و امنیتی آن»، مجله پیام انقلاب، (بهمن 86)، شماره 7، ص 34.

115- روزنامه ایران، شماره 23، 4000 مرداد 1387، ص 3.

116- روزنامه کیهان، شماره 1429، 5 شهریور 1387، ص 1.

117- روزنامه کیهان، شماره 19149، 15 مرداد 1387، ص 14.

شاخص	پهلوی	جمعیت	روستا دارای وی بی	فروش نفت	تولید خود	بودجه نظامی	پژوهشی	تولیدات	امید به زندگی	مدال اسپه علمی	تعداد پزنتک	نشریات علمی	دانشجو	دانشگاه	تولید سالانه نواد	جاده	مصرف میغ	تولید دارو	صادرات غیرنفتی
پهلوی	۳۵ میلیون	۸۲ میلیون	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
جمعیت	۳۵ میلیون	۸۲ میلیون	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
روستا دارای وی بی	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
فروش نفت	۶ میلیون	۶ میلیون	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
تولید خود	۲۰ هزار	۲۰ هزار	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
بودجه نظامی	۳۰٪	۳۰٪	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
پژوهشی	۱/۵ میلیون تن	۱/۵ میلیون تن	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
تولیدات	۵۵ سال	۵۵ سال	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
امید به زندگی	۰	۰	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
مدال اسپه علمی	۱۵ هزار	۱۵ هزار	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
تعداد پزنتک	۸۶	۸۶	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
نشریات علمی	۱۵۵ هزار	۱۵۵ هزار	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
دانشجو	۲۲۳	۲۲۳	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
دانشگاه	۶۸۰ هزار تن	۶۸۰ هزار تن	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
تولید سالانه نواد	۱۰ هزار کیلومتر	۱۰ هزار کیلومتر	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
جاده	۶۰ هزار تن	۶۰ هزار تن	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
مصرف میغ	۲۵٪	۲۵٪	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
تولید دارو	۴۰ میلیون دلار	۴۰ میلیون دلار	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	
صادرات غیرنفتی	۳۲ میلیارد دلار	۳۲ میلیارد دلار	۶۵ هزار (۱۹۹۰)	۶ میلیون	۲۰ هزار	۳۰٪	۱/۵ میلیون تن	۵۵ سال	۰	۱۵ هزار	۸۶	۱۵۵ هزار	۲۲۳	۶۸۰ هزار تن	۱۰ هزار کیلومتر	۶۰ هزار تن	۲۵٪	۴۰ میلیون دلار	

۵- ویژگی های منحصر به فرد انقلاب اسلامی و علل دشمنی استکبار با انقلاب اسلامی؛

انقلاب اسلامی در مقطع زمانی رخ داد که بشر خود را اسیر دو ابر قدرت شرق و غرب می‌دید و راه دیگری برای خود متصور نمی‌دید، این شرایط با وقوع انقلاب اسلامی تغییر کرد و راه سومی پیش پای بشر گذاشته شد. تا سال ۲۰۰۰ میلادی حدود پانصد پایان نامه در مورد انقلاب اسلامی در آمریکا نوشته شده است و این بیانگر اهمیت انقلاب اسلامی برای آنهاست، چرا که انقلاب اسلامی بعد از سیصد سال معادلات قدرت را به هم زد. در دورانی که منطق اقتصاد و نظامی‌گری و اصالت قدرت و ثروت حاکم بود، انقلاب اسلامی در راستای مفاهیمی چون عدالت، ارزش‌های انسانی، خیر خواهی و توجه به انسان و خدا ایجاد شد و اهداف والایی برای قدرت باز تعریف نمود. انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت دینی، و افشاگرانه و آگاهی بخشی‌اش دچار میرایی نمی‌شود و طول عمر محدود ندارد. «ساموئل هانتینگتون» استراتژیست کهنه کار آمریکایی می‌گوید: «دلایل درگیری تازه میان اسلام و غرب، در پرسش‌های بنیادینی نهفته است که به قدرت و فرهنگ مربوط می‌شود، چه کسی باید اعمال سلطه کند؟ و چه کسی باید تحت سلطه باشد؟ تفاوت در دو برداشت از این که چه چیزی درست است و چه چیز غلط، و در نتیجه حق با کیست و باطل کدام است. تا زمانی که اسلام و غرب بمانند، این درگیری بنیادین میان دو تمدن بزرگ و شیوه‌های زندگی، تعیین کننده رابطه آنها در آینده است.»^{۱۱۸} «میشل فوکو» جامعه شناس شهیر فرانسوی انقلاب اسلامی را این گونه توصیف می‌کند: انقلاب اسلامی ایران روح جهان بود و به راستی اگر این روح دیر یا زود به تمام جغرافیای ذهن و عین این عالم مستولی شود آیا در آن صورت باز هم بازوان پرتوان و پنجه‌هایی وجود خواهند داشت تا در جهت مطامع زورمداران و استعمارگران عصر فرانو به منابع ملت‌ها چنگ اندازی کنند. «نوام چامسکی» سیاستمدار کهنه کار آمریکایی نیز چنین می‌گوید: ایران در سال ۱۳۵۷ با تحقق انقلاب اسلامی با گذر از خط قرمزها مستقل شد و از سیاست‌های آمریکا که می‌خواست همه تابعش باشند و هر چه می‌گوید گوش کنند سرپیچی کرد و همین مسئله باعث شد که سردمداران کاخ سفید رفتارهای خصمانه‌ای را در مقابل این انقلاب در پیش بگیرد. آمریکا ایران را به نقض حقوق بشر متهم می‌کند در حالی که بمباران صربستان، اشغال عراق یا افغانستان و اقدامات دیگر نشان می‌دهد که چه کسی ناقض حقوق بشر است.^{۱۱۹} غرب با سلب حیثیت آسمانی و معنوی و صرفاً با رویکردی مادی در مرحله آخر تکوین خود است و همه مایه‌های نظری

۱۱۸- ساموئل هانتینگتون، برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸)، ص ۳۳۸.

۱۱۹- روزنامه کیهان، شماره ۱۹۲۹۹، ۲۱ بهمن ۱۳۸۷، ص ۱۲.

خود را ارایه کرده ولی نتوانسته نیازهای مادی و معنوی بشر را تأمین کند، انقلاب اسلامی متعرض شالوده نظری غرب شد و با پرسشی بزرگ تمامیت آن را به خطر انداخته است و تا تبدیل شدن به تفکر و فرهنگی فراگیر راهی دراز دارد همان طور که مسیحیت سیصد سال و رنسانس دویست سال و اسلام در ایران دویست سال طول کشید تا تبدیل به تفکر و فرهنگی فراگیر شود و دشمن نمی‌خواهد این مجال را به ما بدهد. قرن‌ها صبوری لازم است تا ملتی به نقطه عطفی بزرگ برسد و موجد دوره تاریخی نو شود و ملت‌ها را به دنبال خود بکشاند. «هانتینگتون» معتقد بود نظریه پایان تاریخ و این که لیبرال دموکراسی به عنوان نسخه نهایی زندگی بشر در همه زمینه‌ها می‌باشد، در مسیر خود با تمدن اسلامی روبه‌روست که تحرک دارد و نوزایی می‌کند. در فضای داخلی کشور مشغولیت زیاد مسئولین و مردم مانع از کارهای تئوریک شد و مبانی قدرت اسلامی را تئوریزه و معرفی نکردیم.

انقلاب اسلامی دو مؤلفه مهم **اعتقاد، استقامت و باور به قدرت الهی** را مطرح نمود کما این که قرآن کریم می‌فرماید: «هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند بر دویست نفر غلبه می‌کنند، و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند پیروز می‌گردند»: انفال/ ۶۶، و همین استقامت و پایداری بود که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و در جنگ تحمیلی در برابر ده‌ها کشور به پیروزی رسید و مانع از این شد که سازمان‌های بین‌المللی تحت نفوذ قدرت‌ها چیزی بر او تحمیل کنند. خداوند متعال در سوره انفال آیات ۱۱ و ۱۲ و دیگر آیات و عده کمک و امدادهای غیبی را به مؤمنان داده است. انقلاب اسلامی با این دو مؤلفه جهان را متلاطم کرد و عرصه جدیدی از قدرت را باز تعریف کرد. و با همین استراتژی بود که ایران امروز به مرحله توازن با آمریکا رسیده در حالی که در گذشته زیر سلطه او قرار داشت.

انقلاب اسلامی در فضای مادی‌گرایی حاکم بر جهان اسلام، تشیع را احیاء نمود بعد از انقلاب جغرافیای تشیع از تعداد ۵ کشور به ۱۲۰ کشور گسترش یافت^{۱۲۰}. جریان شرق‌شناسی طی ۸ قرن مطالعه در مورد اسلام صدها کتاب تألیف نمود، لکن به اندازه یک جلد در مورد تشیع از آن بیرون نمی‌آید، «گوستاولوبون» پنجاه سال مطالعه متمرکز در مورد اسلام داشته است، لکن در مورد تشیع به اندازه یک روز هم بحث و تألیف نکرده است، حتی دائرةالمعارف دین اسلام در اروپا با اشاره‌ای گذرا از کنار تشیع رد شده است، که یکی از دلایل آن آگاهی آنها از پتانسیل‌های مبارزاتی و حکومتی شیعه بود که تلاش می‌کردند آن را در حاشیه نگه دارند. اگر انقلاب حرفی برای گفتن نداشت صدها پایان‌نامه در غرب پیرامونش تألیف نمی‌شد.

انقلاب اسلامی ثابت کرد اراده ملت‌ها می‌تواند هیمنه قدرت‌ها را در هم بشکند، انقلاب اسلامی عظمت و هویت اسلامی را احیا کرد. آن هم در زمان حاکمیت لیبرالیسم غربی و سوسیالیسم شرقی که مخالف معنویت‌گرایی بودند و از سویی ایران اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک برای این دو قطب داشت لذا باید آن را حفظ می‌کردند. خروج جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ از پیمان سنتو که حلقه اتصال ناتو به سیتو بود، استراتژی آمریکا را با چالش روبه‌رو کرد. ظهور اسلام انقلابی در این مرکز و صدور آن در منطقه برای آمریکا فاجعه محسوب می‌شد. به تعبیر «استیفن آمبروز» با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بر خلاف میل آمریکا سیاست دو ستونی آمریکا در خلیج فارس به هم خورد، آمریکا یک متحد بزرگ، یک مصرف‌کننده مهم تسلیحات آمریکایی، یک منبع صدور نفت به اسرائیل و یک دشمن سرسخت کمونیزم را از دست داد و منافع حیاتی اش به خطر افتاد^{۱۲۱}. «نیکسون» رئیس‌جمهور اسبق آمریکا نیز معتقد است: «تا سقوط شاه در ۱۹۷۹ ایالات متحده می‌توانست منافع خود را از طریق ایران و عربستان سعودی، که بیش از یک دهه دو ستون اصلی سیاست ما در خلیج فارس بودند حفظ کند»^{۱۲۲}.

نیروهای مذهبی در شرایطی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی را به پیروزی رساندند که حرکت‌های ناسیونالیستی و مارکسیستی به خصوص در جهان عرب به بن بست می‌رسید، و انقلاب اسلامی در این شرایط الگوی نوینی ارایه کرد. آمریکا با چالش بیداری جهان اسلام با محوریت ایران روبرو است. «جورج فریدمن» رئیس موسسه مهم استانفورد آمریکا می‌گوید

^{۱۲۰} - عصام العماد، ماهنامه معارف، (مرداد و شهریور ۱۳۸۷)، شماره ۵۸، ص ۱۰

^{۱۲۱} - استیفن آمبروز، روند سلطه‌گری، ترجمه احمد تالنده، (تهران: چاپخش، ۱۳۶۵)، ج دوم، ص ۴۰۰.

^{۱۲۲} - ریچارد نیکسون، فرصت را دریابیم، ترجمه حسین وفسی‌نژاد، (تهران: طرح نو)، ص ۲۶۴.

علت دشمنی ما با ایران هسته ای نیست، بلکه بخاطر این است که به ملتها فهماند که بدون آمریکا بلکه با ستیز با آمریکا می-توان به قدرت برتر تکنولوژیک و نظامی برتر منطقه تبدیل شد و ملتها از این تفکر الگو می گیرند که بیداری اسلامی ناشی از آن است. لذا تحلیل «دیلیپ هیرو» از انقلاب اسلامی دقیق به نظر می رسد که ایران در طول شش سال گذشته (۶۳-۵۷) بیش از آنچه که همه ممالک دنیا در طول شصت سال شگفتی آفریده باشند شگفتی آفریده است،^{۱۲۳} انقلاب اسلامی ضربه مهلکی بر باورهای غرب بود و به همین دلیل میدان حمله لیبرالیسم از خارج و داخل شد. «دانیل پائیس» در تحلیل شکست تئوری پایان تاریخ می گوید: تئوری پایان تاریخ بر مبنای تفکر جنگ سرد بنا نهاده شده بود غافل از این که یک ایدئولوژی قوی تر به نام اسلام و اسلام گرایی در حال شکل گیری است. این ایدئولوژی بسیار عمیق تر و ژرفناک تر از کمونیست سرخ بود. کمونیست یک تهدید تفکری و نظامی بود اما اسلام یک تهدید همه جانبه است چرا که برای تمامی اشکال زندگی از لحظه تولد تا مرگ برنامه دارد، پوشش اسلامی، غذای اسلامی، آموزش های اسلامی، اقتصاد اسلامی، فرهنگ اسلامی، حکومت اسلامی و... از اشکال این نهضت نو ظهور است. «ریچارد نیکسون» رئیس جمهور سال های ۱۹۷۴-۱۹۶۸ آمریکا در کتاب «پیروزی بدون جنگ» می گوید: اسلام [امام] خمینی و بنیادگرایی اسلامی برای ما، خطرناکتر از تهدید کمونیسم و شوروی است.^{۱۲۴} خانم «تدا اسکاچپول» نظریه پرداز انقلاب ها در این رابطه می گوید: «انقلاب امام خمینی (ره) مرا به تأمل در امکان نقش آفرینی نظام اعتقادی و درک فرهنگی در برپایی تحوّل اجتماعی واداشت و نظریات قبلی مرا را باطل کرد»^{۱۲۵}.

از مهم ترین تبعات انقلاب اسلامی تغییر موازنه قدرت در سطح جهانی به نفع معنویت و دین مداری است که بزرگ ترین ضربه بر پیکر لیبرال دموکراسی می باشد. بشر معاصر دو خلاء مهم را به خوبی حس می کند؛ یعنی دوری از معنویت و دوری از عدالت که دو خواست ذاتی بشر می باشد و هدف از رسالت انبیاء نیز به طور کلی در این دو محور وجود دارد، (حدید/۲۵- شورا/ ۱۵- مانده/ ۸- نحل/ ۹- نساء/ ۸۵) انقلاب اسلامی نیز این دو شعار را محور حرکت و استراتژی خود اعلام نموده است. ایران پایگاه پیام حق و عدالت و اسلام به سراسر جهان شد، لذا در مقابل آن جبهه های دیگری برای حفظ حیات و موجودیت خویش با بسیج تمام تجهیزات به مقابله برخاست. انقلاب اسلامی با مبانی و آموزه های دینی، بنیان تفکر الحادی تمدن های معاصر را به شدت متزلزل نمود و بستری منحصر به فرد جهت رجعت دوباره فرهنگ مذهبی ایجاد کرد. آن هم در قرنی که مملو از اندیشه ها و شعارهای مادی بود و مذهب و معنویت در انزوا قرار داشت.

به تعبیر «میشل فوکو»: «ایران از همین اسلام، مذهبی بیرون آورده است که چشمه های خشک نشدنی برای مقاومت در برابر قدرت دولت در اختیار این ملت نهاده است»^{۱۲۶}. علل روی گردانی از تمدن غرب ناشی از خستگی انسان غربی از یک سونگری و ماده گرایی، انفعال و ایستایی حاصل از زندگی کسالت آور ماشینی و بی روح و پاسخ نگرستن از رویکرد به دنیای عاری از معنویت است. کشیش «ایگناسیو الاکوربا» خطاب به غرب می گوید: «شما غربی ها زندگی خود را بر پایه ارزش های غیر انسانی بنا نهاده اید این ارزش ها چون غیر انسانی هستند فرا گیر نخواهند شد»^{۱۲۷}. انقلاب اسلامی شعاری فراتر از اندیشه مدرن غربی داشت و برون پارادایمی بود و همه چیز در آن در نسبت با خدا تعریف می شود. مشکلات بشر ناشی از نظریه های مدرن بود، چپ و راست مدرن اگر حیات بخش بود شوروی و غرب از هم نمی پاشید و چون قرار بود سیاست در ایران درون پارادایمی باشد با شرق و غرب در تقابل قرار گرفت، لکن این پیام انقلاب توسط برخی مسئولین فهم نشد لذا به نقاط رسیدند. در این فرایند جنگ بین دو گفتمان اسلام گرایی و سرمایه داری است، در گفتمان اسلام گرایی، رهبرانی چون امام علی (ع) وجود دارند که در تمام دوران حکومت یک دروغ یا ظلمی روا نمی دارند و در برابر آن گفتمان لیبرالیستی و سکولاریستی مدرن که پدرش «ماکیاول» است قرار دارد که در کتاب شهریار خود می گوید: در برابر فرمان موسی و عیسی (ع) مبنی بر این که دروغ نگویید، سرقت نکنید و... می گویم دشمنان را بکش، و اگر می توانی دوستان را نیز، به حاکمان

^{۱۲۳} - دیلیپ هیرو، ایران تحت حکومت آیه ها، ترجمه منوچهری محمدی، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۰)، ص ۲۰۶.

^{۱۲۴} - حسن واعظی، استعمار فرانو؛ جهانی سازی و انقلاب اسلامی، (قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۸۶)، ص ۳۴۸.

^{۱۲۵} - هفته نامه ۹ دی، ۱۱ خرداد ۱۳۹۰، ص ۶.

^{۱۲۶} - میشل فوکو، ایران: روح یک جهان بی روح، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، (تهران: نی، ۱۳۸۶)، چ پنجم ص ۴۲.

^{۱۲۷} - نوام چامسکی، دموکراسی باز دارنده، ترجمه غلامرضا تاجیک، (تهران: کیهان، ۱۳۷۳)، ص ۳۰۰.

سفارش می‌کنم که دروغ بگویند و بدقول باشند و...^{۱۲۸}. واقعیاتی که دکترین سکولاریستی آموزش می‌دهد.

۶- رابطه دین و سیاست و ادله اثبات ولایت فقیه؛

اسلام با حکومت و سیاست متولد شد بر خلاف سایر ادیان تحریف شده بخش عمده‌ای از تعالیم و دستورات خود را بر روابط اجتماعی و سیاسی متمرکز نموده است. اگر دنیوی‌ترین امور را تجارت، ازدواج، کار، خوردن، خوابیدن و امور اقتصادی بدانیم، اسلام مفصل‌ترین دستورات را در این امور داده است. البته در مورد سایر ادیان بزرگ نیز این مسئله وجود دارد همان طور که حضرت موسی(ع) رهبری و اداره امور بنی‌اسرائیل را برعهده داشت و برای خود جانشین تعیین کرد، اساساً لازمه ادیان توحیدی جهت مبارزه با ستمگران و احقاق حقوق مستضعفین و اقامه قسط و عدل و پیاده کردن دستورات الهی داشتن قدرت حکومتی است و تنها در سایه حکومت این اهداف عملی می‌شود. لکن به علت تحریف دو دین یهود و مسیحیت و عملکرد ناصواب مدعیان آن باعث شد که دین از عرصه حکومت در این جوامع حذف شود.

با توجه به جامعیت اسلام به عنوان آخرین دین الهی در همه ابعاد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی، اجرای احکام و دستورات آن بدون قدرت اجرایی و حکومت ممکن نیست. همان طور که سیره حکومتی و مسئولیت‌های اجرایی و قضایی پیامبر(ص) و امام علی(ع) و سایر انباء بیانگر ضرورت وجود حکومت بود. نظام‌های مادی، جهان را عنصری مادی و عاری از معنویت می‌دانند که ارزش‌های الهی و انسانی در آنجایی ندارد و حرکت جامعه تنها برای رسیدن به لذت، سود و رفاه بیشتر رقم می‌خورد و برای نیل به این اهداف از هیچ طریقی مانند استعمار و استضعاف ابایی ندارد، لکن براساس جهان‌بینی الهی نظام آفرینش دارای هدف مشخصی است و انسان جزئی از این مجموعه است و به سوی کمال گام بر می‌دارد، انسان و جهان مبتنی بر هدف و عدالت و حقانیت است^{۱۲۹} لذا تاریخ همواره شاهد درگیری مدام نظام کفر و الحاد با نظام الهی است^{۱۳۰}. اسلام یک نظام اجتماعی برای تنظیم حیات اجتماعی با هدف کمال و سعادت انسان است و بدین منظور برنامه دارد لذا دین و دنیا در اسلام به هم آمیخته است. بخش عمده‌ای از تعالیم دین در قلمرو عملکرد سیاست است و متقابلاً در عرصه سیاست نیز بسیاری از مسایل، مربوط به قلمروهای دینی است. اقامه قسط و حق و هدایت جوامع بشری به سمت عدالت، پیشرفت و تکامل (حدید/۲۵) به عنوان اهداف والای دین ارتباط تنگاتنگی با مسایل سیاسی دارند و اقامه آنها مستلزم قانون و نظام حقوقی و یک نظام سیاسی و نیازمند مبارزه سیاسی برای رهایی از قیود مستکبرین است^{۱۳۱}. لذا همواره مهم‌ترین نقطه تهاجم فرهنگی دشمن نیز پیرامون نهادینه کردن حکومت دینی بوده است.

ماهیت احکام و قوانین مدنی، جزایی، حقوقی، تجاری، قضایی، مالی، دفاعی و امنیتی گسترده اسلام به گونه‌ای است که برای اجرایی شدن نیازمند وجود حکومت است. آیا دین صرفاً توصیه‌های اخلاقی و معنوی است؟ امام خمینی(ره) معتقدند دو سوم قرآن مرتبط با مسایل سیاسی و اجتماعی می‌باشد و از ۵۷ کتاب فقهی ۵۰ مورد در موضوعات اجتماعی، سیاسی، حقوقی و... است. حضرت امام خمینی(ره) در کتاب «ولایت فقیه» برای اثبات تشکیل حکومت به سیره و سنت معصومین و ماهیت احکام و قوانین اسلام استناد می‌کنند، و این که رسول اکرم(ص) خود تشکیل حکومت دادند و به اجرای قوانین و برقراری نظامات و اداره جامعه برخاستند و بعد از خود به دستور خدا حاکم تعیین کردند، به این معنی که حکومت پس از رحلت رسول اکرم(ص) نیز لازم است. ضرورت استمرار اجرای احکام که بدیهی است منحصر و محدود به زمان آن حضرت

^{۱۲۸}- نیکلامکایول، شهریار، ترجمه محمود محمودی، (تهران: اقبال، بی‌تا) ص ۱۲۵.

^{۱۲۹}- سوره دخان، آیه ۳۸.

^{۱۳۰}- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ و سوره قصص، آیه ۵.

^{۱۳۱}- عباسعلی عمید زنجانی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، (تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵)، چ چهارم، ص ۸۳.

نیست و اجرای احکام پس از رسول اکرم(ص) تا ابد ضرورت دارد. لذا برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت می‌یابد و آیا در دوران غیبت احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود، آیا خدا اجرای احکامش را محدود به دو بیست سال کرد؟ آیا مطلوب خداوند و حضرت حجت(عج) تداوم و اجرای احکام الهی است یا تعطیلی آنها؟ رویه امیرالمومنین علی(ع) نیز تشکیل حکومت و اجرای قوانین اسلام بوده است. آیا غیر از این است که حضرت مهدی(عج) در زمان ظهور خود حکومت جهانی ایجاد می‌کند و آیا این غیر از سیاست و حکومت است؟ آیا با عبادت تنها تمدن و حکومت مطلوب خداوند ایجاد می‌شود؟ آیا امام حسین(ع) از اخلاق، طهارت و نجاسات می‌گفت که به شهادت رسید؟ از سوی دیگر آیات زیادی در رابطه با دین و سیاست وجود دارد که تنظیم کننده مناسبات سیاسی است و عامل و محرک اصلی مسلمانان در حرکت‌های سیاسی همواره قرآن کریم بوده است:

از جمله آیاتی که به **حاکمیت مطلق خداوند** اشاره دارند: «حکم تنها از آن خداست»: یوسف/ ۴۰، «آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست»: نساء/ ۱۲۶، «حکومت آسمان‌ها و زمین تنها از آن خداست»: توبه/ ۱۱۶.

آیات مرتبط به **خلافت الهی، جانشینی انسان، سیاست و حکومت**: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر [اوصیای پیامبر] را»: نساء/ ۵۹، «به خاطر بیابور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد»: بقره/ ۳۰، «و پیامبرشان به آنها گفت: خداوند طلوت را برای زمامداری شما مبعوث کرده است»: بقره/ ۲۴۷، «ای داود، ما تو را خلیفه و نماینده خود در زمین قرار دادیم، پس در میان مردم به حق داوری کن»: ص/ ۲۶، «پس طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن و از هوی و هوس‌های آنان پیروی نکن»: مائده/ ۴۸، «من تو را (ابراهیم) پیشوای مردم قرار دادم»: بقره/ ۱۲۵.

نفی طاغوت و دشمن شناسی: «آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آن چه بر تو و به آن چه پیش از تو نازل شده، ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند، با این که به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند»: نساء/ ۶۰، «کافران اهل کتاب و مشرکان دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد»: بقره/ ۱۰۵، «هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهد شد تا (تسلیم خواسته‌های آنها شوی) و از آیین آنان پیروی کنی»: بقره/ ۱۲۰، «کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول‌الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند، اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه داناترم، و هرکس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است»: ممتحنه/ ۱.

استکبار ستیزی و جهاد با دشمنان: «و با آنها پیکار کنید تا فتنه باقی نماند و دین مخصوص خدا گردد پس اگر دست برداشتند تعدی جز بر ستمکاران روا نیست»: بقره/ ۱۹۳، «مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها راستگویانند»: حجرات/ ۱۵. «ای پیامبر با کفار و منافقین پیکار کن و بر آنان سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و بدفرجامی است»: تحریم/ ۹. **امر به شورا** در قرآن کریم ستون فقرات نظام اسلامی محسوب می‌شود و امر به جهاد و جنگ، صلح، وفای به عهد از شوؤن روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. این آیات و صدها آیه دیگر دستوراتی را به مسلمانان می‌دهد و قوانینی را برای آنها تعیین می‌کند که بدون برقراری حکومت اسلامی امکان تحقق ندارند و اطاعت از «والذین آمنوا» که مورد تأکید قرآن می‌باشد؛ آیا در عصر غیبت جز در سایه اطاعت از ولایت فقیه که منصوب مجلس خبرگان متشکل از ۹۰ عالم برجسته دینی است که مصداق واقعی والذین آمنوا نیز می‌باشد، تحقق می‌یابد؟ بنابراین چیزی به اسم مسلمان سکولار وجود ندارد!

اندیشه سکولاریسم به دلیل عملکرد ضد عقلانی و ضد انسانی هزار ساله کلیسا در قرون وسطی شکل گرفت. ورود تفکر سکولاریسم در عرصه زندگی سیاسی مسلمانان با این بهانه‌ها که سیاست اصول اخلاقی را بر نمی‌تابد مطرح بوده است. نقش استعمار در ترویج حکومت‌های سکولار به خاطر ماهیت سلطه‌ستیزی و ظلم‌ستیزی اسلام و ضرباتی که از احکام جهادی اسلام خورده‌اند کاملاً بدیهی است، سقوط خلافت عثمانی و روی کار آوردن آتاتورک و بعد رضاخان در ایران در همین راستا صورت گرفت. و به تعبیر دکتر شریعتی: «ببینید دین و دنیا چه جور در اسلام قابل تفکیک نیست و اصلاً قابل شناخت نیست و چگونه استعمار به دهان ما انداخت که مذهب از زندگی جداست و روشنفکران ما هم طوطی‌وار بازگو کردند به خیال این که دارند ادای روشنفکران اروپایی را در برابر کلیسا در می‌آورند، غافل از این که این قیاس مع‌الفارغ است»^{۱۳۲}.

در فرهنگ شیعی هر حاکمی که حاکمیتش به نحوی به نصب الهی منتهی نشود غیرشرعی و طاغوت خواهد بود و خداوند در سوره نساء آیه ۶۰ از مراجعه به کفار و طاغوت نهی می‌فرماید. معصومین در مورد وظیفه شیعیان در مسایلی که برای آنها پیش می‌آید فرموده‌اند به کسانی مراجعه کنید که عارف به حلال و حرام ما باشند و حق ندارند که از حکم او سرپیچی کنید. لذا در زمان غیبت وظیفه مردم مراجعه به فقهای جامع‌الشرایط است^{۱۳۳}. عالمانی چون شیخ مفید (قرن ۵)، ابن ادریس حلی (قرن ۶)، محقق کرکی (قرن ۱۰)، ملا احمد نراقی، محمد حسن نجفی و ... در رابطه با ولایت فقیه نظریه پردازی و بحث نموده‌اند که توسط حضرت امام خمینی (ره) فعلیت یافت. و علمای معاصر نیز بر آن صحه می‌گذارند به گونه‌ای که هنگام بحث و تدوین قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ آیت الله گلپایگانی طی اطلاعیه‌ای اعلام کردند: «اگر قانون اساسی به طور کامل طبق قوانین شرع تدوین نشود و مسئله اتکای حکومت به نظام امامت و ولایت فقیه روشن نشود حکومت براساس طاغوت و ظالمانه خواهد بود»، همچنین حدود یکصدو ده نفر از علمای حوزه قم از جمله آیت‌الله مرعشی تأکید کردند اصل ولایت فقیه جامع‌الشرایط باید به قانون اساسی افزوده شود^{۱۳۴}. از زمان آغاز غیبت کبری حضرت مهدی (عج) تاکنون در یک حرکت تدریجی و تکاملی و با هدایت‌گری امام زمان (عج) در زنجیره‌ای ۶۴ حلقه‌ای زعامت عام فقها (ولایت فقیه) با ولایت شیخ کلینی آغاز و بدون هیچ انقطاعی ادامه یافت، تا در زمان ما به زعامت مقام رهبری منتهی گردید.^{۱۳۵}

ادله‌ی ضرورت حکومت اسلامی و ولایت فقیه: تکامل بشر نیازمند رهبر و قانون برتر و مطلوب است، بشر هم همواره دنبال قانون و رهبر (مدیر) برتر است تا نیازمندی‌های خود را تأمین کند و تضاد منافع انسان‌ها و سهم‌خواهی آنان حقوق دیگران را ضایع نکند، تصور جامعه بدون قانون و رهبر (هر چند نامناسب) ناممکن است و منجر به هرج و مرج می‌شود قانون و رهبر (مدیر) برتر و مطلوب نیازمند دو شرط است:

۱- دارای مصونیت ذاتی یا حداکثری از خطا و اشتباه باشد و عدالت را رعایت کند؛

۲- از جایی که انسان موجودی ابدی است قانون و رهبر باید همه مراحل زندگی او را پوشش بدهد و دارای ظرفیت بالایی باشد و بر منابع و حیاتی و فوق بشری اشراف داشته باشد تا مصالح واقعی بشر و قوانین مورد نظر آن را تأمین کند، زیرا انسان علاوه بر نیازهای مادی، نیازهای معنوی هم دارد در غیر این صورت به تعبیر قرآن کریم «کالانعام بل هم اضل» از حیوانات پست‌تر خواهد بود. فلسفه ارسال ۱۲۴ هزار پیامبر نیز به همین دلیل بوده است. مسئله مهم راه‌کار دستیابی به قانون و رهبر (مدیر) برتر و مطلوب است، بشر برای این منظور سه راه پیش روی دارد که خود منجر به شکل‌گیری سه نوع نظام حکومتی متفاوت می‌شود.

۱- حکومت‌های دیکتاتوری: حکومت‌های دیکتاتوری یا استبدادی مبتنی بر توارث می‌باشند و یک فرد در رأس آن قرار

۱۳۲- علی شریعتی، مجموعه آثار، (تهران: الهام، ۱۳۷۵)، ج پنجم، ص ۷۵.

۱۳۳- محمد تقی مصباح یزدی، «حکومت و مشروعیت»، فصلنامه کتاب نقد، شماره هفتم، چ سوم، تابستان ۱۳۷۷، ص ۷۰.

۱۳۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۱۳۵۸.

۱۳۵- [امام] روح الله موسوی خمینی (ره)، ولایت فقیه، پیشین، ص ۱۰۵.

دارد؛ مانند حکومت پهلوی، پادشاهی آل سعود که قانون آنها را محدود نمی‌کند و ملاک خواست و تشخیص حاکم می‌باشد مانند قانون کشف حجاب توسط رضاخان، این حکومت‌ها مادام‌العمر هستند که معمولاً با مرگ دیکتاتور یا کشته شدن، تبعید و یا کودتا تغییر می‌کنند. ثروت‌اندوزی بی‌حد و حصر و فساد اخلاقی از دیگر ویژگی‌های این نوع از حکومت‌ها می‌باشد. مردم در این نوع حکومت‌ها نقشی جز اطاعت پذیری بر عهده ندارند و حق حاکمیت ناشی از «زور» است.

۲- حکومت‌های دموکراتیک (لیبرال دموکراسی): در دموکراسی منبعی بالاتر از عقل وجود ندارد و به منابع و حیاتی اعتقادی وجود ندارد و ملاک حکومت در ظاهر خواست مردم است نه حق و باطل. تجربه بشری حاکی از این است که دموکراسی به بن‌بست می‌رسد. در قرن ۲۱ به بهانه دموکراسی فاسدترین و شرورترین انسان‌ها در جایگاه مدیریت و قانون گذاری قرار گرفتند؛ افرادی مانند «سارکوزی» رئیس‌جمهور فرانسه، «برلوسکنی» نخست‌وزیر ایتالیا، «بوش» رئیس‌جمهور آمریکا و دیگران، که به لحاظ اخلاقی مفسد آنها رسانه‌ای شده است و جنگ‌ها و کشتار انسان‌ها با مدیریت آنها شکل گرفته است. در کنگره آمریکا گروهی ۱۰۶ نفره تحت عنوان «صندوق پیروزی هم‌جنس‌بازان» در روند دموکراسی وارد کنگره آمریکا شدند و حال آنها برای بشریت تعیین می‌کنند که چه چیزی خوب و یا بد است! در دموکراسی از جایی که انسان تسلیم نفسانیات، جهل، شهوت و قدرت است و علم او نیز محدود می‌باشد نمی‌تواند مصالح خود را تشخیص بدهد و به بی‌راهه می‌رود. رواج فساد اخلاقی، همجنس‌بازی و جنایات بیشمار ناشی از این تفکر است لذا خداوند دستور داده است تا انسان‌ها خودشان را با یک معرفت برترهماهنگ کنند زیرا بشرتها با تجربه و عقل نمی‌تواند به حقایق دست یابد.

پشت صحنه انتخابات در غرب بنا بر اعتراف اندیشمندان برجسته و مستقل آنها حاکمیت سرمایه‌داران، مطبوعات و رسانه‌ها است که افکار عمومی را تغییر می‌دهند. «نوام چامسکی» نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی می‌گوید: «در آمریکا دموکراسی تک‌حزبی با دو فراکسیون جمهوری‌خواه و دموکرات است که تفاوت آن‌ها مانند کواکولا و پپسی است». در انتخابات کنگره آمریکا ۴۰ درصد مردم شرکت کردند یعنی ۶۰ درصد مردم ساختار سیاسی آمریکا را قبول ندارند، نیمی از ۴۰ درصدی که در انتخابات شرکت کردند به فرد یا افراد دیگری رأی دادند یعنی کنگره آمریکا حاصل ۲۰ درصد آرای آمریکای ۳۲۰ میلیونی می‌باشد. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ انگلیس، تفاوت ناچیز آراء، تفاوت زیادی را بر سر تصاحب کرسی‌ها ایجاد کرد، به عنوان نمونه حزب لیبرال دموکرات با ۲۳ درصد آراء ۵۶ کرسی، حزب کارگر با ۲۹ درصد آراء ۲۵۸ کرسی و حزب کار با ۳۶ درصد آراء ۳۰۶ کرسی را به دست آورد. سرکوب شدید معترضین به وضعیت اقتصادی و کنترل مردم از راه‌های مختلف بیانگر عدم اعتقاد لیبرال دموکراسی به آراء مردم است. در این تفکر مرز شرافت و کرامت انسان مبهم است.

۳- مردم سالاری دینی: راهکار سوم برای رسیدن به قانون و رهبر (مدیر) مطلوب و برتر، مراجعه به خالق هستی است. طبق آیات قرآن، حاکمیت و حکمرانی از آن خدا و کسانی است که از جانب او به طور مستقیم و یا غیرمستقیم انتخاب می‌شوند. خالق هستی بی‌نیاز مطلق است، لذا گروه‌گرا نیست و دنبال منافع گروهی نمی‌باشد و بر اساس حق و عدالت حکم می‌کند نه تمایلات نفسانی. کسی حق ندارد به دیگر حکم کند و برتری یابد مگر به تقوا و از سوی خداوند که جامع همه کمالات و آگاه به مصالح انسان است، زیرا انسان مانند حیوانات نیست و رسیدن به حیات طیبه هدف او از خلقت انسان است. (یونس / ۳۵). از نگاه خداوند انبیاء و جانشینان آنها مدیران و رهبران برتر؛ و شرایع آسمانی و کتاب الهی قانون برتر می‌باشد. با پایان یافتن بعثت و رحلت خاتم انبیاء این سامانه الهی نیازمند تداوم است همان‌طور که پیامبر (ص) در حدیث ثقلین که مقبول شیعه و سنی است فرمودند: همانا من دو چیز گران‌بهاء میان شما به امانت گذاشته‌ام؛ کتاب خدا و اهل بیت (قانون و رهبر) و این دو چیز از هم جدا شدنی نیستند. امامت و ولایت بستر تداوم این سنت و سامانه است که در عصر غیبت تداوم این سامانه الهی بر عهده ولی فقیه جامع شرایط می‌باشد. برای تبیین ولایت فقیه ادله‌ی عقلی و نقلی متعددی ارائه شده است.

ادله عقلی: اسلام آیینی جامع و کامل است لذا نمی‌تواند برای اداره جامعه و حکومت برنامه نداشته باشد بنابراین برای همه ابعاد حیات سیاسی، اجتماعی، فردی و اجتماعی انسان برنامه‌هایی برای تضمین سعادت او دارد و از جایی که آخرین

برنامه و دین الهی می‌باشد، آیینی همیشگی است که مخصوص زمان خاصی نیست و همان طور که گفته شد بقاء احکام اسلام نیازمند تشکیل حکومت و ولایت الهی است. آیا حذف خدا از مناسبات بشری به نفع او تمام شد و کرامت انسانی و حقوق بشر حفظ شد؟ استعمار و غارت ملت‌ها آیا با تعالیم دینی همخوانی دارد؟ آیا بشریت نیازمند حاکمیت تفکر الهی و انسان‌های شایسته‌ای که با زیاده خواهی‌های مستکبرین مقابله کند و زمینه رشد معنوی و مادی او را فراهم کند، نمی‌باشد؟ احکام و دستوراتی که امر به جهاد با دشمنان، امر به معروف و نهی از منکر، اجرای حدود الهی، دفاع و... می‌دهد به جز در سایه حکومت عملی نمی‌شود. آیا احکام اسلامی نباید استمرار پیدا کند؟ آیا تکلیف مسلمین در عصر غیبت نباید روشن باشد؟ آیا دوری جستن از شرک، کفر، الحاد و تداوم امر به معروف و نهی از منکر تکلیف همیشگی نیست و آیا ائمه درباره صلاح و فساد مناسبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در عصر غیبت سکوت کرده و ساز و کاری ارایه نکردند و آیا اساساً توجه به امور مسلمین در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در عصر غیبت لازم نیست؟ آیا انتظار فعال و معرفت به امام زمان (عج) غیر از معرفت درباره ملاک‌ها و موازینی است که به مؤمن امکان خروج از دایره کفر، الحاد، نفاق و اعراض از دشمنان را می‌دهد. آیا بر اساس اصل توکی و تبری نباید نسبت به دشمنان و دوستان خدا اعلام موضع کرد! آیا در عصر غیبت (عج) مؤمنین وظیفه‌ای در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ندارند؟ مجری حکومت هم باید شخص آگاه به احکام و ملتزم به آنها باشد که در عصر حضور معصومین(ع) آنها عهده‌دار این منصب هستند در عصر غیبت که معصومین(ع) حضور ندارند باید افرادی عهده‌دار این منصب شوند که از نظر تقوا، کارایی و علم به احکام اسلامی شبیه‌ترین افراد به معصومین(ع) باشند. تا در امور مسلمین هرج و مرج ایجاد نشود. طبق قاعده تنزل تدریجی تأمین نزدیکترین مرتبه به حد مطلوب لازم است مثلاً اگر دنبال ۱۰۰ هستید و بدست نیامد ۹۰ را مطالبه می‌کنیم نه ۴۰ و پایینتر را! تجربه عقلی و تاریخی می‌گوید اولین مدیران بشر از ابتدای تاریخ، تجربه موفق رهبران دینی بوده است که حقوق همه انسان‌ها در آن حفظ شده است، آیا رهبران دینی از بمب اتم علیه انسان‌ها استفاده می‌کنند، بنای عقلای عالم می‌گوید اعتماد به دین مداران در همه زمینه‌ها معقول‌تر است.

ادله نقلی: براساس آیات متعددی از قرآن کریم منصب حکومت از شئون پیامبر(ص) است: «ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا به آن چه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی»: نساء/ ۱۰۵، «به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند، و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند»: نساء/ ۶۵، «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است»: احزاب/ ۶. و برخی آیات پذیرش رهبری غیر مؤمنین را به معنای گسستن از خداوند می‌داند: «افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد مگر این که از آنها بپرهیزد»: آل عمران/ ۲۸، «و بر ظالمان تکیه ننمایید که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد»: هود/ ۱۱۴. برخی از روایات متواتر در این زمینه از این قرار است: رسول الله (ص) فرمودند: «خدایا جانشینان مرا رحمت کن و این سخن را سه بار تکرار فرمودند، پرسیده شد که ای پیغمبر خدا جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بعد از من می‌آیند، حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند و آن را پس از من به مردم می‌آموزند»^{۱۳۶}. امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه می‌فرماید که منظور از جانشینان و خلفاء، فقهای عادل اسلام می‌باشند. امام صادق(ع) نیز شرایطی چون آگاهی به حلال و حرام اهل بیت را شرط حاکم اسلامی دانسته و می‌فرماید: «مردم باید دقت کنند و از میان فقهایی که راوی حدیث ما هستند و در احکام حلال و حرام ما صاحب نظرند و با احکام اهل بیت (ع) آشنایی دارند، فقیهی را انتخاب نمایند و او را در میان خود حاکم قرار دهند، من او را بر شما حاکم قرار دادم»^{۱۳۷}. «توقیع شریف» که حضرت ولی عصر(عج) در پاسخ به اسحاق بن یعقوب می‌فرماید: «در رخدادها و حوادثی که اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنها هستم»^{۱۳۸}. امام باقر(ع) نیز

۱۳۶- الشیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، (تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۳ ق)، ج هیجدهم، باب هشتم.

۱۳۷- همان، ص ۹۹.

۱۳۸- همان، ص ۱۰۹.

می‌فرمایند: «بنای اسلام روی پنج چیز است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت، زراره می‌گوید به حضرت عرض کردم کدام یک از این‌ها برتر است؟ فرمود: ولایت برتر است زیرا ولایت کلید آنهاست و شخص والی دلیل و راهنمای آنهاست»^{۱۳۹}.

در نظام ولایت فقیه مکانیزم‌های کنترل شرعی و قانونی وجود دارد و مانند حکومت سلطنتی مادام‌العمر و موروثی نیست و احراز مسئولیت رهبری منوط به احراز شرایط بسیار سنگین مصرح در قانون اساسی است که اگر این شرایط را از دست بدهد از رهبری معزول است. لذا رهبری در جمهوری اسلامی لحظه‌ای و تابع شرایط است، و از طرفی تا زمانی که مردم شرایط لازم را در رهبری می‌بینند و او را شایسته‌ترین فرد برای این منصب می‌بینند چرا خود را از او محروم کنند و رهبری را به فردی مادون بپردازند مثل این که انسان تقلید از یک مرجع اعلم را رها و به فرد پایین‌تر از او مراجعه کند! اساساً مطلقه به معنای پاسخگو نبودن نیست که این خود برخلاف شرع و منطبق است. مطلقه بودن ولایت ابزاری برای خروج نظام از بن بست و اختیارات مدیریت بحران است، مانند یک افسر راهنمایی که گاهی گره کور ترافیک را علی‌رغم وجود چراغ قرمز با اجازه عبور رفع می‌کند و در ظاهر قانون را تعطیل کرده است. در بسیاری از کشورها عامل هماهنگ کننده و وحدت بخش بین قوا وجود ندارد، لذا زمانی که ناهماهنگی‌های آن‌ها به حد بحران می‌رسد، برای حل این نقیصه حق و تو برای رئیس جمهوری قایل شده‌اند. در نظام ولایت فقیه، او هم حافظ قانون اساسی و احکام اسلامی و ارزش‌هاست و هم نقش هماهنگ کننده و رفع اختلافات و بحران‌ها را بر عهده دارد^{۱۴۰}. و اگر نبود نقش بی‌بدیل رهبری، انقلاب هرگز نمی‌توانست بحران‌های گذشته را از سر خود بگذراند. بی‌جهت نیست که «فرانسیس فوکویاما» نظریه‌پرداز شهیر آمریکایی در جمع صهیونیست‌ها اعلام کرد که شیعه دو بال سرخ و سبز دارد، روحیه شهادت‌پذیری؛ که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده و اعتقاد به مهدویت و عدالت شیعه را امیدوار و شکست‌ناپذیر کرده (بال سبز) و زره این پرنده ولایت فقیه است که شیعه را تهدیدناپذیر کرده است. شناخت تهدیدات و دفع تجاوز کار هر کسی نیست، و نیازمند بینش الهی است. «ایمانوئل والرشتاین» نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی می‌گوید: «اصلی‌ترین مانع ما برای استقرار نظم نوین جهانی، نظرات [امام] خمینی و مخصوصاً دکتربین ولایت فقیه اوست که در آن، از اسلام نسخه حکومتی استخراج شده و بر باورهای مردم مسلمان تکیه دارد، تا آنجا که مطالعات ما نشان می‌دهد، همه نظریه‌ها و دکتربین‌ها در گذر زمان کهنه و کمرنگ می‌شوند ولی نظریه ولایت فقیه امام خمینی، هر روز پررنگ‌تر و سرزنده‌تر می‌شود و مسلمان را به سوی خود می‌کشاند»^{۱۴۱}.

۷- نظر اندیشمندان در مورد رهبر انقلاب، نمونه‌های مدیریتی ایشان در حفظ کشور، و علل برخی مصلحت‌سنجی‌های ایشان؛

یکی از امیدهای دشمنان داخلی و خارجی انقلاب تضعیف و سقوط انقلاب با رحلت امام(ره) بود. لذا ایشان با آگاهی از این مسئله سعی کردند موانع مهم را از سر راه بردارند. در این رابطه آقای هاشمی رفسنجانی نقل می‌کنند در جلسه‌ای با حضور رؤسای سه قوه نگرانی خود را از خلاء رهبری خدمت امام خمینی(ره) ابراز کردیم، ایشان فرمودند: «خلاء رهبری پیش نمی‌آید، شما آدم دارید»، گفتیم چه کسی! ایشان در حضور آقای خامنه‌ای فرمودند: «همین آقای خامنه‌ای». بعدها در جلسه‌ای که تنهایی خدمت امام خمینی(ره) رسیدیم مطالب خود را با صراحت بیشتری گفتم که ما کسی را نداریم، امام خمینی(ره) فرمودند: «با وجود آقای خامنه‌ای چرا این قدر تردید به خود راه می‌دهید». مرحوم حاج سید احمد آقا نیز نقل می‌کند وقتی آیت الله خامنه‌ای در سفر کره شمالی بودند استقبال مردم و سخنرانی‌ها و مذاکرات آن سفر، خیلی جالب بود امام

۱۳۹- ابن جعفر محمد کلینی رازی، اصول کافی، پیشین، ج سوم، ص ۳۰.

۱۴۰- محمد تقی مصباح یزدی، نظریه سیاسی اسلام، (قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸)، ج دوم، ص ۱۶۸.

۱۴۱- روزنامه کیهان، شماره ۲۰۰۰۷، ۲ شهریور ۱۳۹۰، ص ۲.

بعد از آن که اینها را مشاهده کردند فرمودند: «الحق ایشان شایستگی رهبری را دارند»^{۱۴۲}. بدین ترتیب نقل این مطالب توسط آقای هاشمی رفسنجانی در مجلس خبرگان و نقل مشابه این مطالب و تأییدات حضرت امام خمینی (ره) در مورد آیت الله خامنه‌ای توسط حاج احمد آقا و آیت الله خلخالی در مجلس خبرگان از یک سو، سوابق علمی، مبارزاتی، سیاسی و تجارب ارزنده وی، مجلس خبرگان را به سمت رهبری ایشان سوق داد و این در حالی بود که آیت الله خامنه‌ای با این امر موافق نبود و در نهایت از باب وظیفه شرعی آن را پذیرفتند. آیت الله العظمی اراکی (ره) در پیامی به مقام معظم رهبری فرمودند: «انتخاب شایسته حضرت عالی به مقام رهبری جمهوری اسلامی، مایه دلگرمی و امیدواری ملت قهرمان ایران است». عارف بزرگ آیت الله العظمی بهاء الدینی نیز فرمودند: «از همان زمان، رهبری را در آقای خامنه‌ای می‌دیدم؛ چرا که ایشان ذخیره الهی برای بعد از امام خمینی (ره) بوده است، باید او را در اهدافش یاری کنیم»^{۱۴۳}. مقام معظم رهبری در طی دوران رهبری خود بعد از حضرت امام خمینی (ره) سیره عملی و نظری ایشان را به عنوان الگوی حکومتی خود ادامه دادند. حاج احمد آقا خمینی (ره) در یک سخنرانی عمومی در مورد ساده زیستی ایشان فرمودند: در این جا بر خود واجب می‌دانم که این شهادت را بدهم که زندگی داخلی حضرت آیت الله خامنه‌ای بسیار ساده است، من از داخل منزل ایشان مطلعم، در منزلشان بیش از یک نوع غذا بر سر سفره ندارند، خانواده ایشان روی موکت زندگی می‌کنند. روزی منزل ایشان رفتم یک فرش مندرس آنجا بود که از زبری آن به موکت پناه بردم»^{۱۴۴}

بسیاری از بزرگان و اندیشمندان داخلی و خارجی در ارتباط با شخصیت و مدیریت بی‌نظیر مقام معظم رهبری اظهار نظر نموده‌اند که در ادامه به بخشی از آنها اشاره می‌شود. مرحوم آیت الله العظمی لنکرانی (ره) می‌فرمایند: الان حمایت از مقام معظم رهبری، از زمان امام واجب‌تر است. این مقام، واجب‌الاطاعه است اگر ایشان نبودند ما هم نبودیم ایشان خیمه مرجعیت هستند، ما برای احراز این منصب در شرایط کنونی بهتر از حضرت آیت الله خامنه‌ای نداریم. مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) در مورد نظر امام خمینی (ره) که فرموده بودند: آقای خامنه‌ای بهترین فرد برای رهبری نظام هستند، می‌فرمایند: نظر من هم همین است. حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز فرمودند: من به آیت الله خامنه‌ای ارادت کامل دارم، تضعیف نظام را حرام می‌دانم و به ولایت ایشان التزام دارم و در سلیم النفس بودن ایشان تردیدی ندارم، سید اولاد پیغمبر به خوبی کشور را اداره می‌کند. حضرت آیت الله العظمی بهجت (ره) در سفری که مقام معظم رهبری به قم تشریف برده بودند به استقبال معظم له می‌روند و در آنجا می‌فرماید: اگر مردم می‌دانستند که استقبال این سید چقدر ثواب دارد هیچ کس در خانه نمی‌نشست، ایشان در پاسخ به گله‌مندی فردی از رهبری، با اعتراض فرموده بودند: آیا شما بهتر از ایشان سراغ دارید؟! من که بهتر از ایشان سراغ ندارم. علامه حسن زاده آملی که دو زانو در خدمت مقام معظم رهبری نشسته بودند ایشان را مولا خطاب می‌کنند و می‌فرمایند: اگر یک مکروه از شما سراغ داشتم این کار را نمی‌کردم، علامه ادامه می‌دهند: گوش تان به دهان رهبر باشد چون ایشان گوششان به دهان حجّت ابن الحسن (عج) است. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی نیز می‌فرمایند: ما در تمام مراحل پشتیبان نظام و رهبری هستیم ما چه حکومتی را بپذیریم که در رأس آن مثل آقای خامنه‌ای را پیدا کنیم، ایشان نعمت بزرگ خداست؛ اگر قدر ایشان را ندانیم چوب می‌خوریم^{۱۴۵}. آیت الله العظمی بهجت زندگی در این دوران را افتخار دانسته و می‌فرمایند: ما اجیر آقا امام زمانیم و مزد و پاداشمان بودن در این دوران و خدمت به نظام جمهوری اسلامی است و به چیز دیگر فکر نکنید برای طول عمر رهبر و ظهور آقا دعا کنید. حضرت آیت الله العظمی بهاء الدینی هنگام انتخاب آیت الله منتظری به عنوان قائم مقام رهبری فرمودند: ما نمی‌بینیم، این طور نیست، بعد از امام (ره) رهبر ما آقا سید علی خودمونه، قضیه قائم مقامی سر نمی‌گیرد، کسی که ما دلخوش به او هستیم، آقای خامنه-

۱۴۲- تداوم آفتاب، ویژه نامه مرداد ماه ۱۳۸۷، روزنامه جام جم.

۱۴۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ خرداد ۱۳۶۸.

۱۴۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳ بهمن ۱۳۷۳.

۱۴۵- هفته نامه پرتو سخن، شماره ۷۰۲۵، ۱۵ اسفند ۱۳۸۹، ص ۱۶.

ای است^{۱۴۶}. حتی افراد فراری مانند عطاءالله مهاجرانی که امروز در انگلیس ساکن شده در بهمن ۸۹ هنگام سخنرانی در کتابخانه کنزینگتون در مورد تفاوت انقلاب ایران و مصر می‌گوید من از ابتدای انقلاب در مجلس و دولت حضور داشته‌ام و آیت‌الله خامنه‌ای را می‌شناسم، به عنوان منتقد ایشان اقرار می‌کنم که یک نقطه خاکستری حتی نه تاریک در زندگی اقتصادی ایشان و خاندانشان نمی‌شود پیدا کرد. مواضع حکیمانه ایشان در سطح جهانی نیز اقتدار و وحدت جهان اسلام را افزایش داد و تحسین بیگانگان را برانگیخت و باعث گردید اعتبار و پرستیژ جمهوری اسلامی ایران در بالاترین سطح قرار گیرد؛ به نحوی که برخی مقامات سیاسی جهان مانند «کوفی عنان» دبیر کل سابق سازمان ملل، «پوتین»، رئیس‌جمهور سابق روسیه در دیدار با ایشان به شدت تحت تأثیر توانایی‌ها و ویژگی‌های ایشان قرار گرفتند. «پوتین» در این رابطه می‌گوید: با عنایت به مطالعاتی که درباره مسیح داشتم در ملاقات با رهبر ایران تمام ویژگی‌های نوشته شده برای مسیح را در ایشان دیدم، حکیمی بزرگ و دانشمند و همه‌جانبه‌نگر در ایران نشسته که با وجود او هیچ خطری متوجه ایران نیست من در ملاقات با ایشان معنی ولایت فقیه را فهمیدم. کوفی عنان نیز که تجربیات و معلومات زیادی اندوخته است بعد از دیدار با مقام معظم رهبری گفتند: من با همه سران جهان دیدار کرده‌ام، هیچ کدام محلی از اعراب نداشتند ولی مثل ایشان ندیدم و نمی‌توانم در برابر عظمت ایشان سکوت کنم، کاش ایشان دبیر کل سازمان ملل بودند^{۱۴۷}.

دوران رهبری حضرت آیت‌ا. خامنه‌ای دوره بسط دیدگاه‌های انقلابی امام خمینی (ره) و حفظ دستاوردها و صدور آن می‌باشد و با توجه به این که در انقلاب‌های توحیدی دوران رهبر ثانی با کارشکنی‌ها و دنیاطلبی‌های خواص همراه است این دوران به مراتب پیچیده‌تر از دوران گذشته می‌باشد، در این دوران از دل جریان انقلابی، جریانی بیرون آمده که گرچه در زبان تبعیت از ولایت فقیه دارد ولی اصل حکومت دینی را زیر سؤال می‌برد و در پوشش توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی به مفاهیم اولیه انقلاب حمله و روحیه انقلابی را تخریب و در قالب الگوی جدید اقتصادی و سیاسی که کپی برداری ناقص از تئوری‌های غربی بود؛ تغییرات اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرد و ضمن بازی با قواعد دشمن زمینه بازگشت خصم را فراهم می‌کردند. طرح، توسعه منهای عدالت، حاکمیت دوگانه، طرح مخالفت اسلام و دموکراسی، پی-گیری حاکمیت لیبرالیسم و سکولاریسم و مواردی از این دست که منجر به شکست انقلاب مشروطه گردید، از جمله اقدامات این جریان غرب زده بود که رهبر انقلاب با حاکم کردن نگاه و گفتمان دینی و نظریه «مردم سالاری دینی» این مسایل را مدیریت کرد ضمن این که از پروژه بنی صدر سازی و منتظری سازی به نفع دشمن ممانعت کردند.

در **جنگ اول خلیج فارس** که صدام به کویت حمله، و طی نصف روز آن را اشغال کرد، کوچک‌ترین اشتباه و محاسبه در این رویداد سیاسی می‌توانست نظام فارغ شده از جنگ تحمیلی را درگیر جنگ فرسایشی دیگر کند که تدابیر حکیمانه رهبر انقلاب مانع از هرگونه آسیب به کشور و نظام گردید. حضور دائم در منطقه، کنترل جمهوری اسلامی ایران، تصاحب نفت کویت با هدف کنترل سیاست‌های نفتی اپک و قیمت گذاری نفت باعث حمله همه جانبه آمریکا و متحدینش بعد از پنج ماه از آغاز اشغال کویت به عراق شد. این جنگ در نگاه جریان موسوم به چپ «اصلاح‌طلبان» فرصت خوبی برای نبرد با آمریکا که مسئول همه بدبختی‌ها بود تلقی می‌شد. صدام هم با ژست ضدآمریکایی برای جلب حمایت ایران و مسلمانان آن را جنگ اسلام علیه کفر نامید. جناح چپ بدون توجه به مواضع ولی فقیه اعلام کرد جنگ اسلام و کفر و جنگ صلیبی شکل گرفته و باید به نفع صدام که امروز «خالد بن ولید» است وارد جنگ بشویم! این جریان در چرخشی کامل امروز دنبال مذاکره و امتیاز دادن به آمریکا هستند. رهبر معظم انقلاب با درایت خود ضمن محکوم کردن حمله عراق به کویت و اعلام موضع بی‌طرفی فرمودند که این جنگ حق و باطل نیست و هدف آنها نابود کردن اسلام و غارت نفت است. ایشان ماهیت جنگ را باطل و بدون مبنای شرعی و عقلی دانستند و ضمن ناکام کردن سناریوی آمریکا به جهانیان اثبات کرد که جمهوری اسلامی هیچ گاه دنبال انتقام نیست و این اقدام اعتبار زیادی برای ام‌القرای جهان اسلام حاصل کرد، حوادث

^{۱۴۶}- روزنامه کیهان، شماره ۱۹۶۶۲، ۱۶ خرداد ۱۳۸۹، ص ۱۲

^{۱۴۷}- روزنامه رسالت، ۲۶ خرداد ۱۳۸۳، ص ۹.

بعدي درستی تحليل رهبري را آشکار کرد زیرا اسفند ۱۳۶۹ هم زمان با حمله آمریکا به عراق و عقب‌نشینی حزب بعث شیعیان عراق قیام کردند و آمریکا دست صدام را برای کشتار مردم باز گذاشت. با روشن شدن حقایق قریب به ۲۰۰ نماینده مجلس سوم طی نامه‌ای مراتب تقدیر خود را از تدابیر مقام معظم رهبري ابراز کردند.

اواسط سال ۱۳۷۵ هم‌زمان با پایان دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی، برخی از افراد مانند عطاءالله مهاجرانی، عبدالله نوری، حسین مرعشی و حسن روحانی بحث **تغییر قانون اساسی و مادام‌العمر کردن** ریاست‌جمهوری ایشان را مطرح کردند که رهبر معظم انقلاب اعلام کردند که بی‌تردید بعد از پایان دوره ریاست‌جمهوری ایشان، مسئولیت‌های بزرگ دیگری عهده‌دار خواهند شد. همچنین در سال ۱۳۸۷ آقای خاتمی **لوايح دوقلو** را به مجلس برد که به موجب آن رئیس‌جمهور می‌توانست مصوبات مجلس و قوه قضائیه را وتو کند و دنبال افزایش غیر قانونی اختیارات رئیس‌جمهور و حذف شورای نگهبان بود. از سویی یکی از اصول قانون اساسی؛ یعنی تفکیک قوا نقض می‌شد همچنین بنا بود هرکسی که تابعیت ایرانی دارد، ولو یک امریکایی با سطح سواد خواندن و نوشتن بتواند داوطلب ورود به مجلس شود! که رهبري مانع از طرح آن شدند، فی الواقع کسانی که امروز ولایت فقیه را متهم به دیکتاتوری می‌کنند خود به دنبال نهادینه کردن دیکتاتوری بودند و تدابیر رهبر معظم انقلاب بود که جمهوریت نظام را حفظ کرد.

در **جنگ دوم خلیج فارس** (حمله آمریکا به افغانستان و عراق ۲۰۰۳-۲۰۰۱م) برخی افراد جناح اصلاح‌طلب با هدایت آمریکا خواهان پیوستن ایران به آمریکا در جنگ شدند. مجلس ششم و دولت اصلاحات نیز خواهان همراهی با آمریکا بودند امریکایی‌ها هم این درخواست را داشتند. مقام معظم رهبري ضمن شرم‌آور خواندن درخواست امریکایی‌ها، تجاوز آنها را محکوم کرد و از ملت عراق حمایت کردند. فی الواقع اسلام اجازه نمی‌داد مسلمین تحت فرماندهی دولت کفر و متجاوز به بهانه اتهامات اثبات نشده خون مسلمین را بریزند. امروز صحت و درستی تحلیل رهبري مشخص شد و آمریکا در همه عرصه‌ها با شکست مواجه شد و مجبور به ترک عراق گردید، هدف اصلی امریکایی‌ها ضمن تضعیف نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی ایران رودر روی قرار دادن مسلمانان با جمهوری اسلامی ایران بود که در این توطئه ناکام ماند و در سوی دیگر ضمن حفظ استقلال، عزت و پایداری جمهوری اسلامی رهبري ایران بر جهان اسلام و منطقه تثبیت شد.

هم‌زمان با **حمله آمریکا به افغانستان** «جیمز وولسی» رئیس اسبق سازمان سیا اعلام کرد که جنگ جهانی چهارم آغاز شده و ما باید تکلیف خود را با ۲۲ کشور روشن کنیم، جرج بوش هم آن را آغاز جنگ صلیبی برای صورت بندی طرح خاورمیانه بزرگ و آغاز قرن جدید امریکایی با تجزیه ایران، سوریه و عراق دانست. دولت و مجلس اصلاحات در همان هنگام با احساس وحشت طی نامه‌ای به رهبري از ایشان خواستند جام زهر را بنوشند و تسلیم آمریکا شوند که مقام معظم رهبري ضمن توصیه آنها به ایستادگی؛ فرمودند که خاورمیانه جدید با محوریت اسلام شکل خواهد گرفت که با انقلاب-های اسلامی در منطقه و خروج آمریکا از منطقه پیش‌بینی معظم له تحقق یافت. مؤسسه امریکن اینترپرایز نیز اعلام کرد، مواضع رهبر عالی ایران سیاست‌های جورج بوش را نابود کرد. روزنامه «هرالد تریبون» نیز اعتراف کرد تیم آمریکا در همه جبهه‌ها تقریباً در حال باختن به ایران است زیرا ایران باهوش و جسور و بی‌پاک است و شبکه نفوذی در منطقه ایجاد کرد ولی آمریکا احمق و ضعیف است.^{۱۴۸}

در ماجرای **فتنه ۱۳۸۸** که پیچیده‌ترین توطئه در تاریخ انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و در شرایطی رخ داد که بسیاری از خواص مدعی، سرگردان و در نهایت مردود شدند، درایت رهبري کشور را از خطر نابودی حفظ کرد. ایشان ضمن هشدار به وقوع حوادث سال ۸۸ قبل از انتخابات، با بصیرت‌بخشی به مردم طی ۸ ماه؛ ائتلاف شکل گرفته، جریان اصلاحات با ضد انقلاب خارج نشین، سلطنت طلب‌ها، بهائیان، کومله و دموکرات و طراحان انقلاب مخملی مانند جورج سورس، جین شارپ و ریچارد رورتی که در یک جنگ نرم تمام عیار به براندازی انقلاب کمر بسته بودند را رسوا ساختند

^{۱۴۸}- روزنامه کیهان، ش ۱۹۴۸۵، ۲۰مهر ۱۳۸۸، ص ۲.

و مخالفت آنها را با خط امام (ره) و اسلام ناب محمدی (ص) آشکار ساختند، زیرا طرفداران آنها در خیابانها رسماً شعار می دادند؛ انتخابات بهانه است اصل نظام نشانه است! و لذا عقبه اجتماعی و پایگاه آنها را با بصیرت بخشی جدا کردند. و از طرفی زیر بار درخواست غیرقانونی برای ابطال نرفتند؛ زیرا با پذیرش ابطال از سوی ایشان قانون انتخابات و تمامی مراجع قانونی و انتخابات گذشته بی اعتبار می شد و اردوکشی های خیابانی مشروعیت می یافت، از طرفی بعد از ابطال ضمن حذف رئیس جمهور قانونی، آنها با ادعای این که رهبری عدالت و شجاعت ندارد؛ مشروعیت رهبری را زیر سؤال و زمینه حذف ولایت فقیه را فراهم می کردند و در این شرایط آمریکایی ها نیز با مداخله نظامی به اهداف خود می رسیدند. لذا بی جهت نبود که بعد از خطبه های تاریخی نماز جمعه رهبر انقلاب، «برژینسکی» سیاستمدار کهنه کار آمریکایی گفت: بهترین تصمیم گیری و مقابله با بحران را رهبری ایران مدیریت نمودند^{۱۴۹}. طی دوران بعد از انقلاب اسلامی همواره سخنان و رفتار امام(ره) و مقام معظم رهبری اثری مثبت و عمیق بر فضای معنوی جامعه داشته است که در مقایسه با عملکرد و تنگ نظری ارباب کلیسا و جمود و ریاکاری آنها خود را نشان می دهد. طی این دوران نه تنها خودرایی از ولایت فقیه دیده نشد، حتی در مواردی که نظر مردم یا دولت با نظر آنها متفاوت بوده است، هیچ گاه درصدد تحمیل نظر خود برنیامده اند گرچه همواره صحت توصیه های آنها روشن شده است.

در سال ۱۳۹۲ همزمان با شکل گیری گروهک تروریستی داعش توسط آمریکا و ارتجاع عرب، ۱۰۰ کشور طی اجلاسی در ترکیه اعلام کردند دولت سوریه طی یکماه آینده سقوط خواهد کرد و از ایران نیز خواستند در این ماجرا دخالت نکند و نظر برخی از مسئولان نیز این بود که داعش پدیده ای حساب شده جهت درگیر کردن ایران با جهان اسلام می باشد و ما نباید دخالتی داشته باشیم. رهبر انقلاب اعلام کردند بر خلاف جنگ اول و دوم خلیج فارس که مداخله نکردیم با توجه به اهداف آمریکا ما باید به محور مقاومت کمک کنیم. لذا با ورود ایران معادله به نفع جبهه مقاومت تغییر کرد و این موضوع دو دستاورد به همراه داشت: ۱- نابودی داعش که اعلام کرده بود بعد از ایجاد دولت در شامات با رافضی های ایرانی! خواهد جنگید؛ که کشور نیز از آسیب های آن که بمراتب از جنگ تحمیلی بیشتر بود مصونیت یافت؛ ۲- افزایش و تثبیت اقتدار ایران در برابر یکصد قدرت جهانی حاضر در دو قرن اخیر برای اولین بار، و تحمیل اراده خود بر آنها و گسترش نفوذ ایران در منطقه فوق استراتژیک خاورمیانه.

در ارتباط با مصلحت سنجی های رهبری در برخی موارد باید گفت از ۱۷۷ اصل قانون اساسی؛ ۴۲ اصل مرتبط با قوه مجریه، ۲۲ اصل مرتبط با قوه قضاییه و ۱۷ اصل مرتبط با رهبری می باشد که وظایف هر یک به تفصیل بیان شده است و رهبری یک مدیریت کلان و ارزشی است نه اجرایی، و قانوناً نمی تواند در مسئولیت ها جز در موارد خاص و استثنایی دخالت کند. از طرفی خلاء نهادی موجود در دستگاهها برای تحقق سیاست های کلان رهبری در قانون اساسی وجود دارد. از سویی ورود رهبری مستلزم پذیرش و همراهی کامل مردم و خواص می باشد. نظام مردم سالارانه کنونی نباید شائبه نقض آن توسط دشمن القاء شود، زیرا حفظ انقلاب منوط به حمایت و حضور مردم در صحنه می باشد و نبود امکان تعامل قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی (مردم) زمینه فروپاشی حکومت ها را فراهم می سازد. طبق قانون بودجه ۸۰ درصد بودجه حاکمیت و ۴۰ وزارتخانه و سازمان عریض و طویل نیز در اختیار قوه مجریه می باشد. با این حال بیشترین تأکید بر حل مشکلات را رهبری دارند و با کمک نهادهای زیر مجموعه خود مثل بنیاد مستضعفان، قرارگاه خاتم، کمیته امداد، ستاد اجرایی فرمان امام و... کم کاری های سایر قوا را تا حدودی جبران می کند. به هر حال مردم باید با انتخاب افراد اصلح به وظیفه خود عمل کنند تا بسیاری از مشکلات شکل نگیرد. نظام هم دیکتاتوری نیست که رهبری بخواهد در هر موضوعی ورود کند و اساساً شدنی هم نیست. اگر بنی صدر توسط مجلس عزل نمی شد و امام او را قلع و قمع می کرد تاریخ به

^{۱۴۹}- ویژه نامه، روزنامه ایران، ۱۸ مهر ۱۳۸۸، ص ۱۳۷.

قانونمند بودن این نظام احترام نمی‌گذاشت تا در آینده بتوان به این قانون تمسک جست و با وجود خیانت‌های آشکار شده بنی‌صدر برای مردم عزل او در تابستان ۱۳۶۰ به جنگ داخلی هرچند کوتاه مدت منجر و ۱۷۵۰۰ نفر از جمله دکتر بهشتی، رجایی و باهنر به شهادت رسیدند. در سیره امام علی (ع) و پیامبر (ص) نیز تحمّل اینگونه افراد مثل ابوموسی اشعری، اشعث بن قیس، خالد بن ولید، شریح قاضی، عبدالله بن ابی و سایر افراد منافق و فاسد به دلیل مصالحی بزرگتر مرسوم بوده است که برخی از آنها نیز مسئولیت‌های مهمی داشته‌اند. مهمترین عوامل مؤثر بر شیوه رفتاری رهبران عبارتند از: وضعیت و همراهی خواص و مردم؛ وضعیت دشمن مثلاً برخورد با یزید و معاویه دو سیاست متفاوت می‌طلبید؛ میزان و کیفیت تهدید متوجه حکومت و شریعت می‌باشد. گاهی اگر ظرفیت بالایی از حق را مطالبه کنید، ممکن است به نتیجه نرسد، لذا تقیه و مصلحت یعنی؛ عقلانیت در مبارزه و قدرت و جهاد آخرین راه می‌باشد. قریب به یک سوم از نهج البلاغه مربوط به توبیخ و هشدار به مفسد مالی کارگزاران، آنهم در علوی‌ترین حکومت تاریخ می‌باشد؛ زیرا حضرت ناچار بود از همان ظرفیت‌های موجود استفاده نماید. از طرفی اگر جامعه دوقطبی شود و امکان تعامل قدرت سیاسی (حکومت) با قدرت اجتماعی (احزاب و مردم) فراهم نباشد زمینه اضمحلال حکومت‌ها شکل می‌گیرد و نباید شرایط برای رادیکال شدن برخی افراد و جریان‌ها ایجاد شود و با حفظ مصالح حکومت آنها نیز بتوانند در انتخابات و سایر امور مشارکت داشته باشند. امام علی (ع) طی سالهایی که در مسند حکومت قرار داشت علی‌رغم تلاش‌های فراوان برای احیای اسلام ناب و برقراری عدالت و کسب توفیقات فراوان، لکن به دلیل انحراف جامعه اسلامی از قرآن و عترت پیامبر (ص)، طی سخنرانی سی مورد از سنت‌های نوظهور مخالف سنت پیامبر (ص) را برشمردند و اینکه بدعت‌های عمدی خلفا و عهدشکنی آنها با پیامبر (ص) و تغییر سنت پیامبر (ص) را دیدم و اعلام کردم که نباید آنها را انجام دهید ولی بیم شورش و تفرقه و جدایی می‌رفت. (اصول کافی، ج ۸، ص ۶۳) بنابراین حفظ اساس و موجودیت نظام اسلامی که بستر اجرای احکام دین است از هر چیز مهمتر می‌باشد.

۸- ماهیت و شاخص‌های گفتمان اسلام آمریکایی و غیرانقلابی را به عنوان اصلی‌ترین تهدید و چالش انقلاب اسلامی در مقایسه با مدیریت اسلام ناب و انقلابی؛

از ابتدای انقلاب اسلامی دو گفتمان و سبک مدیریتی برای اداره کشور مطرح بوده است: ۱- گفتمان اسلام آمریکایی؛ ۲- گفتمان اسلام ناب؛ که هر کدام آثار و پیامدهایی را در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بدنبال داشته است.

مختصات اسلام آمریکایی: آنها براین عقیده‌اند که اسلام نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ندارد. (معتقد به سکولاریسم) از جمله مبانی فکری آنها؛ عدم باور به حاکمیت سیاسی اسلام و ولایت فقیه و تلاش برای به چالش کشیدن نظام؛ مثل ایجاد و حمایت از فتنه‌های مختلف از جمله فتنه ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ می‌باشد. از نظر اقتصادی اشرافی‌گرا و دارای مفسد گسترده اقتصادی و برخوردار از حقوق‌ها و ثروت‌های نجومی هستند، در حالی که امام خمینی (ره) سرچشمه همه بدبختی‌های کشور را حضور مرفهین بی‌درد در مصادر قدرت می‌دانستند و فرمودند: «آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید فاتحه دولت و ملت را باید بخوانیم». (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۷۶). راهکار آنها برای اداره کشور؛ غرب‌گرایی و وابستگی به قدرتها و نگاه به بیرون از مرزها با وجود تجربیات فراوان از خیانت‌ها و جنایات غرب، به جای تکیه بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای می‌باشد. در حالی که صادرات ایران به اروپا در سال ۱۳۹۹ کمتر از یک میلیارد دلار و همراه با تعهدات سیاسی می‌باشد صادرات ما به عراق ۱۵ میلیارد دلار همراه با گسترش نفوذ سیاسی و فرهنگی می‌باشد، ولی به دلیل دوتابعیتی بودن و یا حضور خانواده‌هایشان در غرب همچنان منافع ملی را نادیده می‌گیرند. ظواهر اسلامی را حفظ می‌کنند ولی تهی از مبانی دینی مثل ولایت مداری، استکبار ستیزی، مرزبندی با دشمن (نداشتن تبری و تولی)، ساده زیستی و مردم‌مداری هستند و اندیشه باطل خود را در زوروق شرعی ارائه می‌کنند. در سیاست‌ورزی طرفدار «نظریه ماکیاولیسم» هستند؛ یعنی برای رسیدن به قدرت به ویژه ایام انتخابات، به هر وسیله‌ای هرچند نامشروع تمسک می‌یابند. در فرهنگ اهل ولنگاری اخلاقی می‌باشند؛ و

تضعیف ارزشها را دنبال می‌کنند و راه را برای ورود اندیشه‌های ضددینی فراهم می‌کنند. در سیاست خارجی متوهم هستند؛ اعتماد به ساختار ظالمانه نظام بین‌الملل و مناسبات آن، وابستگی، سازش و تسلیم در برابر دشمن را تأمین‌کننده امنیت و منافع ملی می‌دانند و مرزبندی با دشمنان ندارند. تمام استانداردها و قواعد دشمن مثل سند ۲۰۳۰، FATF-npt، استانداردهای ضد دینی حقوق بشری و سایر قواعد آنها را می‌پذیرند. شعار و منطق آنها نمی‌شود؛ نمی‌توانیم و می‌ترسیم است! در راستای منویات غرب دنبال کاهش توان نظامی و منطقه‌ای کشور می‌باشند. موفقیت دشمن همواره به بسترسازی آنها منوط بوده است.

حاکمیت این جریان لیبرال به تعبیر امام (ره) بزرگترین تهدید برای انقلاب اسلامی می‌باشد که امام با التماس از مردم خواسته‌اند برای حفظ انقلاب اجازه ندهند آنها به قدرت برسند. در حالی که امام (ره) فرمودند اگر دشمن از شما تعریف کرد بدانید از مسر صحیح خارج شده‌اید، حدود ۳۰۰ نفر از سران این جریان به غرب پناهنده و علیه انقلاب فعالیت می‌کنند و همواره در داخل کشور نیز به صورت علنی مورد حمایت دشمنان بوده‌اند. «شیمون پرز» و «نتانیاها» رئیس و نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی علناً آنها را سرمایه اسرائیل در مبارزه با جمهوری اسلامی ایران می‌خوانند! امروز با وجود ظرفیت‌های فراوان داخلی برای پیشرفت که رهبر انقلاب تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» ابلاغ نمودند و اجرای آن باعث حل ریشه‌ای مشکلات کشور و استقلال آن می‌شود، به دلیل ولایت‌گزینی مدیران این جریان در سالهای طولانی حضورشان در دولت و مجلس، کشور را با مشکلات اقتصادی مواجه کردند؛ به عنوان نمونه در اقتصاد مقاومتی تأکید بر عدم خام فروشی و بهره‌وری، اقتصاد دانش‌بنیان، مبارزه با فرار مالیاتی، فساد و قاچاق، توجه جدی به کشاورزی می‌باشد، لکن به دلیل ضعف مدیریتی این جریان و نفع آفازدایشان در واردات، توجهی به اقتصاد مقاومتی نشد و کشور را به صورت مصرفی که باعث آسیب جدی به تولید داخلی می‌شود، بار آوردند. بعد از پایان جنگ احساس نیاز به برنامه‌ریزی و طراحی کلان برای همه مناسبات و سازماندهی آن باعث شد برخی به تئوری‌های غربی استناد جویند، لذا رویکرد مردم و مسئولین در آن دهه به دنیاگرایی منحرف شد، از طرفی استراتژی استکبار هم تغییر کرد و از براندازی به استحاله روی آوردند. دولت‌های لیبرال غربگرا در این دوران دنبال تقلید و کپی‌برداری ناقص از طرح‌های دیکته شده سازمان‌های جهانی تحت نفوذ استکبار بودند، از سوی هوشیاری و تبلیغات دشمن باعث شد لیبرال دموکراسی غرب به آرمان برخی تبدیل شود.^{۱۵۰} از مهمترین آسیب‌های انقلاب، انحراف کارگزاران از آرمانهای آن می‌باشد که به دلیل تأثیر از الگوهای غربی، بدعت و هواپرستی جامعه اسلامی را تهدید کردند و برای توجیه اقدامات خود دست به قرائت جدید زدند و اصول را انکار کردند. برخی نیز بدون شناخت و ایمان به آرمانهای انقلاب برای بهره‌گیری از شرایط آمده بودند که نتوانستند این مسیر را طی کنند و چهره واقعی خود را نشان دادند. همان‌طور که در انقلاب پیامبر (ص) بعدها امثال طلحه و زبیر و در انقلاب موسی (ع) بلعم باعورا و سامری بر اثر هوی‌پرستی و دنیاطلبی در برابر مسیر حق ایستادند. مهم‌ترین آسیبی که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند بی‌توجهی به رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و رهبری است. از اوایل دهه هفتاد سازندگی کشور در شرایط ویرانی بعد از جنگ و تحریم آغاز گردید و برای توسعه و بازسازی کشور ملهم از سرمایه‌داری غرب با هدف بازسازی و همگرایی بیشتر با جهان برنامه‌هایی اجرا گردید. سیاست‌های جدید، روحیه سودجویی و ایجاد ثروت را در جامعه به نفع طبقات خاصی دامن زد. مدیران گفتمان اسلام آمریکایی با طرح‌های تقلیدی سطحی و غیر نقادانه از الگوی توسعه مدل‌های غربی بدون توجه به اصول و آرمان‌های انقلاب بر امور اجرایی تسلط یافتند. عدم توجه کافی به اهداف انسانی و فرهنگی و اجتماعی، اهداف و ارزش‌های انقلاب، مشکلات زیادی را در جامعه ایجاد و منجر به گسترش شکاف و رشد تورم در کشور شد.^{۱۵۱} آنها معتقد بودند و برای بازسازی کشور باید کمک‌ها و وام‌های بین‌المللی را دریافت نمود. بدین منظور باید از اصول انقلاب عقب‌نشینی می‌کردند و مسایل فرهنگی را از فضای اسلامی خارج می‌کردند و با تساهل و تسامح راه را برای ورود اندیشه‌های ضد دینی هموار کردند و کشور را جولانگاه نفوذی‌های دشمن نمودند و کشور را به لبه پرتگاه بردند و ایمان، امید و اعتماد مردم را مخدوش کردند. بخشی از تئوری‌های اقتصادی آنها بر اندیشه اقتصادی «جان کینز» مبتنی بود که بر اساس آن ثروت باید طوری توزیع شود که اکثر آن به دست ثروتمندان برسد تا با سرمایه‌گذاری مجدد دوباره سود آن به کشور برگردد؛ زیرا اگر این ثروت به فقرا داده شود به

^{۱۵۰} - اسماعیل شفیعی سروستانی، استراتژی انتظار، (تهران: موعود عصر، ۱۳۸۴)، چ پنجم، صص ۳۰ و ۲۰.

^{۱۵۱} - عبدالله شمس، حزب کارگزاران سازندگی، (قم: تحسین، ۱۳۸۲)، ص ۱۲.

دلیل اشباع نبودن آنها، این پول خرج تجملات و نداشته‌های آن می‌شود و به اقتصاد بر نمی‌گردد، غافل از این که ثروتمندان ایرانی اشباع نشده بودند و انگیزه لازم نیز برای سرمایه‌گذاری نداشتند، لذا فاصله طبقاتی در کشور روزبه‌روز گسترش یافت، ادبیات اقتصادی و توسعه‌گرای دهه هفتاد به دلیل ماهیت کاپیتالیستی خود توقعات و انتظارات مردم را گسترش می‌داد و در کنار سازندگی و توسعه کشور مردم انتظار داشتند از این امکانات آسان‌تر و ارزان‌تر بهره ببرند ولی در عمل این قضیه اتفاق نیفتاد. هم زمان با آغاز دوران سازندگی کشور زمینه ایجاد پول شویی و رانت خواری برای برخی افراد و کارگزاران دولتی و خصوصی فراهم گردید^{۱۵۲}. مقام معظم رهبری در این دوران به مناسبت‌های مختلف بر محوریت عدالت اجتماعی تأکید و توسعه منهای عدالت را مذموم می‌دانستند. این تفکر و بینش اقتصادی بعد از جنگ بر اقتصاد کشور حاکم بود، لذا امروز از بین بردن آثار منفی آن به زمان زیادی نیاز دارد، زیرا ساختارهای اقتصادی بر اساس آن بنا شده و گسترش یافته است. علی-رغم این مسایل، روند پیشرفت کشور نسبت به بسیاری از کشورهایی که شرایطی مشابه شرایط ما داشتند قابل مقایسه نیست، لکن انتظاراتها بیشتر از این می‌باشد.

مختصات اسلام ناب: مهمترین ویژگی معتقدین به این گفتمان بر خلاف تفکر اسلام آمریکایی اعتقاد به مقاومت به‌جای سازش در برابر زورگویی‌های سلطه‌گران؛ و کم هزینه و پربازده بودن مقاومت در مقایسه با سازش به خاطر تجربه داخلی و بین‌المللی؛ اعتقاد به ظرفیت‌ها و توانمندیهای داخلی به جای تکیه و اعتماد به دشمن، ایستادگی هوشمند همان‌طور که در مقابل صدام و داعش به پیروزی رسیدیم، کما اینکه در مراحلی که با غرب در موضوع هسته‌ای سازش کردیم جز خسارات فراوان و اتلاف ظرفیتها و اقتدار چیزی عایدمان نشد. مدیریت اسلام ناب انقلابی و جهادی؛ و بر خلاف مدیریت اسلام آمریکایی سازشکار که پر هزینه (حقوق‌های نجومی و اختلاس) و کم‌بازده می‌باشد، مدیریتی پربازده و کم‌هزینه و درونگراست که تا حد تقدیم جان برای مردم و وطن می‌باشد؛ که نمونه آن کارآمدی را در جنگ و دستاوردهای عظیم نظامی که ایران را به چهارمین قدرت نظامی جهان تبدیل کرد، می‌بینیم. اعتقاد به نصرت الهی و توکل بر خدا و حمایت از مؤمنین، معنویت‌گرایی و عدالت‌خواهی و حمایت از مستضعفان از مهمترین مبانی فکری آنهاست و البته پیشرفته‌ها اثبات کرد که سرسپردگی عامل اصلی عقب ماندگی‌های کشور است. تأمین امنیت و اقتدار کم نظیر کشور و تبدیل ایران به چهارمین قدرت پهبادی، زیردریای سازی و موشکی جهان در تحریم کامل که از دانش بسیار پیشرفته برخوردار هستند؛ حاصل مدیریت آنهاست؛ ولی می‌بینیم در حوزه اقتصاد و تولید خودرو با وجود ارتباط با خودروسازی غرب، که عموماً در اختیار جریان غربگرای غیرانقلابی بوده، از مشکلات زیادی رنج می‌برد! جریان انقلابی در پناه تبعیت از رهبری، توکل بر وعده الهی، بکارگیری جوانان و ظرفیت‌های داخلی به اهدافش رسید و تهدیدات را خنثی و تفکر تهدید را سلب و قاطعیت انقلابی خود را بر دشمن دکته نمود. در عرصه سازندگی نیز محرومیت زدایی و کارهای بزرگ عمرانی را به ثمر نشاند. **سؤال اینست که کدام نگاه ما را به مقصد و اهداف می‌رساند؟**

۹- تبیین ماهیت و ابعاد جنگ نرم، شگردها و تاکتیک های جنگ نرم؛

با پایان جنگ تحمیلی (جنگ سخت) دشمن متوجه شد قدرت اصلی و مبنای انقلاب در عامل عقیده، ایدئولوژی و تفکر آن است، و رابطه مردم و نظام، اعتقادی است و تا باورها و اعتقادات و افکار تغییر نکند؛ جمهوری اسلامی نیز از بین نخواهد رفت زیرا باور؛ اعتقاداتی است که فرد برای رسیدن به آن تلاش می‌کند. دشمن سعی می‌کند با حذف باورمندی جامعه و اراده مقاومت، آن را استحاله کند، و ملتی دارای آرمان راه، از آرمان‌ها و الگوهایش تهی و توسط همان ملت آن آرمان‌ها به چالش

^{۱۵۲} - مصباحی مقدم، «واکاوی دو دهه اقتصاد ایران و برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی»، فصلنامه مطالعات سیاسی روز شماره سیزده، (پاییز ۱۳۸۳)، ص ۱۱.

بکشد. «جوزف نای» پدر جنگ نرم می گوید: با حمله به ارزشهای دیگران می توان از جذابیت‌های آن کاست. «جان آر. کیولا» در کتاب جنگهای شبکه‌ای می گوید: در جنگ‌های آینده برنده کسی نیست که بزرگترین بمب‌ها را دارد؛ بلکه برنده کسی است که بهترین روایت‌گری را دارد. مثلاً شما با دو نوع روایت از موشک می‌توانید آن را عامل بازدارندگی و اقتدار معرفی کنید یا اینکه مغرضانه با دروغ آن را هزینه‌سازی اضافی معرفی نمایید!

بنابراین جنگ نرم یعنی مدیریت حُب و بُغض دیگران و تغییر رفتار و ذهنیت افراد، جنگ باورها و اعتقادات و اینکه کاری کنید که دیگران با کمترین هزینه و با اقتناع، باورها و هنجارهای شما را بپذیرد. است. بنابراین جنگ نرم نیازمند عنصر؛ زمان طولانی، تحریف واقعیات بر اساس مطلوبیت‌های دشمن، تئوری‌سازی و ایجاد گفتمان، یارگیری و همراه‌سازی نخبگان و توده‌ها و تحریف مدل سیاسی موجود است. رفتار عمومی در عرصه فرهنگ، سیاست، اخلاق و... ناشی از افکار عمومی است و اگر کسی افکار عمومی را مدیریت کند در واقع رفتار عمومی را مدیریت کرده است. جنگ نرم ناشناخته است دشمن با روش تصرف قلوب و اذهان مردم و نخبگان به وسیله اطلاعات دروغ و تحریف واقعیات نسبت به مسئله مورد نظر، دنبال اقتناع آنها و بعد تحریک و ایجاد هیجان برای نافرمانی مدنی است. لذا با ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت و سلب اعتبار و مشروعیت آن، کارآمدی و مقبولیت نظام را زیر سؤال می‌برد و با سلب اراده و انگیزه مردم، آنها را بی‌تفاوت یا مخالف می‌کند. هدف بلند مدت نظام سلطه القاء این مطلب است که ما از شما برتریم و زمانی که این مطلب را القاء کرد خود به خود تبعیت از آنها را در پی خواهد داشت، لذا میلیاردها دلار هزینه می‌کنند که بهترین هنرپیشه‌ها، معماران، سینما، لباس، موسیقی و ورزشکارها، از آنها باشد تا هر جا نگاه کردیم، اعتراف کنیم غرب از ما در همه عرصه‌ها برتر است! انقلاب اسلامی یک تفکر است لذا با تهاجم نظامی و اقتصادی از بین نمی‌رود بلکه با تفکر سازی آسیب می‌بیند. ایجاد و تقویت NGOها (نهادهای غیر دولتی) و جنبش‌های اجتماعی مثل جنبش فواحش، بیکاران، هنرمندان (سلبیریتی‌ها)، معتادان، صوفی‌گری منحرف، فرقه‌های علی‌اللهی، نعمت‌اللهیه، عرفان‌های کاذب، بهائیت، وهابیت، جریان‌های شیطان پرست مروج گناه و شر، گروه‌های هوی متال، راک، رپ با اندیشه‌های شرک آلود و نهلیستی، انحرافات جنسی و اخلاقی، دین زدایی، جریانات فمینیستی و.. در این راستا با هدف سیر و سلوک در کنار جنس مخالف همراه با موسیقی و مواد مخدر، در همین راستا می‌باشد. به گواهی تاریخ هر گاه مسلمانان از روح تعالیم آسمانی خود فاصله گرفتند به نابودی و افول گرفتار شدند و برای نهادینه کردن آن به تبلیغ جریان کثرت‌گرایی مدعی حقایق همه مکاتب می‌پردازد و از محرّمات جدی قباحت زدایی می‌کنند. بیشترین ضربات بر وحدت اسلامی و ارزش‌ها از این طریق وارد شده است؛ در گام بعد با قداست شکنی دنبال تہی کردن مذهب تشیع از محتوی هستند؛ انتشار کتاب آیات شیطانی، توهین به مقدسات، طراحی کاریکاتور پیامبر (ص) و ساخت برنامه‌ها، فیلم و بازی‌های رایانه‌ای علیه تشیع در همین راستا صورت می‌گیرد، در گام دیگر فساد و ابتذال را عادی و تئوریزه می‌کند، مانند همان کاری که در آندلس کردند و با گسترش فساد و فحشا و شراب‌خواری به حاکمیت اسلام در آن منطقه پایان دادند. در گام آخر جای ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها جابجا می‌شود و لذت‌جویی و سود شخصی (اومانیزم) محور تمام مناسبات بشری قرار می‌گیرد و منکرات؛ معروف و حساسیتی نیز ایجاد نمی‌شود. مهمترین اهداف و نتایج جنگ نرم و شناختی عبارتند از: ۱- معنویت زدایی؛ به عنوان عامل اصلی بیداری و ایستادگی، ظلم ستیزی و اخلاق‌مداری؛ ۲- تغییر سبک زندگی به مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی؛ ۳- ترویج خیانت به همسر، سقط جنین، قبح زدایی از روابط نامشروع و ایجاد بلوغ زودرس و ایجاد میل به تنوع طلبی جنسی؛ ۴- در عرصه سیاسی؛ مهندسی اطلاعات و تحریف واقعیات، ترویج تجزیه طلبی و تضعیف اقتدار و مشروعیت و تحریک و آموزش آشوب و اعتراضات را دنبال می‌کنند.

جنگ نرم از چهار رخنه‌گاه مدیریت می‌شود: ۱- رخنه‌گاه و عرصه **جهل** و ناآگاهی مردم و مسئولین نسبت به؛ هویت دینی و ملی، حقایق انقلاب، مناسبات جهانی، توانمندی‌ها، دوست و دشمن، تاریخ و... لذا دشمن از جهل افراد به این مسایل بهره می‌برد، و با سیاه‌نمایی، وارانه‌سازی و تحریف حقایق و بحرانی جلوه دادن شرایط بیشترین استفاده را می‌برد، شبهات و شایعات گوناگونی که در رسانه‌ها پخش می‌شود در صورتی که آگاهی لازم وجود نداشته باشد باعث می‌شود افراد جامعه هدف، در زمین دشمن بازی کنند. جهل مردم همواره عامل موفقیت دشمن در دین‌سازی، ایجاد تفرقه، شایعه‌سازی و شبهه افکنی بوده است. امام علی (ع): می‌فرماید: مردم دشمن چیزی هستند که بدان جهل دارند. عمرو غاص هم به معاویه می‌گفت برنده‌تر از ذوالفقار علی (ع) جهل مردم می‌باشد. لذا خداوند در قرآن بدترین جنبندگان روی زمین را کسانی می‌داند

که تعقل نمی‌کنند(انفال/۲۰) و در سوره حجرات/۶ می‌فرماید: اگر فاسقی خبری برای شما آورد تحقیق کنید مبدا به سخن چینی فاسقی از نادانی، به قومی رنجی رسانید و سخت پشیمان شوید؛ ۲- رخنه‌گاه حاکمیت احساسات و **انزوای عقلانیت**؛ که ناشی از رخنه‌گاه اول است و زمانی که تفکر و عقلانیت کنار برود، تصمیمات و مواضع؛ احساساتی و هیجانی خواهد شد و در این بین منافع ملی فراموش و حق و باطل نادیده گرفته می‌شود؛ خرافه‌گویی و دوری از حقایق و واقعیات نیز ناشی از این مسئله است و قضاوت‌ها عموماً با هدایت دشمن بر اساس احساسات و هیجانات صورت می‌گیرد؛ ۳- رخنه‌گاه **حاکمیت شهوات** و غرایز؛ این موضوع نیز نتیجه منطقی دو گزاره قبلی است، رفتار احساسی انسان را به دام شهوات گرفتار می‌کند، دشمن با ابزار رسانه‌ای مانند ماهواره و اینترنت دنبال از بین بردن حساسیت حیا و غیرت دینی جوانان می‌باشد و از طرفی خیانت به همسر، تنوع طلبی و فساد و فحشاء اخلاقی و عادی سازی روابط نامشروع حتی با محارم را از این طریق نهادینه می‌کند. فروپاشی کانون خانواده به عنوان قدرت فرهنگی و اجتماعی از این کانال صورت می‌گیرد. هدف این لایه از تهاجم فرهنگی این است که انسان‌ها ولایت‌گریز شوند زیرا همواره دشمنان ولایت الهی، انسان‌های هوسباز و فاسد بوده‌اند که تحت ولایت نفس امّاره و طاغوت (اندیشه غرب‌الحادی) قرار داشته‌اند، چنین انسان‌هایی نمی‌توانند ولایت اولیای الهی را بپذیرند؛ زیرا نقش تربیتی ولایت، اصلاح اخلاق انسان‌ها را به همراه دارد چنین انسان‌هایی که از نظر فکری تحت ولایت طاغوت هستند به طور طبیعی نظامات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از آن را نیز، ناگزیر می‌پذیرند؛ ۴- رخنه‌گاه ضعف **بنیه علمی و اقتصادی**؛ شاخص‌هایی چون بی‌عدالتی، توزیع غلط ثروت، مصرف‌گرایی، اسراف و تحریم‌ها در این مقوله جای می‌گیرد. «مارک پالمر» از استراتژیست‌های معروف آمریکا و مدیر دپارتمان تحقیقاتی مرکز سیاست خارجی «سابان» در گزارش اخیر خود با ایده تهاجم نظامی علیه ایران به دلیل وسعت سرزمینی، کمیت و کیفیت مناسب جمعیتی، امکانات نظامی و طبیعی، موقعیت جغرافیایی ممتاز در خاورمیانه و هارتلند نظام بین‌الملل و قدرت کم نظیرش، مخالفت نموده و اعلام داشته است؛ تنها راه سرنگونی جمهوری اسلامی ایران پیگیری مکانیسم‌های جنگ نرم، عملیات روانی تبلیغاتی با سه تاکتیک دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی است و باید با تقویت مخالفان داخل و خارج حکومت رژیم را تغییر داد.

برای سرنگونی یک نظام سیاسی معمولاً سه فرایند توسط دشمن طی می‌شود: نفوذ، استحاله، براندازی. این استراتژی معمولاً پس از ناکامی فاز نظامی و یا هم‌زمان با آن به مرحله اجرا در می‌آید. بدین صورت که دشمن عناصری را از داخل یک نظام سیاسی شناسایی و گزینش می‌کند و با حمایت‌های مادی و معنوی خود آنها را وارد بدنه سیستم سیاسی می‌نماید تا زمینه استحاله فکری و انحراف آن سیستم سیاسی را فراهم نماید، شبهه افکنی در خصوص ارزش‌ها و ارکان یک سیستم سیاسی در این مرحله صورت می‌گیرد که در نهایت این فرایند و مقدمه به براندازی آن سیستم سیاسی با ابزاری چون انقلاب‌های رنگین می‌انجامد. ابزار تبلیغاتی که دشمن که از آن بهره می‌برد بسیار گسترده و متنوع است. تنها بیش از چهل هزار سایت به تحریک اختلافات قومیتی می‌پردازند. بیش از ۳۲ رادیو به زبان فارسی برای ایرانیان در ساعات مختلف برنامه پخش می‌کنند همچنین ۴۰ کانال تلویزیونی فارسی زبان که عمدتاً در آمریکا مستقرند. در حال حاضر نیز ۹۷ ماهواره متعلق به ۱۵ کشور برای ایرانیان برنامه پخش می‌کنند، برخی از این ماهواره‌ها ۲۰۰ کانال تلویزیونی را به صورت دیجیتال پخش می‌کنند^{۱۵۳}. و به اعتراف «سیمورهرش» در مجله نیویورکر، آمریکا ۴۰۰ میلیون دلار بودجه با هدف عملیات مخفیانه به منظور بی‌ثبات کردن ایران و حمایت از گروه‌های اپوزیسیون و تروریست هزینه کرده است^{۱۵۴}. امروزه ۳۰۰ ماهواره تلویزیونی در جهان فعال هستند که ۱۱۶ مورد آن ایران را پوشش می‌دهند!

برای اجرای راهبرد فروپاشی، دشمن از عناصر و جریانات نفوذی و روشنفکران بهره می‌برد که در واقع نقش ستون پنجم را پنهانی برای دشمن بازی می‌کنند تا با واکنش و عکس‌العملی روبرو نشوند از سویی حاشیه‌های تبلیغاتی برای امنیت خود ایجاد می‌کنند تا در صورت بازخواست با ایجاد هیاهو و غوغا و فضا سازی امکان برخورد با آن‌ها وجود نداشته باشد. دشمن

^{۱۵۳}- محمود جعفر پور، «قدرت نرم: درآمدی بر جنگ رسانه‌ای و رایانه‌ای»، مقالات برگزیده همایش بیسج و قدرت نرم، (تهران: نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۷)، ص ۳۵۶.

^{۱۵۴}- روزنامه اعتماد ملی، شماره ۶۸۱، ۱۰ تیر ۱۳۸۷، ص ۳۰.

حلقه‌های واسط را از بین عناصر استحاله شده که دارای سوابقی نیز هستند انتخاب می‌کند تا از امکانات و ظرفیت آنها نیز بهره گیرد. اولین پروژه استحاله نظام و براندازی از درون که با نفوذ عناصری در دولت لیبرال موقت و دولت بنی صدر رقم خورد از سال ۱۳۶۲ش با نفوذ در بیت آیت الله منتظری وارد فاز جدیدی شد، لذا همه جریان‌های مخالف نظام با او ارتباط برقرار کردند، آنها با طرح رهبری وی سعی در نفوذ در سطوح عالی حاکمیت داشتند. برای حمایت‌های مالی، سیاسی و فرهنگی طراحان عملیات براندازی از درون هم زمان با فضا سازی در داخل کشور و خارج و مراکز و بنیادهای علمی، فرهنگی و سیاسی ایجاد کردند از جمله بنیاد سیرا، کیان، بنیاد پژوهش‌های زنان ایران، مسا، پر، بنیاد مطالعات ایران، بوعلی، ایرانیکا، و.. که با پشتیبانی از نویسندگان و راه اندازی نشریات مختلف و ارتباط و تعامل با مرکز و نشریات داخلی به هم وصل می‌شدند. نفوذ دادن نخبگان و اساتید برجسته غربگرا به عنوان مشاور در سطوح بالا نیز از تاکتیک‌های همیشگی دشمنان جهت انحراف از سیاستها و تصمیمات درست بوده است به گونه ای که در زمان حاکمیت دولت و مجالس غربگرا در کشور دهها نفر از این افراد به جرم جاسوسی بازداشت شده‌اند. «مستر همفر» طراح فرقه ضالّه وهابیت در کتاب خاطرات خود می‌نویسد؛ دبیر کل مستعمرات [انگلیس] یک کتاب هزار صفحه‌ای به نام چگونه اسلام را در هم کوبیم را به من داد، که به دستورات زیر اشاره داشت:

۱- زنده کردن فریادهای قومی، سرزمینی، زبانی، نژادی و مانند این‌ها در میان مسلمانان و توجه به تمدن و قهرمان‌های پیش از اسلام؛

۲- پراکندن چهار چیز ضروری است: شراب، قمار، زنا و گوشت خوک؛

۳- پیوستگی مردم با عالمان دینی را باید کاست و برخی از مزدوران را لباس عالمان پوشاند؛

۴- ایجاد شبهه در امر جهاد و دین و این که مدت آنها سپری شده است؛

۵- باید مسلمانان را از عبادات باز داشت و در سودمند بودن آن تردید افکند و به شدت از حج و اجتماعات باید جلوگیری کرد؛

۶- اسلام را باید دین عقب ماندگی و هرج و مرج معرفی و در عقاید مردم تردید ایجاد کنیم؛

۷- باید زنان را تشویق کنیم که چادر از سر بردارند؛

۸- حسینیه‌ها و زیارتگاه‌ها را به بهانه بدعت مورد تردید قرار دهیم و جمع کنیم؛

۹- باید پیغام بی‌بند و باری در جان‌های مسلمین دهید و این که هر کس هر کاری بخواهد می‌تواند بکند و این که امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست؛ باید به آنها گفت عیسی به دین خود موسی به دین خود، کسی را در گور دیگری نمی‌گذارند... دبیر کل به من گفت: تو در این میدان تنها نیستی و در این راه ده هزار نفر تو را یاری می‌کنند، راه را باید گام به گام پیمود، آیا محمد[ص] یک نفر بیشتر بود که توانست چنین انقلاب نابود کننده‌ای را بر پا کند^{۱۵۵}.

رسانه‌ها بعنوان ابزار اصلی جنگ نرم برای تحمیل مخاطب و القاء نظریات خود از **شگردها و تاکتیک‌های** زیادی بهره می‌برند از جمله:

۱- تاکتیک حرکت از پله دوم: یعنی رسانه بخش اول یک پدیده یا ماجرا را حذف و از میانه آن پدیده گزارش می‌دهد تا قضاوت مخاطب را منحرف کند. بعنوان نمونه اعدام ارازل و اوپاش را بدون بیان علل آن به تصویر می‌کشد و تنها می‌گوید اعدام‌ها در ایران تمامی ندارد! در حالی که برخی از آنها بیش از پنجاه مورد تجاوز به عنف داشته‌اند! و زمانی که مردم از پله اول ماجرا مطلع می‌شوند قضاوت آنها کاملاً تغییر می‌کند.

۲- تاکتیک انگاره سازی: ارایه تصویری غیر واقعی از یک واقعیت که شبیه واقعیت می‌باشد. مثلاً ربا بجای معامله، رشوه بجای هدیه. ایجاد جریان داعش و هم‌تا سازی آن با ایران و اسلام در اذهان عمومی.

۳- تکرار ادعا: دشمن توهم و دروغ بافته شده را بطور مستمر از طریق رسانه‌ها در حجم بالا تکرار می‌کند تا ملکه اذهان شود و بتواند اقدامات بعدی خود را در افکار عمومی توجیه کند. مثل ادعای ساخت بمب اتمی توسط ایران در حالیکه آمریکایی‌ها ۲۰هزار بمب اتمی دارند و از آن استفاده هم کرده است.

۱۵۵- مستر همفر، خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی، (قم: اخلاق، ۱۳۸۷)، چ پنجم، ص ۱۱۸.

۴- ایجاد جریان موازی: در این شگرد دشمن برای انحراف افکار عمومی و تضعیف جریان اصیل و حق اقدام به بدل سازی می کند. مثلاً در برابر جریان اسلام ناب که توسط انقلاب اسلامی مطرح و در جهان مورد پذیرش حق طلبان قرار گرفت، جریان اسلام آمریکایی و هابیت در عربستان (اسلام تندرو)، جریان اسلام کندرو در ترکیه؛ یعنی اسلام سکولار منهای امر به معروف و نهی از منکر که در آن چیزی به نام منکرات معنی ندارد؛ تشیع لندن سید صادق شیرازی و... را ایجاد کردند.

۵- ترور شخصیت: که با استفاده از تهمت، تخریب و دروغ اقدام به انسانیت زدایی، اهریمن سازی می کنند و نفرت عمومی را به ناحق نسبت به افراد یا مجموعه ای بر می انگیزند و باعث کاهش محبوبیت آن می شوند. همانطور که عمروعاص با تخریب چهره امام علی (ع) کاری کرد که عده ای گفتند مگر علی نماز هم می خوانده که در مسجد شهید شده باشد! در ایام انتخابات جریانات فاسد سیاسی نیز از این تاکتیک استفاده و جای شهید و جلد را عوض می کنند.

۶- کلی گویی: محتوای واقعی بسیاری از مفاهیم در رسانه های غربی واکاوی نمی شوند و مملو از مفاهیم کلی مثل حقوق بشر، دموکراسی، آزادی و تروریسم و... بدون تعریف مشخص و منطقی و بدون در نظر گرفتن ارزش های دینی و ملی یک ملت می باشند و مخاطب هم بدون بررسی می پذیرد و موضع گیری غیرعقلانی می کند و در زمین دشمن به بازی گرفته می شود.

۱۰- علل عقب ماندگی بسیاری از کشورها از جمله جهان اسلام و رشد و توسعه تمدن غرب؛

بدون تردید یکی از علل اصلی عقب ماندگی در کشورهای جهان سوم، استعمار و استثمار مخرب کشورهای سلطه گر بوده است. کشورهای استعمارگر غربی جهت تأمین نیروی کار ارزان، موادخام و نیز بازارهای گسترده مصرف به استعمار گسترده دست زدند. سلطه رسمی استعمارگران بر مستعمرات از حدود ۱۵۰۰-۱۹۴۵ میلادی طول کشید. ایجاد مرزها و کشورهای جدید در صحنه جغرافیا توسط استعمارگران باعث شد مرزها از بین اقوام و قبایل عبور کند و کشمکش ها و جنگ های داخلی شکل بگیرند به گونه ای که تا به امروز دامن این کشورها را نیز رها نکرده است. اساساً یکی از دلایل اصلی رشد جهان غرب استعمارگری بود نه خود اتکایی و خود کفایی. حجم ثروتی که انگلستان در اولین دهه های استعمار از هند بیرون کشید حدود یک میلیارد دلار برآورد می شود. انگلیسی ها به تعبیر «پل باران» برای تسهیل سلطه استعماری خود سیاست آموزشی خاصی با هدف نگه داشتن هندی ها در پایین ترین درجه توحش و جهالت داشتند که باعث می شد به این نتیجه برسند که استعمارگران حق حکومت بر آن ها را دارند^{۱۵۶}. جنایات و غارت سرخ پوستان بومی آمریکا نیز از دیگر سوابق سیاه استعمارگران می باشد؛ براساس سرشماری جمعیت در ۱۹۰۰ میلادی از میان ۱۱۲ میلیون انسان سرخ پوست تنها ۲۵۰ هزار نفرشان زنده مانده اند، که بزرگترین نسل کشی و کشتار جمعی تاریخ است که با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله حملات میکروبی و گسترش بیماری های کشنده در بین آنها و دادن هدایای آلوده به بیماری های کشنده صورت می گرفت. «جان اسمیت» که نقش مترجمی را میان استعمارگران و سرخ پوستان ایفا می کرده است در اظهاراتش در برابر کنگره گفت: «سربازان همه چیز سرخ پوستان را غارت کردند، مجموعه های آنها را شکستند و پوست و مغز سرشان را بیرون آوردند. با سلاح سرد پیکرهای زنان را پاره کردند و کودکان را مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار دادند. با قندان تفنگ بر سر آنان کوبیدند و مغز سرشان را متلاشی می کردند. بدترین صحنه هایی را که در عمرم دیده ام تکه پاره کردن پیکرهای زنان باردار و کشتن نوزادان دو سه ماهه بود، یک روز بعد که به این شکارگاه سر زدم، دیدم که پوست سر و اعضاء تناسلی کشته شدگان را بریده بودند^{۱۵۷}». در قاره افریقا نیز این جنایات ادامه داشت، جمع کل افریقایی هایی که تنها از طریق برده فروشی طی سال های ۱۸۷۰-۱۴۴۵ م نابود شدند بین ۱۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده شده است^{۱۵۸}. کشور پهناور کنگو با ۷۷ برابر

^{۱۵۶} - احمد ساعی، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی سیاسی جهان سوم، (تهران: قومس، ۱۳۸۱)، چ چهارم، ص ۴۴.

^{۱۵۷} - منیر العکش، نسل کشی سرخ پوستان آمریکا یا حق قربانی کردن دیگران، ترجمه حسن خامه یار، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (عروج)، ۱۳۸۵)، صص ۳۷ و ۷۰.

^{۱۵۸} - همایون الهی، امپریالیسم و عقب ماندگی، (تهران: قومس، ۱۳۷۵)، چ سوم، ص ۷۵.

وسعت بزرگتر از بلژیک در سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۹۰۸ ملک شخصی «لئوپولد دوم» پادشاه بلژیک محسوب می‌شد و قربانیان وی در این سرزمین بابت تولید عاج فیل و کائوچو ۵ تا ۸ میلیون انسان را شامل می‌شود^{۱۵۹}.

با پایان ظاهری استعمار قدیم که با اشغال یک کشور همراه بود، دوران استعمار نو آغاز شد، که در آن استعمار اقتصادی، مخفی است، لذا وجود استقلال واقعی سیاسی را ناممکن می‌کند^{۱۶۰}. کشورهای استعمارگر با سرمایه‌گذاری‌های کلان در کشورهای در حال توسعه، اقتصاد آنها را در دست می‌گیرند لذا صنایع بومی آنها تهدید می‌شود و تحت نفوذ قدرت‌ها در می‌آیند، از سویی با دادن وام‌های کلان، علاوه بر سودهای کلان با بالا بردن بدهی آن‌ها، از آن به عنوان اهرم فشار و کنترل سیاسی استفاده می‌کنند. به عنوان مثال بدهی کشورهای جهان سوم در سال ۱۹۷۱ صد میلیارد و در ۱۹۸۴ به هشتصد میلیارد رسید و تخمین زده می‌شد امروز به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار رسیده باشد^{۱۶۱}. عملکرد استعمار در این فرایند بسیار پیچیده و عادی می‌نمایند، به عنوان مثال «جامائیکا» در مقابل وارد کردن یک تراکتور در سال ۱۹۷۷ م می‌بایستی بیست تن شکر و در سال ۱۹۸۰ م هشتاد تن شکر باید تحویل می‌داد. حضور کمپانی‌های چند ملیتی در بازار کشورهای در حال توسعه باعث می‌شود آنها را در مقابل رقابت ناخواسته شرکت‌های داخلی حفظ کنند، کمپانی‌های خارجی در آنجا کالاهایی تولید می‌کنند که بیشتر مردم آن سرزمین قدرت خرید آن را ندارند. پایین بودن سطح دستمزد، هزینه تولید آنها را کم می‌کند، در نتیجه صادرات آن سودآوری بیشتر دارد و این توسعه سودی برای آن کشور ندارد، مثلاً برزیل در دهه هفتاد و شصت سرمایه‌گذاری‌های زیادی را جذب کرد اما به بدهکارترین کشور جهان تبدیل و ورشکسته شد و ۸۰ درصد مردم این کشور برای زنده ماندن می‌جنگیدند^{۱۶۲}. «امروز حدود ۹۷ درصد همه حقوق انحصاری و امتیازات ناشی از آن که در جهان حاصل شده به بنگاه‌های غربی اختصاص دارد که در گسترش دامنه‌ی مهار خود در کشورهای در حال توسعه، درنگ نمی‌کنند»^{۱۶۳} آنها با ایجاد شرکت‌های چند ملیتی اختیار قیمت‌گذاری، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و ... را در اختیار می‌گیرند و کشورها را به خود وابسته می‌کنند، این نوع وابستگی کشورهای جهان سوم به دنبال خود وابستگی‌های سیاسی و فرهنگی را در پی دارد گرچه امروز برخی از کشورها توانسته‌اند با ایستادگی تا حدودی از زیر یوغ استعمار خارج شود. در استعمار فرانو استعمارگران با ایجاد سازمان ملل و انحصار حق و تو برای خود و ایجاد سازمان‌های مرتبط مثل حقوق بشر، منع تولید تسلیحات کشتار جمعی، بانک جهانی و ... با استثنا کردن خود مؤلفه‌های امنیت و افتدار سایر کشورها را به گروگان گرفتند. و رهایی از چنین سیستم اختاپوستی و حشتناک کاری بس عظیم و پر هزینه است که در قرن اخیر تنها انقلاب اسلامی از عهده آن برآمده است.

آثار استعمار همان‌طور گفته شده تنها محدود به دوران استعمار نبود بلکه با تغییر شکل به نوع استعمار نو و فرانو آثار زیان‌بارتری بر جهانیان به دنبال داشت. نتایج این تمدن مادی و استعمار گرایانه که مبتنی بر اصالت سود، لذت و قدرت بیشتر به هر قیمتی می‌باشد و در آن ارزش‌های انسانی و اخلاقی جایی ندارد بسیار شوم و دردناک بوده است. «در سال ۱۹۷۸ م / ۱۳۵۷ ش طبق اعلام «یونیسف» بیش از دوازده میلیون از کودکان کمتر از پنج سال در جهان به علت گرسنگی جان خود را از دست داده‌اند»^{۱۶۴} طبق آمار سازمان خوارو بار و کشاورزی FAO چهار میلیون نفر هر ساله جان خود را بر اثر سوء تغذیه و گرسنگی از دست می‌دهند. براساس اعلام اداره بهداشت آمریکا، یک میلیون کودک هر ساله بر اثر گرسنگی در آمریکای لاتین تلف می‌شوند^{۱۶۵}. و این در حالی است که در انگلیس در نتیجه چاقی و پرخوری و عوارض ناشی از آن سالانه حدود یکصد هزار نفر قربانی می‌دهد و در همین کشور، در ۱۹۸۷ / ۱۳۶۵ ش روزانه به طور متوسط ۱۰۹ نفر به علت نداشتن وسایل گرمازا در سرما از بین رفته‌اند^{۱۶۶}.

۱۵۹- قوام نکرومه، آفریقا باید متحد شود، ترجمه احمد توکل، (تهران: مروارید، ۱۳۴۷)، ص ۴۶.

۱۶۰- برایان کلایو اسمیت، فهم سیاست جهان سوم: نظریه‌های توسعه و دگرگونی سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و سعید نجفی، (تهران: بهار، ۱۳۸۴)، چ دوم، ص ۱۹۶.

۱۶۱- پاسکال آرنو، بدهی جهان سوم، ترجمه همایون پور حمیدی، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۷)، ص ۱۲۰.

۱۶۲- آسیت داتا، تجارت بین‌المللی گرسنگی جهانی، ترجمه همایون الهی، (تهران: قومس، ۱۳۷۳)، چ سوم، صص ۱۲۳ و ۵۱.

۱۶۳- جان مادلی، تجارت گرسنگی، ترجمه صلاح الدین محلاتی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶)، ص ۱۶۲.

۱۶۴- ویلی برانت، شمال- جنوب، ترجمه هرمز همایون‌پور، (تهران: آگاه، ۱۳۶۴)، ص ۳۳.

۱۶۵- فیدل کاسترو، بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، ترجمه غلامرضا نصیر زاده، (تهران: امیر کبیر، بی‌تا)، ص ۱۸۵.

۱۶۶- همایون الهی، پیشین، ص ۱.

بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان که به دلیل سوء تغذیه از انواع بیماری‌ها رنج می‌برند و بیش از یک و نیم میلیارد از ساکنان مناطق استوایی و نیمه استوایی جهان در فقر مطلقند. از سویی ثروت چهار هزار نفر از سرمایه‌داران جهان با ثروت بقیه مردم جهان برابر است. اختلاف درآمد اغنیا و فقرا به نسبتی معادل یک در برابر سیصد رسیده که روز به روز بیشتر می‌شود، روزانه ۵۰ هزار نفر از مردم جهان بر اثر گرسنگی می‌میرند. کشورهای صنعتی با داشتن کمتر از ۲۰ درصد جمعیت جهان نزدیک به ۷۳ درصد از انرژی جهان را مصرف می‌کنند^{۱۶۷}. بر اثر بحران‌ها و بن بست‌های جهان در قرن بیستم، طبق برآورد صلیب سرخ جهانی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در این قرن جان خود را از دست داده‌اند. از جنگ دوم جهانی به بعد بیش از ۱۵۰ جنگ و شورش مسلحانه رخ داده که بیش از ۲۳ میلیون تلفات گرفته است. به گزارش بانک جهانی روزانه بیش از ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه در جهان به سر می‌برند.^{۱۶۸} براساس اطلاعات مندرج در گزارش توسعه انسانی در ۲۰۰۶ متوسط درآمد سرانه جهانی ۵۵۳۳ دلار است، اما ۸۰ درصد مردم کمتر از این درآمد دارند، در آمد ۵۰۰ شخص ثروتمند دنیا (بدون احتساب دارایی‌های آن‌ها) بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار است و از سویی طبق برخی گزارش‌ها ۳۰ درصد مردم جهان روزی کمتر از یک دلار درآمد و حدود ۴۰ درصد نیز روزانه ۲ دلار درآمد دارند^{۱۶۹}. فاصله درآمد متوسط یک فرد در کشوری پیشرفته سرمایه‌داری و درآمد یک فرد فقیر در کشورها حدود ۴۰ برابر است و حدود ۲ تا ۴ هزار سال زمان لازم است تا فاصله فعلی کشورهای فقیر و پیشرفته از میان برداشته شود^{۱۷۰}. و البته این اختلاف طبقاتی در کشورهای توسعه یافته نیز بسیار گسترده است، جنبش‌های عدالت‌طلبانه مانند وال استریت در آمریکا و غرب حاکی از این واقعیت است. فرهنگ اسراف و سود محوری و مادی غرب باعث شده است که به دلیل عدم اعتماد و خستگی از انسان مادی، انسان غربی به حیوانات روی بیاورد به گونه‌ای که در اروپا سالانه هفده میلیارد دلار برای سگ و گربه و سایر حیوانات خانگی خود غذا می‌خرند^{۱۷۱}. اینها گوشه‌ای از آثار و تبعات استعمار و عملکرد قدرت‌های سلطه‌گر است که نتایج آن افزایش فاصله بین فقرا و اغنیا و رشد رو به تزاید فاصله طبقاتی و گسترش ظلم و بی‌عدالتی است. و به تعبیر «اسیت داتا» تاریخ استعمار پر از دروغ، پنهان کاری، قتل عام ملت‌ها، تجارت انسان‌ها و تصرف عدوانی سرزمین‌هاست^{۱۷۲}.

علل عقب ماندگی کشورهای اسلامی و پیشینه آن‌ها: همان‌طور که گذشت عامل استعمار یکی از علل اصلی عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی و تداوم آن در بسیاری از کشورها بوده است در کنار عامل استعمار، عامل استبداد به عنوان کارگزاران استعمارگران همواره این حلقه را تکمیل نموده‌اند. علت عقب ماندگی برخی کشورهای اسلامی با وجود دین تمدن ساز اسلام اینست که اسلام، حکومتی مد نظر قرآن در هیچ دوره‌ای از تاریخ به جز ده سال حاکمیت پیامبر(ص) در مدینه و پنج سال دوران حضرت علی(ع) نداشته و در هیچ دوره‌ی دیگر نیز مجال ظهور و بروز نیافته است. در دوران کوتاه حکومت اسلامی در مدینه شاهد تشکیل یک تمدن عظیم و نیرومند اسلامی، آن هم در قلب سرزمین جاهلیت هستیم. در واقع بعد از شهادت حضرت علی(ع) و کنار گذاردن خط امامت شاهد کنار رفتن اسلام از عرصه سیاست و حکومت هستیم. عثمان برای اولین بار در دنیای اسلام یک رژیم مبتنی بر اشرافیت برقرار کرد که بر خلاف اصول اسلامی بود و باب حیف و میل بیت‌المال را باز کرد و آن چه در دوران یکصد ساله بنی‌امیه و شش صد ساله بنی‌عباس و بعدها حکومت‌های جور دیگر اتفاق افتاد، با مبانی حکومت نبوی فاصله زیادی گرفت و رابطه‌ای با اسلام ناب محمدی(ص) نداشت گر چه در همین دوران‌ها مسلمانان اصیل با بهره‌گیری از پتانسیل‌های درونی اسلام و هدایت ائمه(ع) تمدن درخشانی را پی ریزی کردند، لکن به دلیل فساد حاکمان این روند هیچ گاه به نتیجه مشخصی نرسید. امروز با وجود ۵۷ کشور اسلامی، آیا می‌توان در بین آنها کشوری را پیدا نمود که با رهنمودها و دستورات اسلام ناب محمدی(ص) مطابقت داشته باشد. حاکمیت نظام سلطنتی، ارتباط و وابستگی آنها به دشمنان اسلام، دوری از تعالیم پیامبر(ص) و جان‌نشیان بر حق ایشان و توطئه علیه یکدیگر در راستای منافع

^{۱۶۷}- احمد واعظی، تروریسم: ریشه‌یابی تروریسم و اهداف آمریکا از لشکر کشی به جهان اسلام، (تهران: سروش، ۱۳۸۰)، ص ۳۳.

^{۱۶۸}- روزنامه جام جم، ۸۴/۶/۲۸.

^{۱۶۹}- داود پنهانی، «تصویر تنگدستی در جهان»، روزنامه اعتماد ملی، ۸ تیر ۱۳۸۷، ش ۶۷۹، ص ۷.

^{۱۷۰}- فیدل کاسترو، پیشین، ص ۱۸۵.

^{۱۷۱}- ماهنامه صبح، ش ۸۹، بهمن ۱۳۷۷.

^{۱۷۲}- آسیت داتا، تجارت بین المللی گرسنگی جهان، ترجمه همایون الهی، (تهران: قومس، ۱۳۷۳)، چ سوم، ص ۱۱.

آمریکا و همپیمانان او، رواج بدعت‌های فراوان بر خلاف سنت رسول‌الله و قرآن کریم و... بیانگر این واقعیت است که این کشورها تنها پسوند اسلامی را یدک می‌کشند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها کشوری که در پی احیای اسلام ناب محمدی (ص) می‌باشد امروزه بایستی با توطئه‌های برخی از این کشورهای به اصطلاح اسلامی به عنوان کارگزاران نظام سلطه دست و پنجه نرم کند، زیرا استعمار به خوبی ماهیت جمهوری اسلامی را نسبت به دیگر کشورهای اسلامی درک کرده است، اسلامی که اگر قدرت یابد منافع نامشروع سلطه گران را به نفع مستضعفین با خطر جدی روبرو می‌کند.

اسلام پنج قرن تمدنی را در اندلس، مصر، بغداد و ایران به وجود آورد که مجموع اینها را تمدن اسلامی می‌نامند بعد از پیامبر (ص) حکومت‌های موروثی و سلطنتی در جهان اسلام پدید آمد و جز مقاطعی اندک به اسلام عمل نشد و از آن به عنوان ابزاری در راستای قدرت طلبی بهره می‌گرفتند. فتوحات آنها برای ثروت اندوزی بود نه گسترش فرهنگ اسلامی، جنگ‌های گسترده مانع از پیشرفت شد و خونریزی‌ها و جنگ‌های فرقه‌ای گسترده مانع از رشد و پیشرفت می‌شد و از سویی انحرافات فکری و عقیدتی مانند اعتقاد به ظلم پذیری و تسلیم سرنوشت شدن در حالی که قرآن بر عکس آن توصیه می‌کند، عدم امر به معروف و نهی از منکر، عدم احساس مسئولیت، رواج خرافه گرایی و فرقه گرایی توسط انگلیس نیز در جهان اسلام رشد گسترده‌ای داشت.

مدینه فاضله‌ی پیامبر (ص) طی یک انقلاب ۲۳ ساله ایجاد شد و در پهنه مکان و گستره زمان جلو رفت و سرزمین‌های وسیعی به قلمرو اسلام افزوده شد، لکن از فردای رحلت پیامبر متأسفانه امامت رکن رکین عقاید و احکام اسلامی از صحنه اجتماع کنار زده شد تا آنجا که پنجاه سال بعد از رحلت پیامبر (ص) یزید امام برحق را آشکارا شهید کرد و در واقع از اسلام حقیقی جز اسمی باقی نماند. اسلام اسمی و ظاهری از شمال غرب آفریقا و جنوب غربی و شرقی اروپا تا چین و هند گسترده شده بود برای حدود هفت قرن مسلمین با همین اسلام ظاهری فرهنگ و تمدنی عظیم ایجاد کردند. تاریخ حقیقی اسلام ناب در این مسیر زیگزاکی است یعنی هر زمان که نفوس مردم و شرایط مهیا بود و رهبران شایسته پیدا می‌شدند، اسلام ناب و حقیقی مجالی برای تجلی می‌یافت، لکن دوباره قدرت طلبان و دنیا پرستان درصدد عقب راندن آن از صحنه اجتماعی برمی‌آمدند. به هر حال دنیای اسلام به تدریج از لحاظ فکری، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی شروع به تجزیه شدن نمود و با سقوط آخرین خلیفه عباسی در قرن هفتم هجری توسط هلاکو خان مغول این روند بسیار تشدید شد و تا دو قرن یعنی تا زمان تشکیل دولت‌های عثمانی و صفوی دولت و قدرت چشمگیری در دنیای اسلام وجود نداشت، که اولی ظاهراً مبتنی بر سنت و خلافت و صفویان نیز به ظاهر مبتنی بر تشیع و امامت بودند و مشروعیت خود را بر اساس آن قرار می‌دادند.^{۱۷۳}

حمله ۲۰۰ ساله صلیبیون مسیحی از غرب و حمله ۳۰۰ ساله مغول از شرق توان و رمق مسلمین را به شدت کاهش داد و فرهنگ و تمدن اسلامی غارت و ویران شد و عصر رکود اسلامی آغاز گردید، بعد از این فرایند قدرت‌هایی در اروپا ایجاد شدند که نیازمند مواد خام و بازار مصرف بودند لذا استعمار به سمت جهان اسلام و سایر نقاط جهان حرکت خود را آغاز نمود و خسارات جبران ناپذیری را وارد نمود. در سده ۱۹ یورش دوم فرنگی‌ها با عنوان جنگ صلیبی دوم که بسیار پیچیده‌تر بود آغاز شد که هم زمان از سلاح گرم، استحاله فرهنگی و تخریب عقیدتی مسلمین بهره می‌بردند و در برخی مناطق مانند بوسنی، آلبانی و کوزوو کمونیست را مستقر کردند که منجر به دفاع هفتاد ساله مسلمین و در نتیجه تضعیف آنها شد. این رویارویی‌ها بعدها با امپراطوری عثمانی در قالب امنیتی بود که با شکست عثمانی در جنگ جهانی اول پایان جهان گشایی اسلامی را رقم می‌زد. بعد از جنگ جهانی اول شاهد اقدامات خصمانه غرب در تجزیه و مستعمره کردن ممالک اسلامی و نیز اشغال فلسطین می‌باشیم و بعد از این دوران روز به روز شاهد تضعیف و استیصال جهان اسلام تا انقلاب اسلامی ایران هستیم.^{۱۷۴} پیشینه با عظمت تمدن اسلامی و تأثیرات مثبت آن بر رشد و شکوفایی تمدن غربی واقعیتی است که دانشمندان و مورخین بزرگ غربی به آن اذعان دارند. «گوستاولوبون» می‌گوید:

خدمت مسلمین این نبود که علم را از راه تحقیق و اکتشاف ترقی داده، روح مخصوص به قالب آن بدمند،

^{۱۷۳} - محمد باقر حشمت زاده، پیشین، ص ۵۹.

^{۱۷۴} - حمید مولانا، «کنکاشی در ریشه‌ها و عوامل و چگونگی رویارویی غرب با اسلام»، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، شماره هفدهم، سال چهارم، (پاییز ۱۳۸۴)، صص ۱۵-۱۲.

بلکه به وسیله تحریر و نگارش کتاب و مدارس عالیہ آن را در دنیا اشاعه و انتشار دادند، از جمله به دنیای علوم و فنون و معارف اروپا از این راه احسانی که نمودند واقعاً نمی‌توان برای آن حدی تصور نمود چنان که در یکی از ابواب آتیه زیر عنوان آثار علمی و ادبی مسلمین بیان خواهیم کرد که آنها تا چندین قرن استاد اروپا بوده و فقط به وسیله آنان علوم و فنون قدیم یونان و روم در اروپا شایع گردید.^{۱۷۵}

در دائره المعارف قرن بیست جلد ششم می‌خوانیم: در اواخر قرون وسطی که اروپا در آتش جهل و نادانی می‌سوخت و مردم در بیچارگی و بدبختی عجیبی به سر می‌بردند، سلاطین و رجال آن سامان، برای معالجه به کشورهای اسلامی می‌آمدند، و دانشجویان آنها برای کسب علم و دانش و معرفت، به سوی دانشگاه‌های اسلامی می‌شتافتند و سرزمین‌های اسلامی با داشتن دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه قاهره، بغداد، قسطنطنیه، قرطبه و اسکندریه که به مدرن‌ترین وسایل تحقیق و آزمایش آن روز مجهز بود، در جهان احساس غرور و عظمت می‌کرد.^{۱۷۶} «ریچارد نیکسون» رئیس جمهور اسبق آمریکا در کتاب «فرصت را دریابیم» ضمن اعتراف به گذشته طلایی جهان اسلام بر لزوم کنترل آن، تأکید می‌کند: آمریکاییان از گذشته‌ی پر بار جهان اسلام چندان آگاهی ندارند، تنها چیزی که می‌دانند این است که این دین با شمشیر پیامبر و پیروان او توسعه یافته، غافل از این که اسلام به تروریسم اعتقاد ندارد، در آن زمان که اروپا در چنگ قرون وسطی دست و پا می‌زد، تمدن اسلامی در عصر طلایی خود بود، جهان اسلام دستاوردهای فراوانی در علم و طب و فلسفه داشته است و در همه زمینه‌ها مهم‌ترین پیشرفت‌ها به دست مسلمانان صورت گرفته؛ ابن سینا، رازی، بیرونی، جابر، ابن رشد، ابن هیثم و... از دانشمندان مشهور علوم طب، جغرافیا، نجوم، شیمی و فلسفه بوده‌اند، ما باید مشی را در پیش بگیریم که تحول جهان اسلام را در دراز مدت هدایت کنیم.^{۱۷۷} «گوستاولوبون» شرق شناس شهیر نقش تمدن اسلامی را در رشد و توسعه اروپا این گونه بیان می‌کند: تمدن امروز زاینده‌ی تمدن اسلام است، استعمارگران و سپاه شیطانیشان تمدن اسلامی را به قدری که ما می‌دانیم درک می‌کنند و می‌دانند که اگر دریچه‌های تمدن اسلامی بر روی جوانان باز شود آنان شیفته اسلام و تمدن اصیل آن خواهند بود که سر این همه تحولات همه جانبه را در بردارد. تحولاتی که ملت بی فرهنگ دیروزی را که در بدترین وضع به سر می‌برد به اعلی درجه شکوه و عظمت رسانید و فقر و بدبختی را از میانشان ریشه کن نمود وی ادامه می‌دهد تا مدت پانصد سال، مدارس اروپا روی کتب و منصفات مسلمین دایر بود و همان‌ها بودند که اروپا را از لحاظ علم و عمل و اخلاق تربیت کرده و داخل در طریق تمدن نمودند، نفوذ اخلاقی همین اعراب زاینده‌ی اسلام، آن اقوام وحشی اروپا را که سلطنت را زیر و زبر نمودند، داخل در طریق آدمیت نموده و زیر نفوذ فکری و عقلانی آنان، دروازه‌های علوم و فلسفه را که از آن به کلی بی‌خبر بودند به روی آن‌ها باز کرد.^{۱۷۸}

«ویل دورانت» تاریخ نویس بزرگ غربی نیز تأثیرات جهان اسلام بر غرب را این گونه بر می‌شمرد: «دنیای اسلام در جهان مسیحی نفوذهای گوناگون داشت. اروپا از دیار اسلام، غذاها، شربت‌ها و داروها و درمان، اسلحه‌ها و نشان‌های خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و رسوم صنعت و تجارت، قوانین و رسوم دریا نوردی را فرا گرفت و غالباً لغت آن را از مسلمانان اقتباس کرد.^{۱۷۹} قرون وسطی ۴۷۶ تا ۱۴۵۲ میلادی، مصادف است با عصر شکوفایی علم و دانش مسلمین و جهل و ظلمت اروپا و کلیسا. «گوستاولوبون» در رابطه با ظلمت و جهل و خرافات قرون وسطی می‌گوید: «در آن عصر و زمانی که کتاب و کتاب‌خانه هیچ ارزش و معنایی نزد مردم اروپا نداشت و در تمام صومعه‌ها و نزد قسیسین اروپا بیش از ۵۰۰ کتاب دینی نبود، دولت‌های اسلامی کتاب و کتاب‌خانه را به مقدار لازم در اختیار خود داشتند. در کتاب خانه «بیت الحکمه» بغداد چهار میلیون کتاب و در کتابخانه «طرابلس» شام سه میلیون کتاب وجود داشت»^{۱۸۰}. در اروپای قرون وسطی، بیماران به وسیله دعا و رمل و اسطرلاب و دفع جن و شیطان معالجه می‌شدند ولی در آن زمان مسلمان در علوم پزشکی، داروسازی، احداث بیمارستان‌های

^{۱۷۵} - گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیدهاشم حسینی، (تهران: نشر اسلامیه، ۱۳۵۸)، ج سوم، ص ۱۷۷.

^{۱۷۶} - موسوی لاری، پیشین، ص ۱۷۶.

^{۱۷۷} - ریچارد نیکسون، فرصت را دریابیم، پیشین، صص ۲۴۹-۲۴۲.

^{۱۷۸} - گوستاولوبون، پیشین، ص ۵۷۱.

^{۱۷۹} - ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه گروه مترجمان، (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰)، ج ۱۱، ص ۲۰۰.

^{۱۸۰} - گوستاولوبون، پیشین، ج سوم، ص ۳۲۹.

مجهر، به چنان پیشرفتی نائل شده بودند که بیماران را با داروهای گیاهی ساخته شده و عمل جراحی معالجه می‌کردند.^{۱۸۱} در دوران تاریک قرون وسطی پنج میلیون نفر به خاطر فکر کردن و تخطی از فرمان پاپ به دار آویخته شدند، تنها از ۱۴۸۱ تا ۱۴۹۹ م (طی ۱۸ سال) به دستور دادگاه‌های تفتیش عقاید ۱۰۲۰ نفر زنده زنده در آتش سوزانیده شدند، ۶۸۶۰ نفر را شقه کردند و ۹۷۰۲۳ نفر را با شکنجه نابود کردند.^{۱۸۲} برخوردهای نادرست با دانشمندان و اصحاب اندیشه و تفتیش عقاید این دین را از مسائل اجتماعی و سیاسی کنار زد، در ۱۴۰۱ م هنری چهارم در انگلیس به درخواست کلیسا فرمان سوزاندن بدعت گزاران را صادر کرد. «گالیه» در ۱۶۳۳ در فلورانس محاکمه شد و اگر حرف خود را پس نمی‌گرفت به اعدام محکوم می‌شد.

«ویل دورانت» تعداد قربانیان ناشی از تفتیش عقاید را که برخلاف کلیسا می‌اندیشیدند را از سال ۱۴۸۰ تا ۱۴۸۸ م یعنی در مدت هشت سال بالغ بر ۸۸۰۰ تن سوخته و ۹۶۴۹۴ تن محکوم به مجازات‌های سنگین دیگر برآورد کرده و از سال ۱۴۸۰ تا ۱۸۰۸ م تعداد ۳۱۹۱۲ تن سوخته و ۲۹۱۴۵۰ تن محکوم به مجازات‌های سنگین تخمین می‌زند.^{۱۸۳} علاوه بر این جنایات که با دستور کلیسا صورت می‌گرفت در جنگ‌های صلیبی که برای تصرف بیت المقدس آغاز شد صلیبیون جنایات فراوانی انجام دادند: «به هر طرف انسان می‌رفت اجساد مقتولین و لاشه اسبان بود، زنان را به ضرب دشنه می‌کشتند، ساق پای اطفال شیر خوار را گرفته و به بالای دیوارها پرتاب می‌کردند و یا با کوفتن آن‌ها بر ستون‌ها، گردنشان را می‌شکستند و در نتیجه هفتاد هزار نفر مسلمان را که در شهرها مانده بودند به هلاکت رسانیدند»^{۱۸۴} و این در حالی بود که مسلمانان طی ۸ قرن حکومت بر اسپانیا و پرتغال (اندلس) کوچک‌ترین ظلم و ستمی نکردند بلکه باعث شدند که اروپائیان وارد تمدن شوند!

قرون وسطی، قرون حاکمیت کلیسا در غرب است که با توجیه دفاع از حاکمیت الهی مردم را زیر بار بندگی خود قرار داده بودند. اناجیل چهارگانه تحریف شده خلاصه‌هایی از سایر اناجیل بودند و با بسیاری از علوم حسی و عقلی انسان‌ها سازگاری نداشتند در نتیجه برای دفاع از این مجموعه که از قداستی الهی برخوردار شده بود ناگزیر با علوم عقلی و حسی به مبارزه پرداختند و در بعد عملی کلیسا برای مشارکت در قدرت حکومت‌ها به توجیه ستم‌های آن‌ها پرداخت که جنگ‌های دویست ساله صلیبی از راه آوردهای آن می‌باشد. ارباب کلیسا خود را خازنان بهشت می‌خواندند و آن را پیش فروش می‌کردند، دنیا طلبی مدعیان دینی باعث شد دیگران نیز در همین راه گام نهند و آخرین شعله‌های هدایت فطری خاموش شود. رنسانس با نسیان و فراموشی واقعیت الهی و دینی جهان همراه بود. در دوران تاریک و پر جنایت هزار ساله قرون وسطی همه‌ی علوم در خدمت الهیات مسیحیت قرار گرفت و اندیشمندان علمی در کشیشان خلاصه می‌شد و تمام میراث فرهنگی و فلسفی یونان و روم به عنوان فرهنگ شرک به دور ریخته شد که برای مسیحیان و حتی مسلمانان باعث انحطاط شد چرا که حمله چنگیز به ایران و قلمرو اسلام با اشاره پاپ صورت گرفت و این حمله مقارن با اواخر جنگ‌های دویست ساله صلیبی بود. اروپا که چندین قرن در تاریکی و جمود فکری بود در طی دویست سال جنگ‌های صلیبی و پنجاه سال حاکمیت بر بیت المقدس به تدریج با فرهنگ و تمدن اسلامی آشنا شد و به سمت تحول حرکت کرد ولی علوم معنوی اسلام را تکفیر کردند و از سویی بسیاری از کتب در رشته‌های مختلف را به غارت بردند که امروزه در موزه‌های آن‌ها وجود دارد.^{۱۸۵} «مارتین لوتر» آلمانی که خود یک کشیش بود (۱۴۸۳-۱۵۴۶) و «ژان کالون» فرانسوی (۱۵۰۹-۱۵۶۴) در قرن شانزدهم نهضت پروتستان را علیه حاکمیت کلیسا ایجاد کردند. ظهور اسلام در قرن ۶ میلادی هم زمان بود با قرون تاریک وسطی که غرب در آن به سر می‌برد. «فیلیپ حیّتی» می‌گوید هنگامی که مسلمانان (زمان امام رضا(ع)) در بغداد دست اندر کار نشر و بسط علوم و فلسفه بودند، حداکثر هنر معاصرین آنها در غرب همچون شارلمان و شوالیه‌هایش، این بود که می‌توانستند نام خود را بنویسند.^{۱۸۶} و اینها در صورتی است که در اسلام یک ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت کردن افضل است. تفاوت اسلام با مسیحیت این است که اصول دین مسیحی ماورای عقل و

^{۱۸۱} - میکائیل فیشر، «خدمات اسلام به عرب»، ترجمه شهرام نقی زاده انصاری، روزنامه همشهری، ش ۳۶۲۳، ۱ خرداد ۱۳۸۵، ص ۹.

^{۱۸۲} - مارسل کاش، تاریخ تحولات اجتماعی، (تهران: بی‌تا)، ج دوم، ص ۱۴۳.

^{۱۸۳} - ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه گروه مترجمان، (تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰)، ج ۱۱، ص ۳۶۰.

^{۱۸۴} - همان، ج ۸۳، ص ۱۵.

^{۱۸۵} - حبیب الله طاهری، انقلاب و ریشه‌های آن، (بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷)، صص ۱۰۷ و ۱۰۰.

^{۱۸۶} - Hitti, Philip. K. History of the Arabs, ۴ threprint, macmilan, (u.s., 1991), P. 315.

فکر شناخته شده است ولی در اسلام اصول دین و عقاید از طریق تفکر و اجتهاد پذیرفته می‌شود. اسلام عقیده‌ای را که بر مبنای احساس و دلبستگی باشد نمی‌پذیرد، مگر این که مبتنی بر تفکر آزاد باشد نه این که ناشی از جمود و تعصبات باشد آیا بشر با فکر و عقل آزاد می‌تواند به این جا برسد که بت بپرستد. دنیا مشکلش این است که می‌گوید فکر و عقل بشر باید آزاد باشد و عقیده هم باید آزاد باشد، گاو پرست هم باید در عقیده خودش آزاد باشد، عقایدی که دست و پای فکر را می‌بندد، بعد می‌گویند ما مهد آزادی هستیم. ملکه انگلیس در هند به همه معابد رفت و احترام گذارد و در یک بت خانه کفشهایش را بیرون آورد با این که می‌گفت من مسیحی هستم و بت پرست نیستم از باب این که عده‌ای محترم شمردند من نیز محترم شمردم، کورش هم وقتی وارد بابل شد با این که بت پرست نبود و تابع زرتشت بود گفت تمام معابد بت پرستی‌ای که در این جا هست محترم است. پس ما ملتی هستیم طرفدار آزادی عقیده، این بزرگ‌ترین اشتباه است. زیرا اگر کسی بخواهد ملتی را به زنجیر بکشد باید تکیه گاه اعتقادی او را هم محترم شمارد اما از نظر انسانی این کار صد در صد خلاف است، کار صحیح، کار ابراهیم(ع) در شکستن بت‌ها و موسی(ع) است که گوساله سامری را آتش زد^{۱۸۷}. علت اصلی دشمنی غرب و نظام سلطه با انقلاب اسلامی نیز در این نکته نهفته که انقلاب اسلامی با پرچمداری اسلام ناب دنبال احیای تمدن اسلامی پیشرفته و شکستن منطق نظام سلطه مبنی بر تقسیم ملت‌ها به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر می‌باشد که غرب به آن به عنوان یک رقیب خطرناک می‌نگرد.

۱۱-اهداف و شرح پروتکل های صهیونیسم بین المللی؛

در اواسط قرن ۱۸ یک باند مخفی از رهبران یهودی متشکل از خاخام‌ها، سرمایه‌داران، نخبگان سیاسی و بانکداران تشکیلات مخفی را سازماندهی کردند و برنامه ریزی‌هایی برای پیوند اقلیت‌های یهود در کشورهای مختلف با هدف دستیابی به ثروت‌های کلان، نفوذ و تسلط بر مطبوعات و ترویج تفکرات صهیونیسم سیاسی و مظلوم‌نمایی را آغاز کردند و طی یک قرن به تدوین اندیشه‌ها، انسجام، ایجاد هماهنگی، تقویت پیوندها و جمع‌آوری ثروت پرداخت و سرانجام در ۱۸۹۷ م (۱۲۷۶ ش) با طرح شعار بازگشت به ارض موعود، کنگره جهانی یهود را در شهر بال سوئیس برگزار و رسماً اعلام موجودیت کرد، ریاست کنگره با «تئودور هرتزل» بود که ایجاد ملت و تشکیل دولت اسرائیل را در این کنگره تصویب کردند و از یهودیان دعوت به مهاجرت، و اسکان آنها در فلسطین نمودند. امروز ۱۳ کارتل بین‌المللی صهیونیستی بر معادلات سیاسی و اقتصادی جهان اعمال نفوذ جدی دارند و سازمان‌های بین‌المللی تحت نفوذ آنهاست. صهیونیسم مکتب و ایدئولوژی بود که حول محور نگرش‌های نژادی و مبتنی بر تورات تحریف شده بنا گردید و مدعی تسلط و حاکمیت بر جهان هستند. پروتکل‌های ۲۴ گانه یهود در بردارنده استراتژی سازمان جهانی صهیونیسم می‌باشد. این اسناد در ۱۸۹۷ م طی آتش سوزی محل نخستین کنگره جهانی یهود در شهر بال سوئیس و فرار صهیونیست‌ها از ترس جان خود، به دست پلیس تزاری افتاد.

پروتکل‌های ۲۴ گانه یهود^{۱۸۸} که در واقع استراتژی آنها را برای تسلط بر جهان ترسیم می‌کند بیش از دویست صفحه می‌باشد که ما در این جا محورهای از پروتکل اول و دوم را جهت درک بهتر اهداف و برخی تحولات معاصر می‌آوریم: ۱- هدف نهایی ما (صهیونیسم جهانی) حاکمیت بر جهان است که جز با خشونت و زور به دست نمی‌آید. عدالت، برابری، قانون، آزادی، حقوق بشر، لیبرالیسم الفاظی هستند که واقعیت خارجی ندارند و ایده‌هایی بیش نیستند. از این مفاهیم باید به عنوان طعمه برای جذب نیروها و نابودی مخالفان خود استفاده کنیم. دوران حاکمیت دیانت سپری شده و زمان حاکمیت پول و سرمایه فرا رسیده، آزادی، دموکراسی و لیبرالیسم میکروب‌هایی هستند که ما در حالی که خود پرچمدار آنها هستیم، باید از آنها برای اضمحلال ملت‌ها و حکومت‌ها استفاده کنیم. هنر ما در استفاده دقیق و عاقلانه از این ایده‌هاست که می‌توان حکومت‌ها را به هرج و مرج و ناپایداری سوق داد و لذا در مشت ما قرار می‌گیرند و با پول، علم و سرمایه به اداره آنها مبادرت می‌کنیم و برای فائق آمدن بر دشمن استفاده از هر وسیله‌ای مجاز است. دموکراسی ابزاری بیش نیست زیرا توده‌های

^{۱۸۷} - مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، (قم: صدرا، ۱۳۶۸)، ج پنجم، صص ۱۰۱-۹۵.

۱۸۸- عجاج نویهض، پروتکل‌های دانشوران صهیون، ترجمه حمیدرضا شیخی، (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی)، ۱۳۷۳.

مردم هیچ‌گاه قادر به تشخیص مصالح خود نیستند ما باید از ابزار دموکراسی استفاده کنیم ما باید غیر یهودیان را با ابزارهایی چون عرق، شراب و عیاشی و... در کودنی و بلاهت‌های کودکانه نگاه داریم و آنها را نیازهای طبیعی جلوه دهیم باید عقاید و آراء متضادی را در اجتماع ایجاد کنیم تا کسی نتواند حق و باطل را تشخیص دهد!

۲- باید روند حرکت بین‌المللی را به سمتی ببریم که رقابت اقتصادی محور همه فعالیت‌ها شود تا ملت‌ها و کشورها نیازمند به کمک‌های مالی ما شوند و از این طریق امکان حاکمیت بر ملت‌ها و کشورها حاصل می‌شود و ما بر حکومت‌ها و حاکمان براساس قوانین خود که به آن جنبه بین‌المللی می‌بخشیم، حکم می‌کنیم. (سیطره و نفوذ صهیونیست‌ها در سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد FAO، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه IBRD، یونسکو UNESCO، صندوق بین‌المللی پول WTO، سازمان بهداشت W.H.O امروز بیانگر اجرایی شدن این بند از پروتکل می‌باشد) و ما برای حفظ سیطره خود بر جهان بایستی افرادی وفادار از میان ملت‌ها با دقت انتخاب نماییم تا از آنان به مثابه عقاب شکاری استفاده کنیم. این افراد با عنوان مشاوره و متخصص پشت پرده کار خواهند کرد، این همان روندی است که برای اشاعه و ترویج نظرات داروین، مارکس و نیچه اجرا کردیم. انقلاب کبیر فرانسه به دست ما ایجاد شد و اعلامیه حقوق بشر حاصل تراوشات ما بود. علاوه بر ایجاد جنگ اقتصادی باید حاکمیت خود را بر رسانه‌ها و مطبوعات حفظ و تقویت کنیم زیرا نقش مهمی در رسیدن به اهداف ما دارند، و باید عوامل ما بر ملت‌ها حکومت کنند و ما بر عوامل خود حکومت کنیم.^{۱۸۹} با تحقیق و بررسی در ارتباط با ایجاد فرق، مسلک‌های منحرف و ملحد گوناگون در دنیا و نیز اشاعه افکار فاسد پی خواهیم برد که صهیونیست‌ها اکثر آنها را بنیان‌گذارده‌اند که در راستای پروتکل‌های ۲۴ گانه یهود بوده است و از آنها استفاده شایانی برده‌اند؛ به عنوان مثال سوسیالیسم، کمونیزم، لیبرالیزم، ایتیزم (الحاد)، همو سکسوالتی (همجنس‌بازی)، شیطان پرستی از این قبیل می‌باشند. صهیونیست‌ها در بخش‌های مختلف ۲۴ پروتکل خود اشاره می‌کنند این انحرافات را طراحی و پیاده نموده‌اند تا به راحتی بتوانند بر دیگران سلطه یابند.^{۱۹۰} خاخام «راشوون» در نشست سالانه یهودیان مقیم اروپا در ۱۸۶۹ خطاب به حاضران گفت: «اگر طلا نخستین ابزار ما در سیطره و حکومت بر جهان است، بی‌تردید کار نشر و انتشار کتاب و روزنامه دومین ابزار کار ما خواهد بود» ۲۸ سال بعد که اولین کنگره جهانی صهیونیسم، در بند ۱۲ قطعنامه پایانی کنگره تصریح شد: «ما باید جریان نشر روزنامه را به خدمت خویش در آوریم، ما باید آرام آرام به سمت تسخیر مطبوعات گام برداریم. ما نباید بگذاریم دشمنان به روزنامه‌ها که بیانگر آراء و نظرات آنها باشد، دست یابند هیچ خبری نباید بدون کنترل و نظر ما برای مردم بیان شود». بر این اساس بود که «ژولیوس روتیز» یهودی نبض اطلاع‌رسانی دنیا را با تأسیس خبرگزاری روتیز به دست گرفت، سپس خبرگزاری آسوشیتدپرس در ۱۸۴۸م توسط ۵ روزنامه تحت نظر صهیونیست‌ها ایجاد شد، یونایتدپرس (۱۹۰۷)، خبرگزاری - هاواس فرانسه، خرید ۲۸۰ سالن سینما در انگلیس، تأسیس سه شبکه تلویزیونی ABC، CBS، CNN در آمریکا، شرکت - های اطلاع‌رسانی و تصویری؛ آتاری، بورلاند، کابلرون، کام پاک، زروکس و... با مدیریت و سرمایه‌گذاری کلان یهودیان آغاز به کار کردند. سال ۱۹۸۴م «بن بگدیکیان» یهودی در کتابی جنجالی تحت عنوان «انحصار رسانه‌ای» نوشت: «در آمریکا ۱۷۰۰ روزنامه ۱۱ هزار مجله، ۹ هزار شبکه رادیویی، هزار شبکه تلویزیونی، ۲۵ هزار مؤسسه نشر وجود دارند که ۴۲ درصد آن در اختیار یهودیانی قرار دارد که به زحمت ۲ درصد جمعیت آمریکا را در اختیار دارند» و زمانه تایمز از مشهورترین روزنامه‌های انگلیسی است که در رأس آن یک یهودی انگلیسی به نام «روتشیلد» سرمایه‌دار بزرگ قرار دارد و هیأت تحریریه آن را نیز یهودیان تشکیل می‌دهند. در ۱۹۸۱م تیراژ ۱۵ مجله و روزنامه انگلیسی که در داخل و خارج از انگلیس زیر نظر صهیونیست‌ها منتشر می‌شد بالغ بر ۳۳ میلیون نسخه بود. چاپخانه‌های آمریکا روزانه ۱۷۵۹ روزنامه منتشر می‌کنند که حدود ۱۷۰۰ شرکت توزیع صهیونیستی بر آنها سیطره کامل دارند. روزنامه مشهور نیویورک تایمز از ۱۸۹۱ تحت سیطره صهیونیست‌هاست که توسط «آدولف اوش» یهودی هنگامی که با بحران مالی روبرو شده بود خریداری شد. سایر روزنامه‌های مشهور واشنگتن پست، دیلی نیوز، نیویورک پست نیز تحت نفوذ و سیطره کامل صهیونیست‌ها می‌باشد. همچنین مطبوعات فرانسوی فیگارو، لوکوتیدین، فرانس اسوار نیز تحت سیطره صهیونیست‌ها قرار دارد. در عرصه سینما نیز بیش از ۹۰ درصد

۱۸۹- حسن واعظی، نبرد نا برابر: روند ظهور و سقوط رژیم صهیونیستی، (تهران: سروش، ۱۳۷۹)، صص ۲۵-۲۱.

۱۹۰- هاشم میرلوحی، آمریکا بدون نقاب، (تهران: کیهان، ۱۳۸۰)، ص ۷۳.

مجموعه کسانی که در امر تولید، کارگردانی، بازیگری، فیلم برداری و مونتاژ شبکه‌های سینمایی آمریکا فعالیت دارند از جمله یهودیان هستند.^{۱۹۱}

همچنین در تورات تحریف شده دستور به کشتار، تجاوز و غارت غیر یهودیان داده شده و از آنها خواسته شده که با خرید زمین ملک جهان را از آن خود کنند و سیطره‌ی خود را کامل نمایند. نویسندگان تورات اشخاص مجهول الهویه و گمنامی هستند که قرآن درباره آنها در سوره بقره آیه ۷۹ می‌فرماید: «پس وای بر کسانی که از پیش خود چیزی نوشته و به خدای متعال نسبت دهند تا به بهای اندک و متاع ناچیز دنیا بفروشند، وای بر آنها، از آن نوشته‌ها و آنچه از آن به دست می‌آورند». لذا در آیه ۸۲ مائده نیز می‌فرماید: «همانا دشمن‌ترین مردم نسبت به مسلمانان یهود و مشرکان هستند». کتاب «تلمود» که در اصل چند جلد بیشتر نبوده اما از هشت قرن پیش به ۱۲ جلد و امروز شامل ۳۶ جلد است و همپای تورات و شاید مقدس‌تر از آن باشد مهم‌ترین سند نژادپرستی یهود به شمار می‌آید از جمله در این کتاب آمده: «نطفه غیر یهودی، مثل نطفه بقیه حیوانات است»، «بهشت مخصوص یهود است و هیچ کس به جز آنها داخل آن نمی‌شوند»، «همچنان که انسان بر حیوانات فضیلت دارد، یهود بر اقوام دیگر فضیلت دارد»، «خانه‌های غیر یهودی به منزله‌ی طویله است»، «اگر یهود نبود آفتاب ظاهر نشده و باران نمی‌بارید»، «تعدی کردن (زنا و لواط) با غیر یهودی مانعی ندارد، زیرا کفار مانند حیوانات هستند»، «اگر یکی از اجانب (غیر یهودیان) را بکشیم، مثل این است که در راه خدا قربانی کرده‌ایم» برای سلطه بر جهان نیز در تلمود آمده: «بر یهود لازم است که املاک دیگران را خریداری کنند تا آنها صاحب ملک نباشند و همیشه سلطه اقتصادی برای یهود باشد»^{۱۹۲}. در «سفر تثیبه باب ۱، آیات ۷ و ۸» آمده: «به سرزمین کنعانیان تا نهر فرات داخل شوید، اینک این زمین را پیش روی شما گذاشتیم، زمینی را که خداوند برای پدران شما به ارث گذاشته بود». یهودیان تعداد زیادی از انبیاء الهی را به شهادت رساندند آنها داود و سلیمان را تنها گذاشتند و با فراعنه مصر متحد شدند، عیسی(ع)، یحیی و زکریا(ع) و پیامبر خاتم (ص) را تکذیب کردند و با دشمنان آنها متحد شدند و هیچ‌گاه اولیای الهی و مؤمنین از شر آنها در امان نبوده‌اند.

۱۲- تبیین آینده انقلاب اسلامی، رابطه انقلاب اسلامی و ظهور؛

آینده بشریت آینده‌ای توحیدی به مفهوم فکری، اعتقادی و اجتماعی است.^{۱۹۳} در صورتی که مردم در دفاع از ارزش‌های الهی استقامت ورزند و در برابر دشمن مرعوب نشوند خداوند نیز آنها را کمک می‌کند. دینی که در متن خود مدرن‌ترین دستورات و رهنمودها را برای حفظ حقوق حیوانات دارد، چه رسد به حقوق انسان‌ها، و رهبران آن در اوج قدرت کوچک‌ترین ظلمی روا نداشته‌اند، هیچ‌گاه فرسوده و کهنه نمی‌شود؛ چرا که ارزش‌های انسانی نسبی نیستند تا با گذر زمان کهنه شوند. آیا سیره و منش ائمه اطهار(ع) کهنه و قدیمی شده یا این که مطالبه اصلی انسان قرن بیست و یکم است؟ دشمن شاید در تهاجم فرهنگی در مواردی انحراف اخلاقی ایجاد کرده باشد، لکن علی‌رغم هزینه‌های زیاد مانند فعالیت بیش از هفده هزار شبکه ماهواره‌ای، میلیون‌ها سایت و وبلاگ و... با محوریت مبارزه با معنویت، نتوانسته انحراف اعتقادی ایجاد کند. برخی گزارشات زائرین مسجد مقدس جمکران در دهه ۶۰ سالانه ۱۵۰ هزار نفر بوده است ولی امروز با این که جمعیت دو برابر شده است و تهاجم فرهنگی با ابزارهای متنوع بسیار گسترده تر شده است، زائرین سالانه نزدیک به سه میلیون نفر هستند یعنی افزایش بیست برابری! دیگر مراسمات مذهبی مانند اعتکاف و شب‌های قدر و پیاده روی اربعین نیز مملو از حضور جوانان است و دفاع مدافعین حرم در برابر داعش سند دیگریست بر این ادعا!

در ارتباط با آینده انقلاب اسلامی و جامعه بشری قرآن کریم در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ می‌فرماید: «در زبور بعد از ذکر

۱۹۱- فوادبن سید عبد الرحمان الرفاعی، نفوذ صهیونیسم بر رسانه‌های خبری و سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه حسین سر و قامت، (تهران: کیهان، ۱۳۷۷)، صص ۲۷-۱۸.

۱۹۲- عجاج نویص، پیشین، ص ۴۲.

۱۹۳- مرتضی مطهری، آینده انقلاب اسلامی ایران، پیشین، ص ۲۳۲.

(تورات) نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد». در سوره قصص آیه ۵ نیز خداوند می‌فرماید: «و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم». خداوند ایمان و تقوی را شرط وراثت زمین و خلافت آن می‌داند و می‌فرماید: «و خدا به کسانی که از شما بندگان ایمان آورند و نیکوکار گردند وعده فرموده که در زمین خلافت دهد چنان که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت، و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند»: نور/ ۵۵. تمدن شیعی تنها تمدنی است که منجی و موعودش زنده و عینی است بر خلاف دیگر موعودها که ذهنی است، شیعه، هویتش با موعود آخر الزمان مفهوم یافته و در زندگی‌اش تبلور یافته است و دارای یک آرمان با رویکردی واقع‌گرایانه است نه مبهم و آرمانی؛ در عین حالی که شورآفرین، تحرک‌ساز، الهام‌بخش، تعهدآور و امیدبخش است. «هنری گُربن» فیلسوف فرانسوی معتقد است تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق زنده نگه داشته و به طور مستمر و پیوسته ولایت را زنده و پا بر جای می‌گذارد؛ مذهب یهود نبوت را در حضرت کلیم ختم و به نبوت مسیح(ع)، محمد(ص) اذعان نمودند، مسیحی‌ها در مسیح(ع) و اهل سنت هم در محمد(ص) متوقف شدند و تنها تشیع به زندگی حقیقت، و به ادیان لباس استمرار پوشانده است. کدام اسطوره تاریخی این ظرفیت را دارد که همه انسان‌ها و نژادها او را بخوانند و او واجد همه فضایل باشد. مهدویت با پشتوانه وحیانی فرجام‌متعالی و شکوهمند برای جهان‌ارایه می‌کند. صدور انقلاب اسلامی از آن باب اجتناب ناپذیر می‌نمایند که نهضتی اسلامی بر این مبناست و نمی‌تواند در یک کشور محصور بماند؛ زیرا ادامه نهضت انبیاء است که منحصر به زمان و مکان خاصی نبوده است. خداوند در آیات زیادی پیروزی دین اسلام را بر همه ادیان و مکاتب وعده داده است: «اوست خدایی که رسول خود محمد(ص) را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند»: صف/ ۹ و توبه/ ۳۳. و در آیه ۸ سوره صف می‌فرماید: «می‌خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند، کامل می‌کند». امام خمینی(ره) بیش از دویست بار تاکید کرده اند انقلاب اسلامی مهم‌ترین حرکت اسلامی عصر غیبت و زمینه ساز حکومت عدل الهی می‌باشد که باید به تمام دنیا صادر شود. خداوند نیز در آیات زیادی وعده داده است که در صورت استقامت و ایمان و صداقت، مؤمنان را از امدادهای غیبی بهره مند سازد: حج/ ۳۸، آل عمران/ ۱۶۰، صف/ ۸، فتح/ ۷، منافقون/ ۷، طلاق/ ۳، مائده/ ۵۶/ بقره/ ۲۵۷. حضرت علی(ع) نیز در خطبه ۵۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «هنگامی که خداوند صداقت و پایمردی ما را دید، دشمن ما را خوار و یاریش را بر ما فرود آورد». و علت جاری شدن امدادهای غیبی خداوند بر انقلاب اسلامی علی رغم پیچیده‌ترین تهدیدات این بوده است که مردم در راه او حرکت کردن و مخرج مشترک وصیت نامه شهدا حرکت برای خدا و دین او بوده است.

اروپای بعد از رنسانس بازتاب سقوط تدریجی انسان از مقام بندگی و عصیان علیه ماهیت الهی خویش است، خود حیوانی او محور همه امور شده است، لذا از درک واقعیات غیر مادی عاجز است و امروز حرف جدیدی از پایه نمی‌کند، به عنوان مثال تفکرات «لنین، مارکس، جان لاک، هابز، کانت، دکارت و سلطنت طلبان و...» در این دوره نمی‌توان به عنوان حرف‌های نوین جهانی مطرح کرد، و آنها را ارتجاع می‌دانند، ولی آموزه‌های انبیاء و مکتب آنها و تمدن اسلامی هنوز زنده است. سنت و مرام امام حسین(ع) هر روز زنده‌تر و جذاب‌تر می‌شود و آزادی خواهان جهان برای رهایی از استعمارگران به او اقتدا می‌کنند، همان گونه که گاندی رهبر هند به امام حسین(ع) اقتدا کرد. تمدن دوران جدید، بحران‌زاست زیرا؛ مقابل سنن الهی است. علوم جدید خود را در جای همه حقیقت نشانده و خلقت را بدون خدا و حکمت الهی مطرح می‌کند، لذا از درک واقعیات غیر جسمانی نظام هستی عاجز است، موضوع علوم تمدن جدید منحصر به علوم تجربی است و موضوعات ماوراء الطبیعه مثل خدا، روح، ملائکه، وحی و واقعیات معنوی را نمی‌پذیرد. خداوند در مورد بشر گذشته که به علم و دانش خود در برابر خداوند می‌بالیدند، می‌فرماید: «هنگامی که پیامبران آنها را دعوت می‌کردند، به علمی که داشتند خرسند بودند و

گفتند ما علم و تکنیک و قدرت داریم، لذا نیازی به دین و راهنمایی شما نداریم و دین و پیامبران را مسخره می‌کردند، خداوند نیز آن‌ها را به آنچه مسخره می‌کردند گرفتار کرد:» سوره غافر / ۸۳. «آرنولد توین‌بی» مؤرخ مشهور غربی می‌نویسد: «تمدنی که پایه روحانی خود را از دست بدهد، از هم خواهد پاشید و تمدن غربی بدون میراث دینی و روحانی خود که مقتبس از مسیحیت بود به صورت پیکر خشک و بی‌جان در خواهد آمد»^{۱۹۴}. «برژنسکی» در همین رابطه می‌گوید: تاریخ به ما آموخته است که نفوذ و تسلط یک ابر قدرت نمی‌تواند همیشگی باشد؛ مگر این که پیامی جهانی بر پایه عدالت خواهی و خیراندیشی داشته باشد و این تجربه روم، فرانسه، بریتانیا و روسیه است.^{۱۹۵} در واقع تمدن غرب بعد معنوی انسان را نادیده می‌گیرد و فقط به حیات حیوانی توجه دارد و به تعبیر قرآن کریم « اولئک کالانعام بل هم اضلّ » هستند.

اومانیسیم (انسان محوری و انسان پرستی به جای خدامحوری) که محور تمامی تفکرات و اعمال بشر غربی است به سایر انسان‌ها به شکل برده نگاه می‌کند، در اسلام همه انسان‌ها محترم هستند و هدف تنها برآوردن نیازهای مادی بشر نیست بلکه هدف اصلی هدایت و نجات بشریت است. حق و باطل برای این تمدن معنا ندارد. ملاک و غایت زندگی، خوب و بد بودن نیست بلکه سود، لذت و قدرت بیشتر به هر قیمتی و وسیله‌ای است.^{۱۹۶} به تعبیر «جرمی بنتهام» در سیاست اصالت با قدرت، در اقتصاد با سود و ثروت و در اخلاق با لذت؛ البته با تعریف نفس اماره می‌باشد هرچند آن عمل همجنس‌گرایی یا زنا با محارم و حیوانات باشد. اومانیسیم در کنار سکولاریسم به معنای حذف تعالیم الهی از حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشر و لیبرالیسم به معنای اباحه‌گری و آزادی مطلق در دین و اخلاق و نفی حق و باطل و اینکه حق مطلق وجود ندارد؛ پایه‌های اساسی تمدن الحادی غرب را تشکیل می‌دهند؛ یعنی حیوانیت کامل و نفی حیات معنوی انسان. لذا بزرگترین فلاسفه و نظریه پردازان تمدن غرب مانند «مونتسکیو» و «جان لاک» از تجار بزرگ برده داری بوده‌اند و سیاه پوستان را موجودات پهن بینی زشت که آدم نیستند و فاقد روح پاک می‌باشند، تعریف کرده‌اند. «جان استوارت میل» نیز می‌گوید: مستعمرات آفریقایی در توحشند و باید به آنها فرمانبری آموخت! بنابراین باید در برابر آن ایستاد: «ما کسانی را نجات دادیم که روبروی ستم ایستادند»: اعراف / ۱۶۵. تمدن غرب همه مایه‌های نظری و همه افراد اهل نظر خود را به میدان آورده و دیگر متفکر واقعی ندارد، آنها با سلب حیثیت آسمانی و معنوی از هستی رویکردی مادی ارایه کردند و عاجز از درک اسرار هستی هستند. حاصل تفکرات بشری مکاتبی چون فاشیسم، نازیسم، مارکسیسم و لیبرالیسم بود که برای سلطه‌گری بیشتر در قرن اخیر به قول «برژنسکی» استراتژیست شهیر آمریکایی ۱۸۵ میلیون نفر را کشتند! انقلاب اسلامی متعرض شالوده نظری غرب شده و با ایجاد پرسشی بزرگ، تمامیت آن را متعرض شده است، که اگر به فرهنگی فراگیر تبدیل شود تمدن غرب نابود می‌شود. خداوند آینده تمدن‌های مادی و ضدالهی را نابودی و اضمحلال می‌داند: «ای پیامبر آیا کسانی که با انبیاء و دین الهی مقابله می‌کنند یک نگاه تاریخی عبرت انگیز به جهان نکردند، اگر عبرت می‌گرفتند، سنت نابودی ملت‌ها و تمدن‌ها را می‌دیدند و علت نابودی آن‌ها را درک می‌کردند و نجات پیدا می‌کردند، ولی اینها عبرت نگرفتند، چرا که چشم قلبشان کور بود، هر چند چشم سرشان کور نبود»: حج / ۶۷. و در سوره روم آیه ۹ نیز می‌فرماید: «آیا در زمین سیر نکردند تا عاقبت کار پیشینیان که از اینها بسیار توان‌تر بودند و بیش از اینها در زمین کشتزار و کاخ و عمارت برافراشتند و رسولان خدا با آیات و معجزات برای آنان آمدند (نپذیرفتند و به کیفر هلاک شدند)». علت این که خداوند در نزول عذاب الهی به کافران فرصت می‌دهد در آیه ۴۷ سوره حج این‌گونه بیان شده است: «ای پیامبر از تو می‌خواهند در آوردن عذاب عجله کنی و به تو می‌گویند اگر راست می‌گویی نابودمان کن، بگو خداوند از وعده‌اش عدول نمی‌کند و در سنت او تأخیری به وجود نیامده و انسان‌ها و سنت نابودی انسان‌های منحرف از دست خدا خارج نشده، لکن حوصله شما کم است و هزار سال نزد شما مثل یک روز نزد خداوند است». همان‌طور که امام خمینی (ره) در ۱۱ دی ۱۳۶۷ طی نامه‌ای به گورباچف رهبر شوروری که آن زمان در کنار

۱۹۴- آرنولد توین‌بی، آینده نامعلوم تمدن، ترجمه فرهنگ جهانیور، (اصفهان: دانشگاه اصفهان، بی‌تا)، ص ۱۹۶.

۱۹۵- ژیببگنیو برژنسکی، خارج از کنترل، ترجمه عبدالرحیم نوه ابراهیم، (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳) ص ۱۰۵.

۱۹۶- اصغر طاهر زاده، علل تزلزل تمدن غرب، (تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹)، صص ۸۷-۱۰۰.

بلوک غرب و مکتب لیبرالیسم به رهبری آمریکا، بلوک شرق و کمونیسم را نمایندگی می‌کرد و بر نیمی از جهان سیطره داشتند؛ چنین پیش‌بینی کرد: «از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد». امام در تحلیل خود از این فروپاشی به صدای شکستن استخوان‌های کمونیسم تعبیر کردند. (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۲۱). در نهایت در ۴ دی ۱۳۷۰ شوروی کمونیسم فروپاشید و اعجاب جهانیان را از پیش بینی امام برانگیخت. البته امروز نظریه‌پردازان شهیر آمریکایی چون والرشتاین، استفان والت، برژنسکی، نوام چامسکی، بوچانان و دیگران آغاز افول آمریکا را اعلام نموده‌اند؛ که تضعیف شاخصه‌های ابرقدرتی آمریکا مؤید آنست، به عنوان نمونه بعد از جنگ جهانی دوم ۵۰ درصد اقتصاد جهان در دست آمریکا بوده است و امروز به ۱۴ درصد رسیده و در بعد امنیتی نظامی دیگر قادر به حمایت از متحدین خود مثل اوکراین، پهلوی، داعش و دیگر دیکتاتورها نمی‌باشد و سیاست‌هایشان در جهان اجرا نمی‌شود همان‌طور که بعد از ۷ تریلیون دلار هزینه برای تجزیه ایران، سوریه، عراق و ایجاد خاورمیانه جدید ناکام ماندند و هژمونی آنها توسط ایران با چالش اساسی مواجه شده است. در شاخص قدرت نرم و ایدئولوژیک با توجه به بحران‌های داخلی آمریکا مانند دارا بودن ۲۵ درصد زندانی‌های جهان و ۵۰ میلیون نفر زیر خط فقر، بی‌اعتباری بین‌المللی در لغو پیمانهای جهانی و روی آوردن به میلیتاریسم و نظامی‌گری بجای اقتناع در عرصه جهانی برای پیشبرد اهداف خود از نشانگان افول قدرت آمریکا می‌باشند.

در آیات ۵۵/مائده، ۳۸/محمد، ۳۹ توبه، ۳/جمعه، ۵۴/اسراء، ۱۳۲/نساء، ۸۹/انعام؛ خداوند از ملّتی یاد کرده است که در آخرالزمان خواهند آمد و دین خدا را یاری خواهند کرد و در واقع زمینه‌سازان ظهور (انقلاب اسلامی؛ ظهور صغری) هستند که ذیل این آیات، روایات فراوانی وجود دارد که آن قوم را ایرانی‌ها دانسته‌اند که جانفشانی‌های ایرانیان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و دفاع از حرم و اسلام مؤید آنست. بعد از نزول این آیات مسلمانان از پیامبر سؤال کردند، این ملّت که خداوند وعده داده است چه کسانی هستند؟ پیامبر (ص) فرمودند: ای سلمان، آنها قوم تو (ایرانی‌ها) هستند اگر علم و دانش در ثریا باشد مردمی از سرزمین پارس بدان دست می‌یابند بزرگ‌ترین سهم را در اسلام، مردم ایران دارند، اطمینان من به عجم‌ها بیشتر از برخی شما اعراب است.^{۱۹۷} بی‌جهت نبود که امام خمینی (ره) فرمودند: انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجّت ارواحنا فدا است^{۱۹۸}. امام خمینی (ره) از سال ۴۲ به بعد مأموریت خود را از بین بردن نظام سلطنتی، ایجاد جمهوری اسلامی و سپردن پرچم به دست حضرت حجّت (عج) تعریف می‌نمودند، امروز پرچم دین‌مداری و معنویت بر دوش کدام ملّت است؟ امروز حوادثی که در سراسر جهان و منطقه رقم می‌خورد حاکی از این واقعیت است که جهان در آستانه تحولات جدی متأثر از انقلاب اسلامی قرار گرفته استاز طرفی ما در عصر ظهور هستیم و از ۱۲۰۰ نشانه ظهور فقط ۵ نشانه باقی مانده است! امروز کدام کشور، ملّت و تفکری ظرفیت پذیرش و میزبانی از اندیشه موعود آخرالزمان و جانفشانی برای او را دارد؟ ظهور نیز قواعدی دارد از جمله اینکه به تعبیر امام صادق(ع) باید همه گروه‌ها و دسته‌ها حکومت کنند و مدعی دیگری باقی نماند. بعد از یأس مردم و سقوط تئوری‌های مدعی عدالت و اداره جهان و ایجاد خلاء تئوریک زمان ظهور فرا خواهد رسید. به ویژه آنکه تمام ویژگی‌های گفته شده در روایات برای «دجال» که مهمترین نشانه ظهور می‌باشد منطبق بر اندیشه و تفکرات غرب به خصوص فراماسونری می‌باشد! از جمله این ویژگی‌ها عبارتند از: فتنه‌گری و جنگ؛ که امروز هر جا آتش جنگ و کودتا وجود دارد حضور آمریکا و ناتو مشهود می‌باشد. ترویج فساد و فحشا؛ که امروز درآمد غرب از راه تولید محصولات پرنو (مستهجن) بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار می‌باشد!

^{۱۹۷} - محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، (قم، دار الحدیث، ۱۳۷۷)، ویرایش سوم، چ چهارم، صص ۴۵۷۳ - ۴۵۷۰.

^{۱۹۸} - [امام] روح الله موسوی خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۲۹.